

۱۳۰/۶/۱



سلسله جلسات
مسجد و اداره جامعه

عنوان جلسه اول:
شرح نقشه بحث

محورهای جلسه:

۱. روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟
۲. مفاهیم پایه مسجد کدامند؟
۳. ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟
۴. ابزارهای امام جماعت برای تحقق مفاهیم پایه کدامند؟
۵. اقدامات کاربردی چهل گانه مسجد کدامند؟
۶. نحوه تامین مالی مسجد چگونه است؟
۷. کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باید باشد؟

شورای راهبردی

الگوی پیشرفت اسلامی

۲۳ خرداد ۱۴۰۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

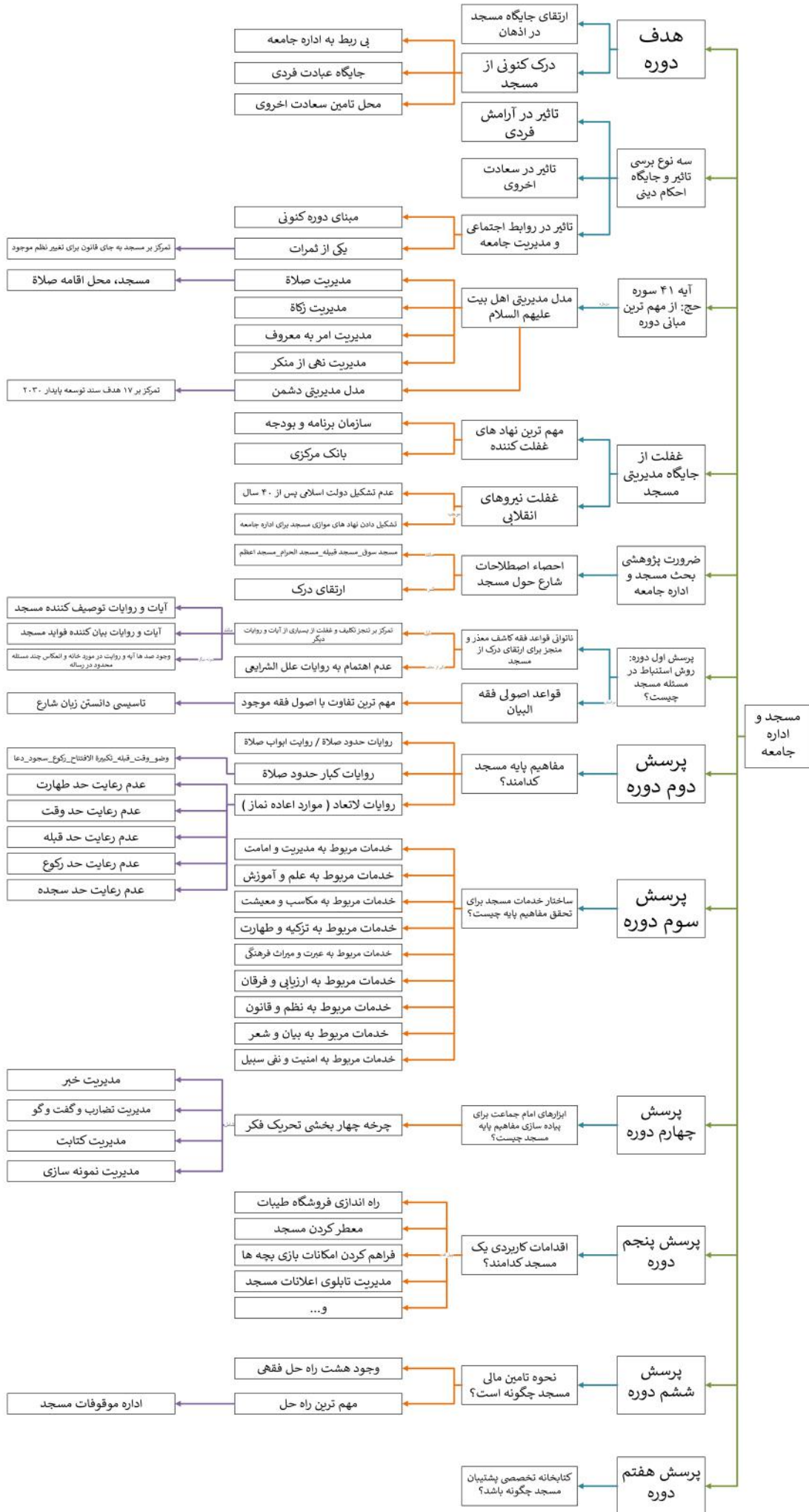
سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو (ویرایش اول) صد و سی امین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده ی گفت و گوی حجه الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در اولین جلسه دوره بحثی "مسجد و اداره جامعه" با موضوع "شرح هفت پرسش اساسی درباره مسجد" می باشد. این سخنرانی در جمع برخی فضیای حوزه علمیه قم در بنیاد هدایت و در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۲ برگزار شده است.

مسجد و اداره جامعه



فهرست مطالب

۱. مقدمه.....	۵
۱/۱. چگونگی ارتقای درک از جایگاه مسجد: پرسش اصلی دوره.....	۶
۱/۱/۱. حداقلی بودن درک از مسجد در نگاه مومنین.....	۶
۱/۱/۲. سه نوع نگاه در تحلیل مفاهیم دینی.....	۷
۱/۱/۳. تمرکز بر مسجد به جای پیگیری راه حل های قانونی: یکی از نتایج ارتقای درک از مسجد.....	۹
۱/۲. آیه ۴۱ سوره حج، یکی از مهم ترین مبانی قرآنی ارتقای درک از مسجد.....	۱۰
۱/۲/۱. اقامه صلاه، ایتای زکات، امر به معروف و نهی از منکر: چهار رکن مدل مدیریتی اهل بیت علیهم السلام.....	۱۱
۱/۳. دو نهاد اصلی غافل از جایگاه مدیریتی مسجد.....	۱۴
۱/۳/۱. غفلت از جایگاه مدیریتی مسجد در میان نیروهای نخبه انقلابی و تبعات آن.....	۱۵
۱/۴. لزوم احصای اصطلاحات شارع برای مسجد، به عنوان یک ضرورت برای ارتقای درک از مسجد.....	۱۶
۱/۴/۱. امکان بازنویسی قانون اساسی و بازتعریف نقش جمهوری اسلامی به محوریت مسجد در آینده.....	۲۰
۲. پرسش اول دوره: روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟.....	۲۴
۲/۱. ناتوانی فقه کاشف معذر و منجز برای ارتقا دادن درک از مسجد.....	۲۴
۲/۱/۱. غفلت از بسیاری از آیات و روایات که ناظر به تنجز و تعذر نیستند، اشکال مهم روش استنباط کنونی.....	۲۵
۲/۱/۲. نادیده انگاشتن صدها آیه و روایت در مورد ویژگی های خانه سازی، نمونه ای دیگر از نقص روش استنباط کنونی.....	۲۶
۲/۱/۳. نپرداختن به وجوه علل الشرائعی مفاهیم دینی، نقص دیگر روش استنباط کنونی.....	۲۸
۲/۱/۴. تاسیسی دانستن زیان شارع: مهم ترین تفاوت قواعد اصولی فقه البیان با اصول فقه کنونی.....	۳۰
۲/۱/۵. تدریس مجزای فقه و اصول: یکی از مشکلات اجتهاد کنونی.....	۳۱
۳. پرسش دوم دوره: مفاهیم پایه مسجد کدامند؟.....	۳۲
۳/۱. اولین اصطلاح روایی مفاهیم پایه مسجد: روایات حدود صلاه و ابواب صلاه.....	۳۲
۳/۲. دومین اصطلاح روایی مفاهیم پایه مسجد: روایات لاتعداد.....	۳۳

۴. سومین پرسش دوره: ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟ ۳۳
- ۴/۱. ارائه خدمات نه گانه در مسجد به عنوان ساختار تحقق مفاهیم پایه ۳۴
۵. چهارمین پرسش دوره: ابزارهای امام جماعت برای پیاده سازی مفاهیم پایه چیست؟ ۳۸
۶. پنجمین پرسش دوره: مجموعه اقدامات کاربردی یک مسجد کدامند؟ ۳۹
- ۶/۱. فروشگاه طبیات، معطر کردن مسجد و فراهم کردن امکان بازی کودکان در مسجد: چند نمونه از
چهل اقدام عملی ۳۹
۷. پرسش ششم دوره: نحوه تامین مالی مسجد چگونه باید باشد؟ ۴۰
- ۷/۱. ارائه هشت راه حل فقهی تامین مالی از جمله وقف ۴۰
۸. کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باشد؟ ۴۱
- ۸/۱. ارتقای درک از جایگاه مسجد در نتیجه پرداختن به این هفت پرسش ۴۱
- پیوست ها ۴۴
- پیوست شماره یک: مسجد ۴۴
- بخش اول: آیات ۴۴
- بخش دوم: روایات ۴۶
- پیوست شماره دو: فقه البیان ۵۰
- مطلب اول: ۵۰
- مطلب دوم: ۵۱
- مطلب سوم: ۵۱
- مطلب چهارم: ۵۲
- پیوست شماره سه: صلاة ۵۳
- بخش اول: آیات ۵۳
- بخش دوم: روایات ۵۴
- پیوست شماره چهار: زکات ۵۹
- بخش اول: آیات ۵۹
- بخش دوم: روایات ۶۱
- پیوست شماره پنج: امر به معروف و نهی از منکر ۶۴
- بخش اول: آیات ۶۴
- بخش دوم: روایات ۶۶

- پیوست شماره شش: مراحل انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب ۶۹
- مطلب اول: ۶۹
- مطلب دوم: ۷۰
- مطلب سوم: ۷۰
- مطلب چهارم: ۷۱
- پیوست شماره هفت: خانه و اهمیت آن در زندگی انسان ۷۳
- پیوست شماره هشت: شرح کامل زیرساخت های خدماتی نه گانه ۷۵
- پیوست شماره نه: بسیج در اندیشه امام خمینی ره ۷۸
- پیوست شماره ده: اهمیت کسب و کار حلال ۸۰
- پیوست شماره یازده: چرخه چهار بخشی تحریک فکر ۸۳
- 1.مطلب اول. ۸۳
- 2.مطلب دوم ۸۴
- 3.مطلب سوم ۸۴
- پیوست شماره دوازده: جایگاه طیبات خوری در هدایت انسان ۸۶
- بخش اول: آیات ۸۶
- بخش دوم: روایات ۸۸
- پیوست شماره سیزده: جایگاه عطر و خوشبویی در اسلام ۸۹

سلام عليكم و رحمه الله و بركاته

بسم الله الرحمن الرحيم أعوذ بالله من الشيطان الرجيم الحمد لله رب العالمين والسلام و الصلاة على سيدنا و نبينا و شفيعنا في يوم الجزاء و حبيب قلوبنا و طيب نفوسنا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقيه الله في الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على أعدائه أعداء الله من الآن الى قيام يوم الدين

سلامٌ عليكم و رحمة الله و بركاته

۱. مقدمه

همانطور که برادران عزیز مطلع هستند قرار است ان شاء الله از امروز، یک دوره مباحثه با موضوع: "مسجد و اداره جامعه"^۱ آغاز کنیم. هدف اصلی از برگزاری این دوره نیز این است که درک از جایگاه مسجد در ذهن ما ارتقا پیدا کند. در حال حاضر یک درک اجمالی از مسئله مسجد در ذهن همه مؤمنین وجود دارد که با توصیفی که شریعت از مسئله مسجد به ما ارائه داده است^۲ فاصله دارد. بنابراین در این دوره مباحثاتی سعی می کنیم یک قدم درک خودمان را از مسئله مسجد ارتقا دهیم.

۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۲۹ تا ۳۱: قَالَ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ. قَرِيبًا هَدَىٰ وَقَرِيبًا حَقٌّ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ إِنَّهُمْ أَخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید. [در حالی که] گروهی را هدایت نموده و گروهی گمراهی بر آنان ثابت شده است زیرا آنان شیاطین را به جای خدا دوستان [خود] گرفته اند و می پندارند که راه یافتگانند. ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگریید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. ترجمه فولادوند

۲. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى- عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حَمَادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدِ

۱/۱. چگونگی ارتقای درک از جایگاه مسجد: پرسش اصلی دوره

بنده می‌خواهم این جا تاکید کنم که پرسش اصلی این دوره مباحثاتی این است که: چگونه درک خودمان و دیگران را از جایگاه مسجد و مفاهیم وابسته به مسجد یا به تعبیر دیگر، مفاهیم اقماری مسجد ارتقا دهیم؟ این موضوع جلسه است. می‌شود موضوع جلسه را خلاصه تر هم بحث کرد: **مسجد و اداره جامعه**. به هر حال در این دوره مباحثاتی که حدود ده جلسه ان شاء الله طول خواهد کشید، محل بحث ما این است که وقتی می‌گوییم مسئله در ذهن ما ارتقا پیدا کند، یعنی به مسجد به عنوان یک ساختار مهم در اداره جامعه نگاه کنیم.

۱/۱/۱. حداقلی بودن درک از مسجد در نگاه مومنین

در حال حاضر بسیاری از مؤمنین تعبیرشان این است که مسجد یک نوع **کنیسه** و یک نوع عبادت‌گاه فردی است، یا محلی برای تعیین **سعادت اخروی** است.^۳ این یک معنای تمجید شده و درستی است اما می‌خواهیم عرض کنیم که مسجد فقط محدود به تامین سعادت اخروی نیست و نقشی - هم در اداره جامعه دارد و به اصطلاح معروف از **سنخ اجتماعیات** است. می‌خواهیم نقش مسجد را (در اداره جامعه) بررسی کنیم.^۴

نُضِيءٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا نُضِيءُ النَّجُومَ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَرْوَرِ كَرَامَةَ الرَّائِرِ أَلَا بَشِيرَ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

عبد الله بن جعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند متعال به بندگان خود فرموده است که: مساجد، خانه‌های من در روی زمین هستند، که در نظر اهل آسمان می‌درخشند بسان درخشش ستارگان برای ساکنان زمین، خوشا به حال آن بنده من که مساجد (خانه‌های من) خانه‌های او باشند، خوشا بر آن بنده‌ای که در خانه خود وضو بسازد و مرا در خانه خودم (مسجد) زیارت کند که گرامی داشتن میهمان بر صاحب خانه لازم و واجب است؛ به آنان که در تاریکی شب به طرف خانه‌های من (مساجد) قدم بر می‌دارند بشارت باد که در روز قیامت با نوری درخشان در صف محشر حضور خواهند یافت.

منبع اصلی: المحاسن ج ۱ ص ۴۷ / ثواب الاعمال ج ۱ ص ۲۸

دیگر منابع: عوالی الثالی ج ۱ ص ۳۵۱ / وسائل الشیعه ج ۱ ص ۳۸۱ / بحار الانوار ج ۸۱ ص ۱۴ / مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۹

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُولُوَيْهِ (رَجَمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى - ، عَنْ أَحْسَنَ بْنِ مَحْبُوبٍ ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ ، عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْأَبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) قَالَ: الْمَسَاجِدُ ، وَأَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ أَوْلَاهُمْ دُخُولًا إِلَيْهَا وَآخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: چه مکانی در نزد خدا محبوب‌تر است؟ جبرئیل گفت: مساجد. و محبوبترین اهل مسجد در نزد خدا کسی است که پیش از همه در آن داخل شود و پس از همه از آن خارج گردد.

منبع اصلی: الأمالی للطوسی ج ۱ ص ۱۴۵

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۴۶۹ / بحار الانوار ج ۸۱ ص ۴

برای مطالعه بیشتر در مورد مسجد به پیوست شماره یک مراجعه فرمایید.

^۳. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره جن آیه ۱۸: وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.

و مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا در مساجد مخوانید. ترجمه فولادوند

^۴. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۲۹: قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی گردید. ترجمه فولادوند

بنده توضیحی را برای واضح تر شدن مسئله عرض می کنم.

۱/۱/۲. سه نوع نگاه در تحلیل مفاهیم دینی

ببینید در مورد احکام شریعت و مفاهیم دینی به صورت کلی می شود سه نوع تاثیر را در نظر گرفت. حالا یک بار درباره زکات بحث می کنید، یک بار راجع به صلاة، باری در مورد حج یا هر مسئله دیگر. گاهی نسبت آن مسئله را در ایجاد تعادل و آرامش در فرد بحث می کنید.^۵ این یک فهرست محتوایی خوب است که شما بگویید صلاة چه تاثیرات مثبتی در شخصیت افراد دارد^۱ و این را شرح بدهید. این یک سر فصل است. بالاخره ما به رشد یا به تعبیر رایجی که در روانشناسی است، به ایجاد تعادل در شخصیت انسان نیاز داریم و بنابراین می توانیم این سوال را بپرسیم که: مثلاً در همان محدوده فردی چه نسبتی میان صلاة و رشد انسان وجود دارد؟

فرض دیگری که می شود به بحث اضافه کرد این است که: بیایم نسبت یک مسئله شرعی را به معنای عامش_ البته مسئله شرعی فقط احکام^۶ نیست بلکه همه حوزه هایی که شارع در مورد آن بحث کرده مدنظر است_ با آخرت و تامین سعادت در آخرت بسنجیم^۸. این هم یک سر فصل بحثی مفید است که درباره آن می شود بحث کرد.

قرآن کریم سوره اعراف آیه ۳۱: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. ای فرزندان آدم زینت خود را در هر نمازی بپوشید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. ترجمه فولادوند

^۵ ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره رعد آیه ۲۸: الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ. همان کسانی که ایمان آورده اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می یابد. ترجمه فولادوند

^۶ ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره عنکبوت آیه ۴۵: اِنَّ مَا اَوْجَىٰ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ اَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ. آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنی. ترجمه فولادوند

^۷ ارجاع پرورشی: به آیاتی از قرآن که به احکام شرعی پرداخته اند یا بتوان از آنها، حکمی شرعی استخراج و استنباط کرد، آیات الاحکام و به عبارتی دیگر فقه القرآن گفته می شود. منظور از حکم شرعی، احکام عملی است مانند حکم نماز، روزه، جهاد، زکات، نه احکام اخلاقی یا اعتقادی. گفتمی است واژه «آیات الاحکام» عنوان بسیاری از کتاب‌هایی قرار گرفته است که درباره احکام عملی مسلمانان بحث کرده‌اند.

منبع: معینی، آیات الاحکام ص ۱ / فاکر میبیدی، درآمدی بر آیات الاحکام ص ۴۱ / فخلعی، جستاری در تاریخ تفسیر آیات الاحکام ص ۳۴۸ / آقابزرگ تهرانی، الذریعه، دار الاضواء، ج ۱، ص ۴۲-۴۴

^۸ ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبِيدِ الْأَحْمِيدِ عَنْ غَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «ثَلَاثَةٌ لَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» سَيِّحُ زَانٍ وَمَلِكٌ جَبَّارٌ وَمَقِلٌ مُخْتَالٌ.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روز قیامت خدا با سه کس سخن نگوید و به آنها توجه نفرماید و پاک و بی‌آلایشان نسازد و برای آنها عذابی دردناکست: پیر زناکار و سلطان جبار و فقیر خودخواه.

منبع اصلی: تفسیر العیاشی ج ۱ ص ۱۸۹ / الکافی ج ۲ ص ۳۱۱ / من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۳۲۱ / ثواب الاعمال ج ۱ ص ۲۲
دیگر منابع: عوالی الثالی ج ۱ ص ۳۶۰ / الوافی ج ۵ ص ۸۷۲ / وسائل الشیعه ج ۱۵ ص ۳۷۹ / بحار الانوار ج ۷ ص ۲۳۳

سر فصل سومی هم وجود دارد که ما نسبت یک حکم یا مسئله شرعی را بیاییم و در اداره جامعه بحث کنیم که این هم یک ورودی جدید است. بنابراین همان مسئله شرعی را از حیث اجتماعیات و تاثیر در اداره جامعه بحث می کنیم. به عبارتی در حوزه احکام و مسائل شرعی قرار نیست تاسیس جدیدی انجام دهیم، بلکه با زاویه دید اجتماعیات، با زاویه دید تاثیر بر اداره جامعه، (مسائل) را باز خوانی می کنیم.^۹ حالا بحث ما بیشتر در حیث سوم است و می خواهیم این حیث سوم را شرح دهیم. بنابراین وقتی از ارتقای درک از جایگاه مسجد صحبت می کنیم، حیث ارتقا مسئله اداره جامعه است، یعنی ان شاء الله اگر این دوره مباحثاتی موفق باشد، مخاطب بعد از مرور احادیث و آیاتی که در این دوره تلاوت می کنیم به این نتیجه می رسد که می شود مسجد را به یک وزارتخانه تشبیه کرد. الان وقتی کسی درباره مفهوم وزارتخانه صحبت می کند ارتکاز و تبادر از این اصطلاح این است که نهادی است برای اداره جامعه. اما در حال

قرآن کریم سوره تحریم آیه ۸: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نورهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَنْتَ لَنَا نُورٌ وَأَنْتَ لَنَا نَارٌ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

ای کسانی که ایمان آورده اید به درگاه خدا توبه ای راستین کنید امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزداید و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد در آن روز خدا پیامبر [خود] و کسانی را که با او ایمان آورده بودند خوار نمی گرداند نورشان از پیشاپیش آنان و سمت راستشان روان است می گویند پروردگارا نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشاى که تو بر هر چیز توانایی. ترجمه فولادوند

قرآن کریم سوره انبیاء آیه ۴۷: وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ.

و ترازوهای داد را در روز رستخیز می نهیم پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی بیند و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم. ترجمه فولادوند

قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۸۵: وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ.

و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است. ترجمه فولادوند

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ حُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الشَّامِيِّ عَنْ نَوْفِ الْبَكَلِيِّ قَالَ: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَهُوَ فِي رَحْبَةِ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَقُلْتُ السَّلَامَ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَقَالَ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا نَوْفُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عِظْنِي فَقَالَ... إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَا تَكُنْ لِلظَّالِمِينَ مُعِينًا يَا نَوْفُ مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَسَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ.

نوف بکالی گوید در آستان مسجد کوفه خدمت امیر المؤمنین (علیه السلام) رسیدم و گفتم السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله و برکاته فرمود و عليك السلام يا نوف ورحمة الله و برکاته، گفتم يا امير المؤمنين پندم بده فرمود ای نوف: ... ای نوف اگر خواهی روز قیامت با من باشی کمک ستمکاران مشو ای نوف هر که ما را دوستدارد روز قیامت با ما است و اگر مردی سنگی را دوستدارد با او محشور گردد.

منبع اصلی: الأمالی للصدوق ج ۱ ص ۲۰۹

دیگر منابع: مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۶۴ / وسائل الشیعه ج ۱۲ ص ۲۸۳ / أعلام الدین فی صفات المؤمنین ج ۱ ص ۱۸۷ / بحارالانوار ج ۷۲ ص ۲۴۸

^۹ . ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره مریم آیه ۵۹: فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا. نگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساختند و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید. ترجمه فولادوند

قرآن کریم سوره مومنون آیه ۵۲: يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ.

ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می دهید دانایم. ترجمه فولادوند

حاضر وقتی داریم درباره مسجد صحبت می کنیم، چنین تبادری در ذهن ایجاد نمی شود. ما می خواهیم بعد از این دوره مباحثاتی تبادل از مسئله مسجد مثل تبادل از مسئله وزارتخانه باشد. وقتی شما مثلا دارید درباره شهرداری ها صحبت می کنید می گوید بله، شهرداری نهادی است برای اداره جامعه. ما باید کاری کنیم که در افکار عمومی _ و اول هم در افکار خودمان که بیشترین تاثیر را در اداره مسجد داریم _ از مسئله مسجد تبادل یک نهاد اداره کننده جامعه در ذهنمان ایجاد شود و البته این لوازمی دارد.

۱/۱/۳. تمرکز بر مسجد به جای پیگیری راه حل های قانونی: یکی از نتایج ارتقای درک از مسجد

مثلا یکی از لوازم آن این است که مؤمنین برای اداره جامعه، دیگر خیلی به مسیر مجلس فکر نمی کنند. در حال حاضر اینجور است که اگر کسی می خواهد مسئله حجاب^{۱۰} را حل کند یا مسئله غذا^{۱۱} را یا موضوع سلامت^{۱۲} مردم را، همه به دنبال تصویب قانون اند. حالا اگر احتیاط کنیم و نگوییم همه، اکثرا به دنبال تصویب قانون خوب هستند. بنده عرضم این است که اگر جایگاه مسجد در ذهن کسی رشد یافته باشد می گوید: در مسجد برای الگوی تغذیه، سلامت و ساخت مسکن کار می کنیم و اینها را تغییر می دهیم، یعنی با نگاه دیگری عملکرد اجتماعی خودش را تنظیم می کند. بهرحال این از جمله فواید این بحث خواهد شد. سوال مادر این دوره این است که ما چگونه ارتقای درک از مسجد ایجاد کنیم؟ بنده دوباره همان عبارت اجمالی را تکرار می کنم تا محل نزاع واضح شود: می گویم به نسبت مسجد و اداره جامعه فکر کنید. در اطلاع رسانی های دوره هم روی همین کلمه مسجد و اداره جامعه متمرکز شویم. البته می توانید در دوره های دیگر بگویید "مسجد و سعادت اخروی"، این هم عنوانی است و می شود درباره اش بحث کرد. می توانیم بگوییم "مسجد و آرامش فرد". می دانید که در دنیای مدرن ما چالشی داریم _ به اصطلاح

۱۰. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره احزاب آیه ۵۹: يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا.

ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است. ترجمه فولادوند

۱۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۷۲: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ. ای کسانی که ایمان آورده اید از نعمتهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید و اگر تنها او را می پرستید خدا را شکر کنید. ترجمه فولادوند

۱۲. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اعراف آیه ۳۱: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگریید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی دارد. ترجمه فولادوند.

وَقَالَ الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ : سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِإِبْنِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ كَلِمَاتٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى قَالَ لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِيهِ وَ جُودَ الْمَضْغِ وَ إِذَا نِمْتَ فَأَعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْنَيْتَ عَنِ الطَّبِّ وَ قَالَ إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَأَيَّةً تَجْمَعُ الْطَّبَّ كُلَّهُ وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا.

امام علی (اصبح بن نباته گوید: شنیدم امام علی (فرمود: پسر- جانم چهارکلمه به تو بیاموزم که به وسیله آنها از طب بی نیاز شوی)؟ گفت: «چرا»؟ فرمود: «بر سر غذا منشین جز اینکه گرسنه باشی! از کنار سفره غذا بر نخیز جز هنوز اشتها داری، خوب بجو، هنگام خواب سر قدم برو، چون این چهار را مراعات کنی از طب و دواء بی نیازی. فرمود: «در قرآن آیه ایست که همه ی طب را دارد؛ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا».

خودشان_ به نام **عدم تعادل روانی**^{۱۳}. بنده در بعضی_ از آمارها دیده بودم که بعضی_ از وزارت خانه ها اعلام کرده بودند که یک چهارم مردم بعضی_ از شهرها آرامش روحی ندارند^{۱۴} و پناه می برند به قرص های توصیه شده توسط روانشناسان. لذا اگر شما بیایید و عنوانی بگذارید و بگویید: من می خواهم نسبت بین مسجد و آرامش روحی و روانی مردم را هم بحث کنم، بنده می گویم که در عصر_ ما این مسئله، موضوع خوبی است ولی ما نمی خواهیم فعلا به این مسائل پردازیم. بنده خیلی مصر_ هستم که مسئولین ما، خصوصا آنهايي که متصف به **انقلابی بودن** هستند و می خواهند برای اداره جامعه طرحی بدهند، جایگاه مسجد در ذهنشان خیلی برجسته شود و این طور مسئله را ببینند که متاسفانه الان این گونه نیست. پس این سوال مادر جلسه است.

۱/۲. آیه ۴۱ سوره حج، یکی از مهم ترین مبانی قرآنی ارتقای درک از مسجد

آیه ای در قرآن است که شما حتما آن را مکرر تلاوت فرموده اید. آیه ۴۱ از سوره حج که دقیقا همین معنا را بحث می کند. یکی از مهم ترین پایه های **فقهی** بحث ما که می گوئیم: مسجد و اداره جامعه با هم مرتبط است همین آیه است: **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ**^{۱۵}. فراز ابتدایی آیه عبارت: **الَّذِينَ إِنْ**

^{۱۳}. **ارجاع پرورشی**: کان متوسط استهلاك مضادات الاكثتاب في ۱۸ دولة أوروبية عام ۲۰۰۰ ۳۰/۵ من الجرعة اليومية المحددة، وارتفع إلى ۷۵/۳ عام ۲۰۲۰، بزيادة قدرها ۱۴۷٪. زاد الاستهلاك العالمي للعقاقير المضادة للاكثتاب (AD) بشكل كبير في العقدين الماضيين، وكان الأوروبيون هم أكبر المستهلكين. ووفق منظمة التعاون الاقتصادي والتنمية، ارتفع استخدام مضادات الاكثتاب بمقدار مرتين ونصف تقريبا من عام ۲۰۰۰ إلى عام ۲۰۲۰ في ۱۸ دولة أوروبية. كان متوسط استهلاك مضادات الاكثتاب في ۱۸ دولة أوروبية عام ۲۰۰۰، ۳۰/۵ من الجرعة اليومية المحددة، وارتفع إلى ۷۵/۳ عام ۲۰۲۰، بزيادة قدرها ۱۴۷٪. متوسط مصرف روزانه داروهای ضد افسردگی در هجده کشور اروپایی در سال ۲۰۰۰، ۳۰/۵ بود که در سال ۲۰۲۰ به ۷۰/۳ رسیده است یعنی افزایش ۱۴۷ درصدی. مصرف جهانی داروهای ضد افسردگی در دو دهه گذشته بسیار افزایش داشته و کشورهای اروپایی بیشترین مصرف کنندگان بوده اند.

منبع خبر: بخش عربی خبرگزاری اتحادیه اروپا، یورونیوز
<https://b2n.ir/d54852>

^{۱۴}. **ارجاع پرورشی**: رئیس دانشگاه علوم پزشکی البرز با تاکید بر اینکه افسردگی بیماری بزرگ قرن است و بیش از یک چهارم جمعیت جامعه ما دچار افسردگی هستند، گفت: دانش آموزان بهترین مراقبت کنندگان از خانواده هستند. به گزارش خبرگزاری تسنیم از کرج، حمید درفش_ در مراسمی که به مناسبت بزرگداشت هفته سلامت در مدرسه شاهد عفاف در رجایی شهر کرج صبح امروز برگزار شد، اظهار داشت: بیش از ۴۰ درصد از کسانی که به پزشک مراجعه می کنند بیمار نیستند. وی با اشاره به اصطلاحی در روانپزشکی که "غم اگر چشمها را گریان نکند یکی از اعضای بدن را به گریه وادار می کند"، افزود: گروه وسیعی از بیماریها وجود دارند که روح، روان، جسم و عواطف انسان را تحت تاثیر قرار می دهند. درفش_ با تاکید بر اینکه بیش از ۸۰ درصد از کسانی که سردرد دارند مشکلات مغزی ندارند، عنوان کرد: ۹۰ درصد چشم دردها نیز هیچ ارتباطی با چشم ندارند. رئیس دانشگاه علوم پزشکی استان البرز، خاطرنشان کرد: بیش از ۸۰ درصد سردردها روحی بوده و ناشی از تاثیرات مشکلات روحی بر جسم انسان است. وی با اشاره به اینکه اکثر سکتته های مغزی و قلبی منشأ روحی و روانی دارند، عنوان کرد: تنها کسی که می تواند بهترین مراقبت را از فرد بیمار انجام دهد خود اوست. درفش با تاکید بر اینکه افسردگی بیماری بزرگ قرن است و بیش از یک چهارم جمعیت جامعه ما دچار افسردگی هستند، تصریح کرد: دانش آموزان بهترین مراقبت کنندگان از خانواده هستند.

منبع خبر: خبرگزاری تسنیم
<https://b2n.ir/f06015>

^{۱۵}. **ارجاع پرورشی**: **قرآن کریم سوره حج آیه ۴۱: الَّذِينَ إِنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ**.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند باز می دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. ترجمه فولادوند

مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ است یعنی به اصطلاح **فقه البیان**^{۱۶}، سوال آیه این است که چطور باید از اختیارات اجتماعی استفاده کرد؟ آیه دارد به این سوال پاسخ می دهد. می گوید گروهی هستند که: **إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ** اگر اختیارات اجتماعی داشته باشند، برای چهار مسئله برنامه ریزی می کنند؛ **اقامه صلاة، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر**. یعنی در واقع آیه دارد ما را رهنمون می کند به سمت اینکه هر وقت اختیار اجتماعی پیدا کردید بروید به سمت برنامه ریزی برای این چهار موضوع.

۱/۲/۱. اقامه صلاه، ایتای زکات، امر به معروف و نهی از منکر: چهار رکن مدل مدیریتی اهل بیت علیهم السلام اولین موضوع از این چهار مورد مسئله **اقامه صلاة** است و اقامه صلاة جایگاهش در مسجد است. پس ببینید با توجه به هدایتی که در آیه ۴۱ سوره حج نهفته شده است ما باید به جایگاه مسجد در جامعه فکر کنیم. ان شاء الله توضیحاتی در مورد آیه در طول این دوره خواهیم داد، در دوره های تکمیلی بحث هم شرح هایی خواهیم داد. نکات بسیار مهمی در مورد این آیه مطرح است از جمله اینکه امام کاظم علیه السلام می فرمایند: **که فینا نزلت هذه الآية**^{۱۷} این آیه در مورد ما نازل شده است، یعنی امام کاظم علیه السلام می فرمایند

^{۱۶} ارجاع پرورشی: قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ / تعبد مبتنی بر تفکر خواسته قطعی شارع است! قواعد اصولی فقه البیان زمینه ساز برای استنباط جنبه های تحریک کننده فکر شارع است. بخشی از جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع، جنبه های توصیفی شارع و جنبه های علل الشریعی شارع است. همچنین شکل بیان شارع مهمترین جنبه تحریک کننده فکر در بیان شارع محسوب می شود. قواعد اصولی فقه البیان به سه دسته قاعده کلی تقسیم می شود:

بخش اول قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد بیان مبتنی بر ظرفیت و گروه قواعد بیان مبتنی بر تأمل) به تشریح مفهوم سؤال و تأمل در بیان شارع می پردازد. شارع محترم، سوال حسن و نیکو را نصف علم و مفتاح علم و آغاز کننده تفکر می داند. فقاقت از فهم پرسش های شارع شروع می شود.

بخش دوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی مُکث) به تحلیل مسئله، پاسخ و راه حل از منظر شارع می پردازد. تبیین مفهوم تنزیل در کنار مفهوم تأویل، تشریح مفهوم ظاهر در کنار مفهوم باطن بخشی از مباحث بیان مبتنی بر مُکث است. همچنین تحلیل ابعاد تنزیل، تأویل و تحلیل ابعاد باطن و ظاهر بخش دیگری از مباحث این بخش است. مهمترین بخش بیان مبتنی بر مُکث، تحلیل ابعاد ظاهر و نص از منظر شارع است. بیان شارع در بخش ظاهر، حداقل دارای سه بُعد ثبت (تصویر)، تحلیل (تعریف) و پردازش (تصمیم) است.

بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر مقایسه، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر رفق، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر منزلت، گروه قواعد اصولی مبتنی بر افتتاح، گروه قواعد اصولی مبتنی بر سیاق و گروه قواعد اصولی مبتنی بر کمیت) به تعمیق ۶ بعدی بیان شارع حکیم می پردازد. بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان به سفرهای فکری شارع معروف است و در واقع ۶ جنبه تحریک کننده فکر، در بیان شارع را توصیف می کند.

رساله های عملیه و علمیه را در موضوعات مختلف، مبتنی بر این ساختار، استنباط و بیان می کنیم و معتقد هستیم؛ اینگونه از بیان، تحریک فکر و درایه بیشتری را برای مردم عزیز تأمین می کند. اساساً ارتقای امثال مکلف، وابسته به میزان تدبر و میزان درایه مکلف در بیان و تقدیر شارع است. (در استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد از قواعد فقه البیان بهره برده ایم.)

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین روش استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد - سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ - قم

منبع: کانال اطلاع رسانی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا
<https://eitaa.com/olgou4>

برای مطالعه بیشتر در مورد قواعد اصولی فقه البیان به پیوست شماره دو مراجعه فرمایید.

^{۱۷} ارجاع پژوهشی: الکاظم (علیه السلام) - عَنْ عَيْسَى بْنِ دَاوُدَ عَنِ الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي يَوْمًا فِي الْمَسْجِدِ إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَوَقَفَ أَمَامَهُ وَ قَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَعْيَيْتَ عَلِيَّ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ سَأَلْتُ عَنْهَا جَابِرُ بْنُ يَزِيدٍ فَأَرْشَدَنِي إِلَيْكَ فَقَالَ وَ مَا هِيَ قَالَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ فَآيَةُ فَقَالَ نَعَمْ فِينَا نَزَلَتْ وَ ذَلِكَ أَنَّ فَلَانًا وَ فَلَانًا

الگوی حکمرانی ما چهار پایه دارد. دیگران وقتی **إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ** برایشان تحقق پیدا می‌کند برای امور دیگری برنامه ریزی می‌کنند. مثلاً در حال حاضر **سازمان ملل** هم تمکن در ارض دارد ولی مبنای برنامه ریزی آن **هفده آرمان** است، هفده هدف برای اداره دنیا تعریف کرده، هفده هدف اصلی که حالا موصوف به **سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است**^{۱۸}. امام کاظم علیه السلام اینجا ایستاده اند؛ می‌گویند که اگر سازمان ملل تمکن

وَ ظَائِفَهُ مَعَهُمْ وَ سَمَّاهُمْ اجْتَمَعُوا إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) إِلَى مَنْ يَصِيرُ هَذَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ فَوَلَّى اللَّهُ لِيُنْصَرِّحَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ إِنَّا لَنَخَافُهُمْ عَلَى أَنْفُسِنَا وَ لَوْ صَارَ إِلَى غَيْرِهِمْ لَعَلَّ غَيْرَهُمْ أَقْرَبُ وَ أَزْهَمُ بِنَا مِنْهُمْ فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ مَا أَبْغَضْتُمُوهُمْ لِأَنَّ بَغْضَهُمْ بَغْضِي وَ بَغْضِي هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ ثُمَّ نَعَيْتُمْ إِلَيَّ نَفْسِي فَوَلَّى اللَّهُ لِيُنْصَرِّحَ إِلَيَّ فِي الْأَرْضِ لِيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ لِيُؤْتُوا الزَّكَاةَ لِيَحْلِلَهَا وَ لِيَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِيَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ إِنَّمَا يُرْغِمُ اللَّهُ أُنُوفَ رِجَالٍ يُبْغِضُونَنِي وَ يُبْغِضُونَ أَهْلَ بَيْتِي وَ ذُرِّيَّتِي فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ إِلَى قَوْلِهِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ فَلَمْ يَقْبَلِ الْقَوْمُ ذَلِكَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَ إِنْ يَكْذُوبُونَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودُ* وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ* وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ.

امام کاظم علیه السلام عیسی بن داود از امام کاظم علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: «روزی در مسجد نزد پدرم امام صادق علیه السلام بودم که مردی نزد او آمد و در مقابل ایشان ایستاد و عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه‌ای در قرآن مرا درمانده کرده است، تفسیر آن را از جابرین بزرگ پرسیدم، او مرا به محضر شما راهنمایی کرد». پدرم فرمود: «آن آیه کدام است؟» آن مرد گفت: «آیه‌ی الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ...». پدرم فرمود: «آری! این آیه درباره‌ی ما اهل بیت نازل شده است و جریانش چنین است: فلانی و فلانی و گروهی که با آن دو بودند که پدرم نام آن‌ها را ذکر کرد خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمده و پرسیدند: «خلافت بعد از شما به چه کسی خواهد رسید؟ به خدا سوگند! اگر به یکی از خویشاوندان شما برسد ما از خویشان تو بر جان خویش بی‌مانکیم؛ و اگر به کسی غیر از آن‌ها برسد، چه بسا کسی غیر از آن‌ها نسبت به ما نزدیک‌تر و مهربان‌تر باشد!» رسول خدا از شنیدن این سخن بسیار ناراحت شد و فرمود: «به خدا سوگند! اگر به خدا و فرستاده‌اش ایمان داشتید، هرگز آنان را دشمن نمی‌پنداشتید؛ زیرا که دشمنی با آن‌ها دشمنی با من و دشمنی با من، کفر و ورزیدن به خداوند است. شما [با این سخن‌تان] از مرگم به من خبر دادید! به خدا سوگند! اگر خداوند به آن‌ها در زمین قدرت دهد، نماز را در وقتش به پای خواهند داشت و زکات را در جای خودش به مصرف رسانده و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود؛ خداوند کسانی که با من و اهل بیتم دشمنی نمایند را خوار و ذلیل خواهد کرد». در این هنگام خداوند عَزَّوَجَلَّ این آیه را نازل فرمود: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ با این حال، آن گروه فرمایش پیامبر (را نپذیرفتند؛ خداوند سبحان نیز این آیات را نازل فرمود: وَ إِنْ يَكْذُوبُونَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودُ* وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ* وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ.

منبع: تاویل الآیات ج ۱ ص ۳۳۸ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۸۹۲ / بحار الانوار ج ۲۴ ص ۱۶۵

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فِي قَوْلِهِ : «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ» وَ هَذِهِ آيَةُ لَلَّاحِ مُخَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى آخِرِ آيَةِ وَ الْمَهْدِيِّ وَ أَصْحَابُهُ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يَظْهَرُ الَّذِينَ وَ يُبَيِّتُ اللَّهُ بِهِ وَ أَصْحَابِهِ الْبَدْعَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفْهُ الْخَقَّ حَتَّى لَا يَرَى أَثَرَ لِلظُّلْمِ .

از امام باقر علیه السلام: این آیه در مورد آل محمد علیهم السلام است و خداوند شرق و غرب عالم را به تملک مهدی علیه السلام و اصحابش در می‌آورد و دین خود را ظاهر میکند. و خدا به وسیله او و اصحابش بدعتها و اهل باطل و سفهه‌ی اهل حق را نابود می‌کند تا اثری از ظلم باقی نماند.

مصدر: تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۷

دیگر منابع: بحار الانوار ج ۵ ص ۴۷ / تاویل الآیات الظاهره ج ۱ ص ۳۳۹ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۸۹۳

^{۱۸} **ارجاع پرورشی**: آرمان‌های توسعه پایدار نقشه‌راه دستیابی به آینده‌ای بهتر و پایدارتر برای همگان است. این آرمان‌ها به چالش‌های جهانی‌ای پاسخ می‌دهند که با آن‌ها رو به رو هستیم. از جمله این چالش‌ها می‌توان از فقر، نابرابری، تغییر اقلیم، تخریب محیط‌زیست، صلح و رفاه نام برد. این ۱۷ آرمان به یک‌دیگر متصل‌اند و برای اینکه کسی از آن‌ها بی‌بهره نماند، باید تا سال ۲۰۳۰ به آن‌ها دست‌یابیم. این آرمان‌ها شامل:

- ۱- ریشه‌کنی فقر: ریشه‌کنی فقر در تمامی اشکال آن و در همه جا.
- ۲- ریشه‌کنی گرسنگی: ریشه‌کنی گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی و تغذیه بهتر و ترویج کشاورزی پایدار.
- ۳- سلامتی و رفاه برای همه: تضمین زندگی سالم اطمینان و رفاه برای همگان در تمامی سنین
- ۴- آموزش با کیفیت بصورت فراگیر: تضمین آموزش فراگیر و با کیفیت به مساوات و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر
- ۵- برابری جنسیتی: دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در همه دنیا.
- ۶- آب سالم و بهداشتی برای همگان: تضمین دسترسی به آب سالم و مدیریت پایدار آن و بهداشت برای همه.

در ارض پیدا کند بر اساس این چهار موضوع برنامه ریزی نمی کند، ولی اگر ما تمکن در ارض پیدا کنیم بر اساس این چهار موضوع برنامه ریزی می کنیم. در واقع آیه در مقام تاکید بر این است که **الگوی حکمرانی پیامبر و اهل بیت** چه تفاوتی با الگوی حکمرانی دیگران دارد. در ذیل این آیه روایاتی دیگری هم است از جمله این که می فرماید: این آیه در مورد **حضرت مهدی و اصحابش** است^{۱۹} یعنی در واقع آینده حکمرانی

- ۷- دسترسی به انرژی اقتصادی و پاک: دسترسی همگان به انرژی اقتصادی، مطمئن، پایدار و مدرن برای همه.
- ۸- مشاغل شایسته و رشد اقتصادی برای همه: ترویج رشد اقتصادی باثبات، فراگیر و پایدار و اشتغال کامل و بهره‌ور و مناسب
- ۹- صنعت، زیر ساخت و نوآوری: ایجاد زیرساخت های منعطف، ترویج صنعتی شدن فراگیر و پایدار و ترغیب به نوآوری.
- ۱۰- کاهش نابرابری: کاهش نابرابری در داخل و میان کشورها.
- ۱۱- شهرها و جوامع پایدار: بنا نمودن شهرها و سکونتگاه های بشری با امکانات لازم، امن، تاب آور و پایدار.
- ۱۲- مصرف مسئولانه: اطمینان از مصرف و الگوهای تولید پایدار
- ۱۳- اقدام برای اقلیم: اقدام مناسب و فوری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی و پیامدهای ناشی از آن.
- ۱۴- حفظ حیات زیر آب: حافظت و بهره برداری پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای دستیابی به توسعه پایدار.
- ۱۵- محافظت از حیات روی زمین: حفظ، بازسازی و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم‌های موجود در خشکی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان زدایی، توقف یا معکوس کردن روند تخریب زمین و ممانعت از نابودی تنوع زیستی.
- ۱۶- صلح، عدالت و ایجاد نهادهای قدرتمند ترویج جوامع صلح آمیز و فراگیر برای دستیابی به توسعه پایدار، فراهم کردن عدالت برای همگان و برپایی نهادهای اجتماعی کارآمد، پاسخگو و جامع برای همه و در تمامی سطوح.
- ۱۷- مشارکت جهانی برای اجرای اهداف تقویت ابزارهای اجرایی و احیای مشارکت جهانی برای توسعه پایدار.

منبع خبر: سایت سازمان ملل در ایران

<https://iran.un.org/fa/sdgs>

عزیزان من! درست توجه کنید؛ مخصوصاً مسئولین عزیز و محترمی که تشریف دارند، توجه کنند. اینجا است که اهمیت سند ۲۰۳۰ معلوم میشود. **لَبَّ كَلَامٍ وَ جَانِ كَلَامٍ** در این سند ۲۰۳۰ که **فصل مهمی مربوط به آموزش و پرورش دارد، این است که نظام آموزشی باید سبک زندگی را و فلسفه‌ی حیات را بر اساس مبانی غربی به کودک بیاموزد؛** این آن لب کلام در سند ۲۰۳۰ است. یعنی چه؟ یعنی جنابعالی، انسان متدین و علاقه‌مند به کشورتان، علاقه‌مند به آینده‌تان، در کلاس درستان **سریاز برای غرب درست کنید.** این که روی سند ۲۰۳۰ این قدر اصرار دارند و کار میکنند، آشکار و غیر آشکار سعی میکنند این را تحکیم کنند بر مناسبات کشورها از جمله کشور ما، این معنایش این است؛ چون دستورات و توصیه‌ها و نکات اصلی موجود در این سند برای آموزش و پرورش این است که آموزش و پرورش باید جوری مناسبات فکری شاگردان را تنظیم کند که فلسفه‌ی زندگی‌شان، اساس زندگی‌شان، مفهوم حیات در نظرشان، طبق تفکر غربی باشد. همین که عرض کردم؛ **شما اینجا بنشینید سریاز درست کنید برای انگلیس و فرانسه و آمریکا و بقیه‌ی این وحشی‌های کراوات‌زده‌ی ادکلن‌زده‌ی ظاهر ساز؛** همینایی که آدم میکشند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند، به آدمکش کمک میکنند بدون اینکه خم به ابرو بیاورند؛ میگویند آقا چرا شما به سعودی کمک میکنید؟ میگویند ما به پولش احتیاج داریم؛ میدانند که در یمن چه کار دارد میکنند، در عین حال کمکش میکنند. اینجا بنشینند آنجا، ما برای اینها در ایران و در کشورهای آسیا و غرب آسیا و کشورهای اسلامی و مانند اینها، سریاز و پشتیبان و رعیت تربیت کنیم؛ [سند] ۲۰۳۰ این است.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار معلمان و فرهنگیان ۱۳۹۸/۲/۱۱

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=14309>

^{۱۹} **ارجاع پژوهشی:** الباقر (علیه السلام) - عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) فِي قَوْلِهِ الَّذِينَ إِنَّ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ؛ فَهَذِهِ لِأَلِّ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) إِلَى آخِرِ الْأَنْمَةِ وَ الْمَهْدِيِّ (عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ) وَ أَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَسَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ الدِّينَ وَ يُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السُّفَهَاءُ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَيْنَ الظُّلْمَ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.

از امام باقر نقل شده که در مورد آیه‌ی: الَّذِينَ إِنَّ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوُا الزَّكَاةَ؛ فرمود: «این آیه اختصاص به آل محمد تا آخرین امام، و حضرت مهدی و یارانش دارد، همان کسانی که خداوند آن‌ها را مالک شرق و غرب زمین خواهد نمود و دین را به وسیله‌ی او آشکار کند و بدعت‌ها و ناحق را به وسیله‌ی او و یارانش از میان بردارد؛ آنچنان که بی‌خردان، حق را نابود کرده‌اند؛ و عدالت آنگونه گسترش یابد که] اثری از ظلم باقی نمی‌ماند؛ و آن‌ها امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

مصدر: تفسیر قمی ج ۲ ص ۸۷

دیگر منابع: تأویل الآیات ج ۱ ص ۳۳۹ / اثبات الهداه ج ۵ ص ۱۸۹ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۸۹۲ / بحارالانوار ج ۲۴ ص ۱۶۵

جهان را هم توضیح می دهد. این خیلی مسئله مهمی است. آیه ۴۱ از سوره حج یک تصویری از الگوی اداره جهان در آینده را به ما ارائه داده است که تصویر مهمی است. امام زمان عجل الله تعالی فرجه هم بیانند این طور نیست که با الگوهای فعلی دنیا را اداره کنند خیر، بلکه بر اساس این چهار محور جامعه را اداره می کنند. معذرت می خواهم که من از این اصطلاحات امروزی استفاده می کنم ولی بعضی وقت ها به دلیل اینکه تشبیه و تقریب به ذهن شود ناچارم. آیه می فرماید امام زمان عجل الله تعالی فرجه به تعبیر امروزی چهار وزارتخانه دارند: وزارتخانه صلاة^{۲۰}، وزارت خانه زکات^{۲۱}، وزارتخانه امر به معروف و وزارتخانه نهی از منکر^{۲۲}. البته حضرت علیه السلام نهادی عمل نمی کنند ولی به هر حال بنده از باب تشبیه گفتم. پس این موضوع جلسه است، یعنی اگر خواستیم این دوره را پیگیری کنیم یا به برادر دیگری دلیل اهمیتش را توضیح دهیم، شرح اجمالی پرسش مادر، همین مباحثی بود که عرض کردم.

۱/۳. دو نهاد اصلی غافل از جایگاه مدیریتی مسجد

بنده از سر تحقیق و مباحثات طولانی حدود سه دهه با مسیولین کشور و یا طلبه ها و یا علمای حوزه علمیه قم عرض می کنم که کمتر کسی را در جمهوری اسلامی پیدا کرده ام که نگاهش به مسجد ارتقا یافته باشد. نگاه ها به مسجد عقب افتاده است به این معنا که کسی برای نقش مسجد در اداره جامعه برنامه ریزی نمی کند و در متن برنامه های کشور نیست. به نظر ما مهم ترین نهادی که مسجد را نمی فهمد سازمان برنامه و بودجه^{۲۳} و بانک مرکزی است که این ها اصلا متوجه نقش مسجد نیستند.

۲۰. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره عنکبوت آیه ۴۵: اَثَلُ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ. آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعا یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنی. ترجمه فولادوند

برای مطالعه بیشتر در مورد "صلاة" به پیوست شماره سه مراجعه فرمایید.

۲۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره روم آیه ۳۹: وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّا لِيَرْبُؤَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤَ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ. آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بر دارد نزد خدا فزونی نمی گیرد و [لی] آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزونی یافتگانند. ترجمه فولادوند

برای مطالعه بیشتر در مورد "زکات" به پیوست شماره چهار مراجعه فرمایید.

۲۲. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۱۰: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ. شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعا برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند. ترجمه فولادوند

برای مطالعه بیشتر در مورد "امر به معروف و نهی از منکر" به پیوست شماره پنج مراجعه فرمایید.

۲۳. ارجاع پرورشی: به منظور هماهنگ نمودن فعالیت های عمرانی و لزوم تهیه برنامه های برای رشد اقتصادی و اجتماعی کشور در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی شورای اقتصادی تشکیل شد.

۱/۳/۱. غفلت از جایگاه مدیریتی مسجد در میان نیروهای نخبه انقلابی و تبعات آن
شما حتی در امثال دانشگاه امام صادق^{علیه السلام} یا سایر دانشگاه‌هایی که بیشتر نیروهای انقلابی در آن درس
می‌خوانند، کتابی را پیدا نمی‌کنید که نقش مسجد در اداره جامعه را به صورت تفصیلی شرح داده باشد.
بنابراین با اینکه ما الان اختیارات کشور را به دست نیروهای انقلاب داده ایم ولی این مسأله مهم برای ما

در ۱۷ فروردین سال ۱۳۲۵ به موجب تصویب‌نامه هیأت وزیران هیأتی به نام هیأت تهیه نقشه اصلاحی و عمرانی کشور تشکیل شد.
هیأت دولت پس از دریافت گزارشات ارائه شده از سوی این هیأت در مرداد ماه سال ۱۳۲۵ تصویب کرد؛ برای رسیدگی به برنامه‌های
ارائه شده از سوی وزارتخانه‌ها، هیأت جدیدی به نام هیأت عالی برنامه تشکیل شود.
هیأت عالی برنامه در سال ۱۳۲۷ لایحه قانون برنامه هفت ساله عمرانی کشور را تهیه و به مجلس وقت ارائه کرد. در این لایحه برای
نخستین بار با توجه به لزوم جلوگیری از ایجاد اصطکاک بین سازمان‌هایی که عملیات مشابه انجام می‌دهند از سویی و لزوم تحول
اقتصادی کشور از سویی دیگر پیشنهاد شد؛ اجرای برنامه از طریق همکاری بین دوایر دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت از یک طرف
و سازمانی خاص به نام سازمان برنامه از طرف دیگر انجام گیرد. به این ترتیب در شهریور ماه ۱۳۲۷ اداره‌ای به نام اداره دفتر کل برنامه
تأسیس شد که بعداً این اداره سازمان موقت برنامه نامیده شد. در نهایت طبق قانون برنامه عمرانی ایران، مصوب ۲۶ بهمن ۱۳۲۷
سازمان برنامه به وجود آمد.
با تصویب قانون برنامه و بودجه در ۱۵ اسفند ۱۳۵۱، سازمان برنامه به دلیل انتقال وظیفه تهیه و تدوین تمامی بودجه به آن «سازمان
برنامه و بودجه» نامیده شد.

- وظایف و اختیارات سازمان در زمینه برنامه‌ریزی، تنظیم بودجه و نظارت به قرار زیر بود:
- ۱- انجام مطالعات و بررسی‌های اقتصادی و اجتماعی به منظور برنامه‌ریزی و تنظیم بودجه و تهیه گزارش‌های اقتصادی
 - ۲- تهیه برنامه درازمدت با تبادله نظر با دستگاه‌های اجرایی و تسلیم آن به شورای اقتصاد.
 - ۳- تهیه برنامه عمرانی پنج‌ساله طبق فصل چهارم این قانون.
 - ۴- پیشنهاد خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به بودجه کل کشور به شورای اقتصاد.
 - ۵- تهیه و تنظیم بودجه کل کشور.
 - ۶- نظارت مستمر بر اجرای برنامه‌ها و پیشرفت سالانه آنها طبق مفاد فصل نهم این قانون.
 - ۷- هم‌آهنگ نمودن روش‌ها و برنامه‌های آماری کشور.
 - ۸- ارزشیابی کارایی و عملکرد در دستگاه‌های اجرایی کشوری و گزارش آن به نخست‌وزیر.
 - ۹- بررسی گزارش‌ها و مسائلی که باید در شورای اقتصاد مطرح شود.

منبع: سایت سازمان برنامه و بودجه
<https://www.mporg.ir/history>

^{۲۴} ارجاع پرورشی: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در سال ۱۳۶۱ هجری شمسی- (۱۹۸۳ میلادی و ۱۴۰۲ هجری قمری) در تهران
تاسیس شد. هدف اصلی این دانشگاه تلفیق بین علوم اسلامی و علوم انسانی متداول بوده است. مؤسسان این دانشگاه پیش از پیروزی
انقلاب اسلامی با درک شکاف موجود بین حوزه و دانشگاه در صدد تاسیس دانشگاهی برآمدند که تلفیقی از دروس حوزه و دانشگاه را
در خود داشته باشد. موضوع جدایی حوزه و دانشگاه از توجهات اصلی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (قدس
سره الشریف) بوده است و ایشان در مقاطع مختلف و در سخنرانی‌ها و وصیت‌نامه خود بارها بر وجود برنامه‌ای استعماری جهت ایجاد
گسست بین این دو نهاد تأکید کرده و لزوم پیوند آن دو را گوشزد نموده‌اند.
مؤسسان دانشگاه، ریاست آن را به آیت الله محمد رضا مهدوی کنی (رحمه الله علیه) از یاران نزدیک امام خمینی (قدس سره الشریف)
و از مبارزان انقلابی که مصائب زیادی را در دوران شاه تحمل کرده و بارها مورد شکنجه و تبعید قرار گرفته بود، سپردند و بدین ترتیب،
در گام نخست، نظام علمی دانشگاهی با تلفیقی از دروس معارف اسلامی و علوم متداول انسانی به همراه اجرای اصول تربیتی و اخلاقی
حوزه‌های علمیه اجرایی گردید. در این نظام دانشجویان همزمان با تحصیل علوم اسلامی، علوم متداول انسانی را نیز می‌آموزند. یکی از
شاخص‌های دانشگاه امام صادق علیه‌السلام عدم اختلاط جنسیتی است. بسیاری از خانواده‌های مذهبی در ایران آرزو دارند
فرزندشان در دانشگاهی تحصیل کند که محیط آن مذهبی باشد. تلاش مسؤولان دانشگاه نیز بر آن است که این دانشگاه صرفاً یک
محیط علمی نباشد بلکه جنبه‌های تربیتی نیز در آن لحاظ شود. بر این اساس، دانشگاه به دو بخش برادران و خواهران تفکیک شده
است.

منبع: سایت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
<https://b2n.ir/n95984>

تامین نیست، یعنی هیچ وقت آن مدیری که در دوره تحصیلش یک کتاب در مورد نقش مسجد و اداره جامعه نخوانده باشد، به محوریت مسجد برای اصلاح امور مردم برنامه ریزی نمی کند. پس سوال ما یک سوال انتزاعی هم نیست بلکه یک چالش عینی است. می دانید چرا ما ۴۴ سال **اختیارات اجتماعی** داریم ولی هنوز دولت اسلامی^{۲۵} نداریم؟ هنوز نیروهای انقلابی ما با فراغ بال، با اشتیهای بالا از الگوهای غربی استفاده می کنند. یکی از دلایلیش آن است که نیروهای انقلابی به جایگاه مسجد معرفت ندارند و حتی وقتی که بعضی از دولت های انقلابی سر کار می آیند می بینید که می روند موسسه ثبت می کنند، می روند یک ساختمانی کرایه می کنند و آنجا را تبدیل به یک **مرکز فرهنگی** می کنند و خودشان نهاد موازی برای مسجد می سازند. می دانید چرا؟ چون مسجد در ذهنشان صرفاً مکانی برای به جا آوردن نماز است و درکشان هم از نماز حداقلی است. بنابراین ما نیاز داریم به این نوع مباحثات تا ارتقا درک ایجاد کنیم.

۱/۴. لزوم احصای اصطلاحات شارع برای مسجد، به عنوان یک ضرورت برای ارتقای درک از مسجد

حالا برویم سراغ اصل بحث. برای تثبیت سوال نقش و جایگاه مسجد در اداره جامعه، اجازه بدهید به همه دوستان که در جلسه حضور دارند پیشنهاد یک مشق شب کنم: به **کتاب روایی رجوع و فهرستی** از اصطلاحات مرتبط با مسجد را جمع آوری و یادداشت کنید. ببینید که امام علیه السلام و آیات خداوند متعال حول مسئله مسجد چه اصطلاحاتی را بحث کرده اند. مثلاً فرض بفرمایید در کتاب خدا و در روایات، مسجد به کلمه **قبیله**^{۲۶} اضافه شده است. قبیله یعنی خانواده بزرگ یعنی **طایفه**، قبیله یعنی کسانی که خیلی همدیگر را قبول دارند که مصداقش می شود همین خانواده و نهاد طایفه^{۲۷}. همینطور مسجد به کلمه

^{۲۵} ارجاع پرورشی: معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظامهای بین المللی و نظام سلطه ای امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیکتر کنیم. این شعار، بسیار بارز است؛ ان شاء الله به این شعار پایبند بمانید و این تلاش را جدی تر، بی آسیب تر و واقعی تر کنید؛ چون گامی بلند خواهد بود در راه رسیدن به آن هدفها؛ و همان طور که عرض کردم، رسیدن به آن هدفها مردان خودش را می خواهد.

بیانات مقام رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت ۱۳۸۴/۶/۸

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3517>

برای مطالعه بیشتر در مورد مراحل پنج گانه انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب به پیوست شماره شش مراجعه فرمایید.

^{۲۶} ارجاع پژوهشی: **قرآن کریم سوره حجرات آیه ۱۳: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ.**

ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است. ترجمه فولادوند

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ أَلْفُ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَبِيلَةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَحَدَهُ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ.

از حضرت آقا امیرالمومنین علیه السلام: نماز در مسجد الاقصی برابر با هزار نماز است، نماز در مسجد اعظم برابر با صد نماز، نماز در مسجد قبیله معادل بیست و پنج نماز، در مسجد بازار برابر با دوازده نماز و اینکه فردی در خانه خودش به تنهایی نماز بخواند ثواب همان یک نماز را دارد.

مصدر: ثواب الاعمال ج ۱ ص ۳۰ / من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۳۳ / تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۳

دیگر منابع: فلاح السائل ج ۱ ص ۹۱ / الوافی ج ۷ ص ۵۱۳ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۸۹ / بحارالانوار ج ۸۱ ص ۱۵

^{۲۷} ارجاع پرورشی: قبیله: جمع قبیله، کفیل و روبرو و آشکار است. این هر سه معنی در کتب لغت و تفاسیر یافته شده است. راغب گوید: قبیله جمع قبیله است و آن جماعتی است که بعضی بر بعضی رو کنند. طبرسی فرموده: قبیله جماعتی است که از قبایل مختلف باشد و اگر به یک پدر و مادر منتهی شود قبیله گویند. کاربردهای این واژه در قرآن کریم شامل موارد زیر می شود:

خانواده اضافه شده است، اینها را جمع آوری کنید یا مسجد به کلمه سوق اضافه شده یا به کلمه اعظم یا مثلاً مسجد الحرام^{۲۸}. این یعنی چه؟ وقتی مسجد به الحرام اضافه می‌شود این یعنی چه^{۲۹}؟ این را ما باید

إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ. سوره اعراف آیه ۲۷). قبیل در آیه ظاهراً جمع قبیله است، یعنی: «واقع این است که شیطان و اتباعش شما را می‌بینند از جایی که شما نمی‌بینید.»
(أَوْ تَأْتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا، سوره اسراء آیه ۹۲). قبیل در آیه به معنی کفیل یا آشکار است، یعنی: «یا خدا و فرشتگان را روبرو آوری و ببینیم یا آنها را کفیل آوری که نبوت تو را ضمانت کنند.»

(وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا. سوره حجرات آیه ۱۳). «شما را ملت‌ها و طائفه قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید.»
منبع: قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۲۲۵ / راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ط دارالقلم، ص ۶۵۴ / طریحی، فخرالدین، مجمع علامه. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۳ / راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ط دارالقلم، ص ۶۵۴ / البحرین، ت الحسینی، ج ۵، ص ۴۴۶ / طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۸، ص ۷۱

^{۲۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اسراء آیه ۱: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.
منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. ترجمه فولادوند

قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۹۱: وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلَكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلَكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.
و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرك] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است. ترجمه فولادوند

^{۲۹}. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ وَأَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ لِأَيِّ شَيْءٍ سَمَّاهُ اللَّهُ الْعَتِيقَ قَالَ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ وَضَعَهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا لَهُ رَبٌّ وَ سَكَّانٌ يَسْكُنُونَهُ غَيْرَ هَذَا الْبَيْتِ فَإِنَّهُ لَا يَسْكُنُهُ أَحَدٌ وَلَا رَبٌّ لَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ هُوَ الْحَرَامُ وَ قَالَ إِنَّ اللَّهَ خَلَقَهُ قَبْلَ الْخَلْقِ ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِ فَدَخَاهَا مِنْ تَحْتِهِ .

محمد بن الحسن بن احمد بن ولید رحمة الله عليه، از محمد بن يحيى عطار و احمد بن ادریس جمیعا از محمد بن احمد، از يحيى بن عمران اشعری، از حسن بن علی مروان بن مسلم، از ابی حمزه ثمالی، وی گفت: محضر- مبارک حضرت ابی جعفر علیه السلام در مسجد الحرام بودم، به ایشان عرض کردم: برای چه حق تعالی کعبه را بیت العتیق نامیده است؟ حضرت فرمودند: هیچ خانه‌ای را خداوند متعال روی زمین بنا نکرده مگر آنکه برایش صاحب و ساکنی قرار داده مگر این بیت زیرا احدی در آن ساکن نیست و صاحبی ندارد مگر حق تبارک و تعالی و نیز فرمود: خداوند عز و جل این بیت را پیش از خلقت مخلوقات آفرید، پس از آن زمین را ایجاد کرد و از زیر آن کشید و پهن نمود.

مصدر: الکافی ج ۴ ص ۱۸۹ / علل الشرایع ج ۲ ص ۳۹۹
دیگر منابع: الوافی ج ۱۲ ص ۲۸ / وسائل الشیعه ج ۱۳ ص ۲۴۰ / بحارالانوار ج ۹۶ ص ۵۸

أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ حَنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَ سَمَّيْتَ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامَ قَالَ لِأَنَّهُ حُرِّمَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ أَنْ يَدْخُلُوهُ.
علی بن حاتم از قاسم بن محمد، از حمدان بن حسین بن ولید، از حنان، وی می‌گوید: محضر- ابی عبد الله علیه السلام عرضه داشت: چرا بیت الله الحرام به این نام موسوم گردیده؟ حضرت فرمودند: زیرا بر مشرکین حرام است در آن داخل شوند.

مصدر: علل الشرایع ج ۲ ص ۳۹۸
دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۱۳ ص ۲۳۶ / بحارالانوار ج ۹۶ ص ۵۹ / تفسیر نورالثقلین ج ۱ ص ۳۸۰

قرآن کریم سوره توبه آیه ۲۸: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ نُغْنِيكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ.

به آن فکر کنیم. یا مسجد النبی یا بیت المقدس هم همینطور. درباره بیت المقدس قرآن می‌فرماید: و بارکنا حوله^{۳۰}. مبارک بودن اطراف مسجد بیت المقدس یعنی چه؟ یکی از دلایل مبارک بودن وجود طور سینا^{۳۱} - محل نزول وحی بر حضرت موسی علیه السلام - در اطراف بیت المقدس است. مصداق و دلیل دیگر برای مبارک بودن مسجد الاقصی - وجود بیت اللحم، محل تولد حضرت عیسی علیه السلام است. اینها

ای کسانی که ایمان آورده اید حقیقت این است که مشرکان ناپاکند پس نباید از سال آینده به مسجد الحرام نزدیک شوند و اگر [در این قطع رابطه] از فقر بیمناکید پس به زودی خدا اگر بخواهد شما را به فضل خویش بی نیاز می گرداند که خدا دانای حکیم است. ترجمه فولادوند

^{۳۰} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اسراء آیه ۱: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. ترجمه فولادوند

^{۳۱} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره مومنون آیه ۲۰ و ۲۱: فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ وَشَجَرَةً تُخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبْغٍ لِلآكِلِينَ.

پس برای شما به وسیله آن آب باغهایی از درختان خرما و انگور پدیدار کردیم که در آنها برای شما میوه های فراوان است و از آنها می خورید و از طور سینا درختی برمی آید که روغن و نان خورشی برای خوردگان است. ترجمه فولادوند

قرآن کریم آیات ۴ تا ۱: وَالزَّيْتُونَ وَالزَّبْطُونَ وَطُورِ سَيْنَاءَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ. سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و سوگند به این شهر امن و امان که ما انسان را در بهترین حالت آفریدیم. ترجمه فولادوند

قرآن کریم سوره قصص آیه ۲۹ و ۳۰: فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ فَلَمَّا تَأْتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

و چون موسی آن مدت را به پایان رسانید و همسرش را [همراه] برد آتشی - را از دور در کنار طور مشاهده کرد به خانواده خود گفت [اینجا] بمانید که من آتشی - از دور دیدم شاید خبری از آن یا شعله ای آتش برایتان بیاورم باشد که خود را گرم کنید. پس چون به آن [آتش] رسید از جانب راست وادی در آن جایگاه مبارک از آن درخت ندا آمد که ای موسی منم من خداوند پروردگار جهانیان. ترجمه فولادوند

طور سینا در جنوب صحرای سینا قرار گرفته و صحرای سینا نیز در شمال شرقی کشور مصر - و هم مرز با فلسطین، اردن و عربستان است. در آن ناحیه، کوه های متعددی وجود دارد که کوه سینا در میان آنها است. ابن منظور، طور سیناء را نام کوهی در شام دانسته است. برخی احتمال داده اند که منظور از طور سیناء، مجموعه ای از کوه ها بوده و وقایع مختلف طور سیناء، در مجموعه این کوه ها رخ داده است نه یک کوه خاص. همچنین گفته اند استفاده قرآن از دو تعبیر «سیناء» و «سینین» اشاره به همین نکته دارد و طور سینین بخشی - از طور سیناء است. در جنوب صحرای سینا، کوهی به نام کوه سیناء وجود دارد که در نزدیکی دیر کاترین مقدس قرار گرفته است. قرآن یک بار از تعبیر «طور سیناء» استفاده کرده و به درختی که در آنجا رشد می کند و روغن می دهد، اشاره کرده است. همچنین به طور سینین قسم خورده که برخی مفسران منظور از آن را همان طور سیناء دانسته اند. در آیات دیگر نیز تعبیر به «الطور» وجود دارد مفسران منظور از آن را همان، طور سیناء دانسته اند. شیخ صدوق حدیثی را از ابن عباس نقل می کند، بر اساس آن، نامیدن شدن طور به سیناء به خاطر وجود درختی در آن است.

مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ۱۳۶۰ ش، ج ۵، ص ۲۹۳. ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴ ق، ج ۴، ص ۵۰۸. مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ۱۳۶۰ ش، ج ۵، ص ۲۹۳. مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ۱۳۶۰ ش، ج ۵، ص ۲۹۵. مجموعه نویسندگان، موجز دائرة المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۸ ق، ج ۲۲، ص ۶۹۹. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷، ص ۱۴۰. طیب، أطيّب البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۲، ص ۲۹۲. شیخ صدوق، علل الشرائع، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۶۸.

^{۳۲} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره مریم آیات ۱۶ تا ۲۶: وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَّتْ مِنْ أهلكها مكاناً شرفياً فانتخدت من دونهم حجاباً فأرسلنا إليها روحنا فتمثل لها بشرًا سوانًا قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً قال إنما أنا رسول ربك لأهب لك غلاماً زكياً قالت أئی يكون لي غلام ولم يمسسني بشر. ولم أك بغياً قال كذلك قال ربك هو علي هين ولنجعله آية للناس ورحمة منا وكان أمراً مقضياً

اصطلاحات مرتبط با مسجد است. فهرستی از این اصطلاحات را احصاء کنید. ما قرار است در جلسه همین ها را شرح دهیم. وقتی اینها را شرح دهیم آن ارتقای درک ایجاد می‌شود. یعنی ماده بحث ما در این دوره مباحثاتی، اصطلاحات معیوب جامعه شناسی نیست، اصطلاحات معیوب روانشناسی نیست، اصطلاحات معیوب علم اقتصاد کلان نیست بلکه از همین اصطلاحات وحی استفاده می‌کنیم و ارتقای درک ایجاد می‌کنیم. بنابراین از شما مجدداً خواهش می‌کنم، چرا که اگر این کار را انجام ندهیم در ذهنمان ارتقای درک اتفاق نمی‌افتد. فهرستی از اصطلاحات مرتبط با مسجد را احصاء کنید چرا که می‌خواهیم همان ها را شرح دهیم، بین همان ها جمع دلالی^{۳۳} و ارتباط برقرار می‌کنیم تا ارتقای درک حاصل شود. پس

فَحَمَلْتُهُ فَأَنْتَبَدْتُ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جَذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مُنْسِيًّا فَتَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزِنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكَ تَحْتِكَ سَرِيًّا وَهَرَبِي إِلَيْكَ بِجَذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا.

و در این کتاب از مریم یاد کن آنگاه که از کسان خود در مکانی شرقی به کناری شتافت و در برابر آنان برده ای بر خود گرفت پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد [مریم] گفت اگر پرهیزگاری من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم گفت من فقط فرستاده پروردگار توام برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم گفت چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده ام گفت [فرمان] چنین است پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است و تا او را نشانه ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم و [این] دستوری قطعی بود پس [مریم] به او [=عیسی] آباستن شد و با او به مکان دورافتاده ای پناه جست تا درد زایمان او را به سوی تنه درخت خرما پی کشانید گفت ای کاش پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم پس از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که غم مدار پروردگارت زیر [پای] تو چشمه آبی پدید آورده است و تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بتکان بر تو خرما تاز می‌ریزد. ترجمه فولادوند

عن الصادق عليه السلام قال: «جاء جبرئيل و ميكائيل و اسرافيل بالبراق الى رسول الله صلى الله عليه و آله ، فأخذ واحد بالرجل و واحد بالركب و سوى الآخر عليه ثيابه، فتضعضت البراق ، فلطمها جبرئيل ، ثم قال لها: اسكني يا براق ، فما ركبت نبي قبله و لا يركبك بعده مثله قال: فرقت به و رفعت ارتفاعا ليس بالكثير و معه جبرئيل يريه الآيات من السماء و الأرض قال: فبينما أنا في مسيري إذ نادى مناد عن يساري يا محمد فلم أجبه و لم التفت إليه. ثم استقبلتني امرأة كاشفة عن ذراعها و عليها من كل زينة الدنيا قالت: يا محمد انظرنني حتى أكلمك، فلم ألتفت إليها، ثم سرت فسمعت صوتا أزعجني، فجاوزت به، فنزل جبرئيل عليه السلام فقال: صلّ فصليت فقال: تدري أين صلّيت؟ فقلت: لا، فقال: صلّيت بطيبة و إليها مهاجرتك، ثم ركبت فمضينا ما شاء الله. ثم قال لي: انزل فصلّ فنزلت و صلّيت، فقال لي: تدري أين صلّيت؟ فقلت: لا، فقال: صلّيت بطور سيناء حيث كلم الله موسى تكليما، ثم ركبت فمضينا ما شاء الله، ثم قال لي: انزل فصلّ فنزلت فصلّيت فقال لي: تدري أين صلّيت؟ فقلت: لا، فقال: صلّيت ببیت لحم ، و بيت لحم بناحية بيت المقدس حيث ولد عيسى بن مریم عليه السلام.

از امام صادق^ع در توصیف شب معراج پیامبر^ص: ... جبرئیل گفت نماز بخوان و نماز خواندام. پرسید میدانی در کجا نماز خواندی؟ گفتم نه. گفت در طور سینا نماز خواندی، جایی که خداوند با حضرت موسی علیه السلام سخن گفت... دوباره بر براق سوار شدیم... جبروئیل گفت پیاده شو نماز بخوان و خواندم. آنگاه گفت میدانی در کجا نماز خواندی؟ گفتم خیر، گفت در بیت اللحم که بخشی از مسجد بیت المقدس است که عیسی علیه السلام در آنجا به دنیا آمد.

مصدر: تفسیر قمی ج ۲ ص ۳

دیگر منابع: نوادر الاخبار ج ۱ ص ۱۴۲ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۴۷۳ / بحارالانوار ج ۱۸ ص ۳۱۹ / تفسیر کنز الدقائق ج ۷ ص ۳۰۷

^{۳۳} ارجاع پرورشی: جمع بین دو دلیل به ظاهر متعارض بر اساس قواعد عرفی را جمع عرفی می‌گویند. به جمع عرفی، توفیق دلالی، توفیق عرفی، توفیق عرفی مقبول، جمع دلالتی، جمع دلالی، جمع عرفی عقلایی، جمع عرفی مقبول، جمع عقلایی و جمع مقبول نیز گفته می‌شود. موارد ذیل از مصادیق جمع عرفی محسوب می‌شود:

۱. در جایی که یکی از دو دلیل، قرینه عرفی برای دلیل دیگر باشد، مانند: عام و خاص، که نزد عرف، دلیل خاص، بر دلیل عام قرینه است و نیز مانند: مطلق و مقید، نص و ظاهر، اظهر و ظاهر.

۲. در جایی که یکی از دو دلیل و یا هر دو دارای قدر متیقن باشد، که در این صورت، هر کدام بر قدر متیقن آن حمل گردیده و از این طریق، تعارض رفع می‌شود.

منظور از قدر متیقن، قدر متیقن خارجی است، نه قدر متیقن در مقام مخاطب، مانند آن که دلیلی می‌گوید: «ثمن العذرة سحت» و دلیل دیگر می‌گوید: «لا باس ببیع العذرة». دلیل اول که بر حرمت بیع عذره (کود حیوانی) دلالت دارد، اطلاق داشته و عذره انسانی و غیر انسانی از حیوان حلال گوشت و غیر آن را شامل می‌شود، و دلیل دوم که بر جواز بیع عذره دلالت می‌کند نیز اطلاق دارد. قدر

این توضیحات بنده درباره اینکه ما در این دوره مباحثاتی می‌خواهیم چه کنیم. البته که کمک شما را می‌طلبید چون اگر شب‌ها حدیث نخوانید آیه نخوانید، مدیریت کار در این زمان کوتاه سخت می‌شود و اصل بحث هم همین است.

۱/۴/۱. امکان بازنویسی قانون اساسی و بازتعریف نقش جمهوری اسلامی به محوریت مسجد در آینده
حالا که پرسش مادر واضح شد من عرایضم را جمع کنم.^{۳۴} برای دستیابی به این هدف مادر یعنی ارتقای درک از مسجد، تا حدی که ما در آینده مسجد را به عنوان یک ساختار اصلی برای اداره جامعه ببینیم (باید فکر کنیم). حتی من بعداً می‌گویم **قانون اساسی**^{۳۵} ما باید بر این محور تغییر پیدا کند. ببینید اینگونه بحث می‌کنیم. حتی بر این محور می‌خواهیم پرسش خوب **آیت الله خامنه‌ای** را پاسخ دهیم که ایشان از نخبگانی مثل شما تقاضا کردند که فکر کنید **نظم آینده جهان چگونه باشد؟**^{۳۶} ما (می‌دانیم) در نظم آینده

متیقن از دلیل اول، عذره انسان و قدر متیقن از دلیل دوم، عذره حیوانات حلال گوشت است و با حمل هر کدام از آنها بر قدر متیقن، تنافی مدلولی آن دو مرتفع می‌گردد؛

۳. در جایی که یکی از دو دلیل «حاکم» و دیگری «محکوم» و یا یکی از دو دلیل «وارد» و دیگری «مورود» باشد، که در این صورت، دلیل حاکم و دلیل وارد بر دیگری مقدم می‌شو.

۴. در جایی که میان دو دلیل، نسبت عموم و خصوص من وجه باشد، ولی یکی از آن دو برای تحدید و بیان ضابطه و تعیین حد و مرز وارد شده باشد و دلیل دیگر در مقام تحدید نباشد، که در این صورت، ظهور عامی که در مقام تحدید وارد شده قوی تر است، مانند عموماتی که در باب اوزان و مقادیر وارد شده است.

جمع عرفی را «جمع مقبول» نیز می‌گویند، چون این جمع نزد عرف پذیرفته شده است هم چنین به آن «جمع دلالتی» نیز گفته می‌شود، چون این جمع مربوط به دلالت دو دلیل است و ربطی به سند ندارد.

المحکم فی اصول الفقه، حکیم، محمد سعید، ج ۶، ص ۷۳/ اصول الفقه، مظفر، محمد رضا، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۷/ فوائد الاصول، نائینی، محمد حسین، ج ۴، ص ۷۲۶-۷۲۸/ خوئی، اجود التقریرات، سید ابوالقاسم، ج ۲، ص ۵۱۲/ مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، محمدی، ابوالحسن، ص ۳۳۵/ بحوث فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۲، ص ۲۴/ دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۲، ص ۵۴۶/ اصول الفقه، مظفر، محمد رضا، ج ۲، ص ۲۰۷/ انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۳، ص ۵۰۵-۵۰۲/ کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۴۴۹/ درالفوائد، حابری، عبدالکریم، ج ۲، ص ۲۶۷

^{۳۴}. **انتقال از متن:** این روالمان را بگذارید اینطور باشد که بحث واقعا منفتح شود بعد از پرسش‌های آقایان استفاده می‌کنیم.

^{۳۵}. **ارجاع پرورشی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران** میان نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت این خواست اساسی را مشخص کرده و اکنون در طلیعه این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نبل به آن را می‌طلبید. ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر، مکتبی و اسلامی بودن آن است. ملت مسلمان ایران پس از گذر از نهضت ضد استبدادی مشروطه و نهضت ضد استعماری ملی شدن نفت به این تجربه گرانبار دست یافت که علت اساسی و مشخص عدم موفقیت این نهضت‌ها مکتبی نبودن مبارزات بوده است. گرچه در نهضت‌های اخیر خط فکری اسلامی و رهبری روحانیت مبارز سهم اصلی و اساسی را بر عهده داشت، ولی به دلیل دور شدن این مبارزات از مواضع اصیل اسلامی، جنبش‌ها به سرعت به رکود کشانده شد. از اینجا وجدان بیدار ملت به رهبری مرجع عالی قدر تقلید حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی ضرورت پیگیری خط نهضت اصیل مکتبی و اسلامی را دریافت و این بار روحانیت مبارز کشور که همواره در صف مقدم نهضت‌های مردمی بوده و نویسندگان و روشنفکران متعهد با رهبری ایشان تحرک نوینی یافت. (آغاز نهضت اخیر ملت ایران در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو هجری قمری برابر با هزار و سیصد و چهل و یک هجری شمسی می‌باشد).

منبع: مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^{۳۶}. **ارجاع پرورشی: علائم زیادی وجود دارد که نظم کنونی جهان دارد تغییر پیدا میکند و نظم جدیدی بر جهان حاکم خواهد شد. نقش ما ایرانی‌ها، جایگاه ما ایرانی‌ها در این نظم جدید چیست؟ این یک سؤال مهم است.** حالا این نظم جدیدی که بنده عرض میکنم که نظم کنونی به نظم جدید تغییر پیدا خواهد [کرد]، چیست؟ نمیشود دقیق گفت، نمیشود بدقت گفت که نظم این چنینی

جهان، مسجد جایگاه برجسته ای دارد. پس ببینید اگر این درک را ایجاد کردیم می توانیم به ده ها سوال دیگر پاسخ دهیم. مثلاً پیش نویس آینده قانون اساسی جمهوری اسلامی را بنیاد هدایت می نویسد و در آن پیش نویس پیشنهادی به خبرگان مردم، جایگاه مسجد ارتقا پیدا می کند. وقتی داریم این دوره مباحثاتی را مرور می کنیم، اگر بتوانیم به اصطلاحات وحی مسلط شویم، می توانیم نظم جدید آینده دنیا را هم به محوریت مسجد پیشنهاد کنیم.

۱/۴/۱/۱. نحوه مدیریت مسجدالاقصی، یکی از مهم ترین درگیری های کنونی میان تشیع و یهود

البته به برکت مدیریت امام خمینی عظیم الشان و جانشین ایشان، در حال حاضر یکی از دعاوی های مهم دنیا سر مسئله اداره مسجد بیت المقدس است^{۳۷}. در همین زمان هم رشحاتی از این بحث در دنیا طرح و

است اما میشود یک خطوطی را ترسیم کرد. یک خطوط اساسی ای هست که مطمئناً این خطوط اساسی در این نظم جدید هست. **خط اساسی اول عبارت است از انزوای آمریکا؛ آمریکا در نظم جدید جهانی منزوی خواهد بود.** برخلاف آنچه ده بیست سال پیش بوش پدر گفت که امروز تنها قدرت مسلط دنیا آمریکا است؛ بعد از قضیه ی حمله ی عراق به کویت و ورود آمریکایی ها و متلاشی کردن حمله ی عراقی ها، [بوش پدر] با غرور تمام – به این مضمون – گفت که امروز همه کاره ی دنیا آمریکا است؛ در این نظم جدیدی که من میگویم نه، آمریکا دیگر جایگاه مهمی ندارد و منزوی است. **خط اساسی دوم؛ انتقال قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و حتی علمی، از غرب به آسیا.** امروز قدرتهای غربی هم اقتدار سیاسی دارند، هم اقتدار علمی دارند، هم اقتدار فرهنگی دارند، هم اقتدار اقتصادی دارند؛ یعنی خیلی چیزها دارند، البته تعبیر درست ترش این است که بگوییم داشتند، و دارند آرام آرام از دست میدهند؛ ولی خب [اینها را] سالها داشتند دیگر؛ دو سه قرن غربی ها این جوری عمل کردند. در این نظم جدید، این حالت از غرب به آسیا منتقل خواهد شد. آسیا خواهد شد مرکز دانش، مرکز اقتصاد، مرکز قدرت سیاسی، مرکز قدرت نظامی؛ ما در آسیاییم. خب این هم نقطه ی بعدی. نقطه ی سوم، [یعنی] آن **خط اساسی سوم:** فکر مقاومت و جبهه ی مقاومت در مقابل زورگویی گسترش خواهد یافت، که مبتکرش جمهوری اسلامی است.

بیانات مقام معظم رهبری در مراسم ۱۳ آبان ۱۴۰۱

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51259>

سوال خبرنگار : شما زندگی خیلی منزوی داشتید، شما اقتصاد جدید و حقوق روابط بین المللی را مطالعه نکرده اید. تحصیل شما مربوط به علوم الهی است، شما در سیاست و گیر و دار یک زندگی اجتماعی درگیر نبوده اید. آیا این در ذهن شما این شک را به وجود نمی آورد که ممکن است عواملی در این معادله باشد که شما نمی توانید درک کنید؟

پاسخ حضرت امام خمینی قدس سره :

ما معادله جهانی و معیارهای اجتماعی و سیاسی ای که تا به حال به واسطه آن تمام مسائل جهان سنجیده می شده است را شکسته ایم . ما خود چارچوب جدیدی ساخته ایم که در آن عدل را ملاک دفاع و ظلم را ملاک حمله گرفته ایم . از هر عادل دفاعی می کنیم و بر هر ظالمی می تازیم ، حال شما اسمش را هرچه می خواهید بگذارید . ما این سنگ را بنا خواهیم گذاشت . امید است کسانی پیدا شوند که ساختمان بزرگ سازمان ملل و شورای امنیت و سایر سازمانها و شوراهای بر این پایه بنا کنند، نه بر پایه نفوذ سرمایه داران و قدرتمندان که هر موقعی که خواستند هرکسی را محکوم کنند، بلافاصله محکوم نمایند .

آری با ضوابط شما من هیچ نمی دانم و بهتر است که ندانم .

منبع: صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۶۰

^{۳۷} . ارجاع پرورشی: امام خمینی در ۱۶ مرداد ۱۳۵۸، مطابق با ۱۳ رمضان ۱۳۹۹ پس از بمباران جنوب لبنان توسط نیروهای دفاعی اسرائیل، طی پیامی که خطاب به مسلمین ایران و جهان صادر کردند از مسلمانان جهان خواستند تا آخرین جمعه ماه رمضان را به عنوان «روز قدس» انتخاب کنند و در این روز همبستگی خود را در حمایت از «حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین» به نمایش بگذارند. متن پیام بینانگذار جمهوری اسلامی به شرح ذیل است:

بسم الله الرحمن الرحيم

من در طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشرد مسلمین نمودم، که اکنون این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است، و بویژه در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی، پیاپی خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کند. من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن به هم بپیوندند. و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است، و می تواند تعیین کننده

بحث می شود، ولی باید این گفتگوها توسعه و رشد پیدا کند. وقتی ما می گوئیم سر قضیه ی فلسطین با یهود مشکل داریم، مغز این بحث این است که ما سر اختیارات بیت المقدس مشکل داریم^{۳۸}. حالا وقتی جایگاه مسجد بیت المقدس را شرح دهم این بحث هم واضح تر می شود. بنابراین به نظر من خیلی مهم است که درکمان از مسجد ارتقا پیدا کند. من همین جا می خواهم آرزو کنم خداوند ما را از شر نفسمان نجات دهد که وقتی اختیارات اجتماعی پیدا می کنیم (به سمت احیای جایگاه مسجد برویم نه چیز دیگر). مرادم همین دوستان انقلابی خودمان است که می بینیم آن ها هم سند ۲۰۳۰ را می خوانند و مصیبت واقعی همین است. وقتی این بحث ها خوانده نمی شود، اختیار اجتماعی هم در اختیار مؤمنین قرار می گیرد

سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان «روز قدس» انتخاب، و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم. و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

منبع: صحیفه امام، ج ۹، ص: ۲۶۷

^{۳۸} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اسراء آیات ۷۱ تا ۷۴: وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أُولَٰئِكَ مَرَّةً وَالْآخِرَةَ وَلِيُبْتَلُوا مَا وَعَدْنَا لِتَثْبِيرًا.

و در کتاب آسمانی [شان] به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که قطعا دو بار در زمین فساد خواهید کرد و قطعا به سرکشی- بسیار بزرگی برخواید خاست. پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرارسد بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم تا میان خانه ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو درآیند و این تهدید تحقق یافتنی است. پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می گردانیم. اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود [بد نموده اید] و چون تهدید آخر فرارسد [بیایند] تا شما را اندوهگین کنند و در مسجد [تان] چنانکه بار اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر چه دست یافتند یکسره [آن را] نابود کنند. ترجمه انصاریان

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْبَظَلِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ» قَالَ قَتْلُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَطَعْنُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا» قَالَ قَتْلُ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا» فَإِذَا جَاءَ نَصْرُ دَمِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ» قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَا يَدْعُونَ وَثَرًا لِأَلِّ مَحْمَدٍ إِلَّا قَتَلُوهُ «وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا».

امام صادق (علیه السلام) - صالح بن سهل گوید: از امام صادق (علیه السلام) درباره این قول خداوند: وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ پرسیدم. فرمود: «منظور کشته شدن علی (علیه السلام) و نیزه خوردن امام حسن (علیه السلام) است. در مورد وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا فرمود: «منظور کشته شدن امام حسین (علیه السلام) است». و در مورد: فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا فرمود: وقتی یاری خون حسین (علیه السلام) فرارسد». و در مورد: بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ؛ فرمود: «منظور گروهی هستند که خدا قبل از قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آنان را برمی انگیزد و هیچ ظالم و جنایتکاری نسبت به آل محمد (دعوت نمی کنند مگر اینکه او را می کشند؛ و این وعده ایست قطعی.

مصدر: الکافی ج ۸ ص ۲۰۶ / مختصر البصائر ج ۱ ص ۱۶۴

دیگر منابع: الوافی ج ۲ ص ۴۵۹ / تفسیر البرهان ج ۳ ص ۵۰۲ / بحار الأنوار ج ۵۳ ص ۹۳ / تفسیر نور الثقلین ج ۳ ص ۱۳۸

وَرَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَالِسًا إِذْ قَرَأَ هَذِهِ آيَةَ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا فَقُلْنَا جُعِلْنَا فِدَاكَ مَنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ ثَلَاثُ مَرَّاتٍ هُمْ وَاللَّهُ أَهْلُ قَوْمٍ. امام صادق (علیه السلام) - یکی از شیعیان نقل می کند: نزد امام صادق (علیه السلام) نشسته بودم که این آیه را خواند: فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا. گفتم: «فدایت شو! آن ها چه کسانی هستند؟» سه بار فرمود: «به خدا آن ها مردم قم باشند.

منبع: بحار الأنوار ج ۵۷ ص ۲۱۶ / عوالم العلوم ج ۲۱ ص ۳۴۲

ولی همان مؤمن ایده های سازمان ملل را، ایده های سند معیوب و ضاله ۲۰۳۰ را امضا می کند. بنابراین این مسئله خیلی بحث مهمی می شود. بیش از این ضرورت بحث را توضیح نمی دهم.

بنده هفت پرسش را تحت عنوان پرسش های سازنده بحث مطرح می کنم و ان شاء الله بعد از برپایی **نمایشگاه مسجد و اداره جامعه**^{۳۹} هم همین پرسش ها را پاسخ می دهیم. اگر خداوند متعال توفیق داد و وارد نمونه سازی شدیم و خواستیم مساجدی را مبتنی بر این تفکر در جامعه احیا کنیم، باز آن مساجد به همین هفت پرسش می پردازند. به عبارت دیگر پاسخ این هفت پرسش در ذهن مدیران آن مساجد وجود دارد و بر اساس همین هفت پرسش کار را پیش می برند. بنابراین می توانم از این دوره به یک دوره مباحثاتی تعبیر کنم که برای پاسخ دادن به هفت پرسش مرتبط با مسجد برگزار شده است. البته مسجیدی که ساختار اداره کننده جامعه است. به نظر ما این هفت پرسش کمک می کند تا ارتقای درک مطلوب حاصل شود.

۳۹. ارجاع پرورشی: نمایشگاه تمدنی مسجد و اداره جامعه چه می گوید؟

نمایشگاه تمدنی مسجد و اداره جامعه، دارای ۷ بخش است. در بخش چهارم این برنامه فقهی، راه حل مواجهه با ۴۰ مسئله و پرسش مطرح در محله ها - بر اساس روش تحقیق فقهی- تبیین شده است. برخی از این پرسش ها به شرح زیر است:

پرسش اول: چگونه اختلاف های یک محله را مدیریت کنیم؟ (معرفی راه حل های اورژانسی- و سریع الاثر برای حل اختلاف های نمازگزاران مسجد و همسایگان یک محله)

پرسش دوم: چگونه سطح عقل در یک محله را ارتقاء دهیم؟ (معرفی عوامل موثر بر افزایش عقل به نمازگزاران و همسایگان یک مسجد)

پرسش سوم: چگونه قیمت کالا های اساسی را در یک محله و شهر کاهش دهیم؟ (تبیین فواید بی بدیل بازارهای موقت)

پرسش چهارم (ویژه بانوان): چگونه پوست خود را شفاف و مو و ناخن خود را تقویت کنیم؟ (معرفی توصیه های اهل بیت علیهم السلام برای زیبایی پوست، مو و ناخن)

پرسش پنجم: چگونه بازی کودکان خود را مدیریت کنیم! (تبیین مسئله بازی و اسباب بازی از منظر آیات و روایات)

پرسش ششم: چگونه انسان های غمگین را شاد کنیم؟ (معرفی بسته فقهی تفریح و لذت های حلال به نمازگزاران و خانواده های محله)

پرسش هفتم: چگونه کودکان خود را با تفکرات انبیاء آشنا کنیم؟ (معرفی بسته فقهی اجتهاد برای کودکان)

پرسش هشتم: چگونه از پدیده شوم مس جن در خانواده ها جلوگیری کنیم؟ (معرفی ده تدبیر مجرب مواجهه با مس جن از منظر آیات و روایات)

در بخش چهارم از "نمایشگاه مسجد و اداره جامعه" به ۴۰ پرسش و مسئله مطرح در محله ها پاسخ داده می شود. این برنامه فقهی نسبتاً جامع برای پشتیبانی از امام محله استنباط و تدوین شده است. شایان ذکر است که نمایشگاه تمدنی مسجد و اداره جامعه ۷ بخش دارد و به هفت پرسش درباره مسجد پاسخ داده است!

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - معرفی نمایشگاه تمدنی مسجد و اداره جامعه - پنجشنبه ۲۵ خرداد ۱۴۰۲ - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامبران ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

۲. پرسش اول دوره: روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟

خب این پرسش‌ها را محضرتان توضیح می‌دهم:

پرسش اول: روش استنباط در مسئله مسجد چیست؟ اندکی من این را توضیح می‌دهم و ان شاء الله در جلسه فردا محور بحث همین پرسش خواهد بود.

۲/۱. ناتوانی فقه کاشف معذر و منجز برای ارتقا دادن درک از مسجد

عرض ما این است که با استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد بر اساس قواعد فقه کاشف معذر و منجز^{۴۰} نمی‌توانیم این ارتقای درک را در ذهن مخاطب ایجاد کنیم. همان طوری که شما قبلاً در حوزه علمیه این درس‌ها را مرور کرده‌اید، فقیه کاشف معذر و منجز به دنبال مسئله تنجز تکلیف است، به دنبال معذرت و منجزیت است و اساساً قصدش از استنباط این است که اگر کاری را انجام داد و مورد مؤاخذه الهی قرار گرفت، آن کار را بر مبنای یک عذر شرعی انجام داده باشد یا ترک کرده باشد^{۴۱}. فقیه کاشف معذر و منجز، فقاهت را به کشف معذر و منجز تنزل می‌دهد و در همین حد بحث می‌کند.

^{۴۰} ارجاع پرورشی: معذرت قطع، مقابل منجزیت قطع، و به معنای عذر محسوب شدن قطع مکلف، برای ترک تکلیف واقعی است، و این در جایی است که قطع او مخالف با واقع در آید، مثل این که شخصی در روز جمعه قطع پیدا کند که نماز جمعه بر او واجب است نه نماز ظهر و سپس نماز جمعه را به جا آورد و نماز ظهر را ترک کند، سپس معلوم شود که در واقع، نماز ظهر واجب بوده است نه نماز جمعه؛ در این جا، اگر مولا از او بپرسد که چرا تکلیف واقعی را ترک نمودی، در پاسخ می‌تواند به قطع خود استناد کند و این استناد به قطع، برای او عذر محسوب شده و موجب رهایی او از عقوبت می‌گردد و این، همان معذرت قطع است.

به عبارت دیگر منجز آن چیزی است که موجب شود که تکلیف در حق مکلف مسلم شده باشد، و مکلف هیچ‌گونه عذری در ترک تکلیف و مخالفت نداشته باشد آنچنانکه اگر با آن مخالفت نماید، سزاوار عقوبت مولی باشد. معذر هم آن چیزی است که موجب شود که مکلف (در ترک فعل و یا انجام آن) عذری پذیرفته نزد مولی داشته باشد به گونه‌ای که موجب رهایی او از عقوبت مولی گردد

دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۱، ص ۱۷۶ / انوار الاصول، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۲، ص ۲۳۰ / تحریرات فی الاصول، خمینی، مصطفی، ج ۶، ص ۲۶

^{۴۱} ارجاع پرورشی: معذرت قطع به معنای آن است که اگر فردی قطع به عدم تکلیف پیدا کرد، مثلاً قطع پیدا کرد که فلان مایع، آب است و نوشیدن آن حرام نیست؛ پس آن را نوشید و بعد معلوم شد که آن مایع، خمر بوده است و قطع او مخالف با واقع بوده است،

در مقابل پروردگار معذور است. عذر او در پیشگاه خدا آن است که من واقع را این جور می‌دیدم و برطبق آنچه در واقع می‌دیدم، عمل کردم. همچنین اگر فردی قطع پیدا کرد که تکرار تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم نماز واجب نیست پس آن را ترک کرد و بعد معلوم شد که در واقع واجب بوده است، باز مکلف معذور است. معذور در ترک عملی که در واقع واجب بوده، لکن به اعتقاد او واجب نبوده است جانب دیگر قطع منجزیت است. به این معنا که اگر فردی قطع به تکلیف پیدا کرد، چه آنکه قطع به وجوب پیدا کند یا قطع به حرمت، ناچار باید به قطع خود عمل کند و اگر به مقتضای قطع خود عمل نکند و تکلیف در واقع ثابت باشد، مستحق عقاب است.

قواعد کلی استنباط (ترجمه و شرح دروس فی علم الاصول) ج ۱ ص ۱۵۴

۲/۱/۱. غفلت از بسیاری از آیات و روایات که ناظر به تنجز و تعذر نیستند، اشکال مهم روش استنباط کنونی بنابراین بسیاری از آیات و روایاتی که ناظر به **معذرت و منجزیت** نیستند اساساً به صورت خودکار از دایره استنباط او خارج می شوند. مثلاً آیات و روایات مرتبط با بیان فوائد مسجد^{۴۲} یا مثل آیات و روایات مرتبط با توصیف ماهیت مسجد^{۴۳} که اینها مورد تاکید قرار فقیه قرار نمی گیرد.

۴۲. **ارجاع پژوهشی:** أَخْبَرَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْرَةَ بْنِ عُمَارَةَ الْخَافِظِ فِيمَا كَتَبَ إِلَيَّ قَالَ حَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ مَرْوَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مَرْوَانَ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مَأْمُونٍ قَالَ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَنْ أَدْمَنَ الْإِخْتِلَافَ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ عِلْمًا مُسْتَظَرَفًا أَوْ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى أَوْ أُخْرَى تَصْرِفُهُ عَنِ الرَّذَى أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ تَرَكَ الذَّنْبَ حَيَاءً أَوْ خَشْيَةً .

امیر المؤمنین علیه السلام میفرمود: هر کس پیوسته یا در وقت هر نماز بطرف مساجد روان باشد یکی از این هشت چیز را بهره خواهد برد: برادری که در راه خدا مورد استفاده او باشد، یا طرفه دانشی که از زبده‌های علم باشد، یا نشانه محکمی که در راه حق او را استوار سازد، یا رحمتی از طرف حق که در انتظار او بوده، یا کلمه و سخنی که او را از بدی باز دارد، یا شنیدن جمله‌ای که او را به راه خیر و نجات راهنمایی کند، یا گناهی را از ترس خدا ترک نماید، و یا آنکه از سر شرم و حیا گناهی را ترک کند. این فوائد همه در رفتن به مسجد است.

مصدر: الخصال للصدوق ج ۲ ص ۴۱۰ / قرب الاسناد ج ۱ ص ۶۸ / تحف العقول ج ۱ ص ۲۳۵ / من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۳۷ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۷ / تهذيب الأحكام ج ۳ ص ۲۴۸ / دیگر منابع: عوالي اللئالي ج ۱ ص ۴۰۷ / الوافي ج ۷ ص ۵۱۱ / وسائل الشيعة ج ۵ ص ۱۹۷ / بحار الأنوار ج ۸ ص ۳۵۱

أبي رحمه الله قال حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلًا قَرِيَةً قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَ فِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلًا مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِضَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَ مَسَاجِدِي الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي.

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر، از هارون بن مسلم، از مسعدة بن صدقه، از حضرت جعفر بن محمد علیه السلام، حضرت فرمود: پدرم علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند جل جلاله هنگامی که ببیند اهل قریه‌ای در معاصی اسراف و زیاده روی می کنند و حال آنکه در بین ایشان سه نفر از اهل ایمان می باشند آنان را خوانده و می فرماید: ای اهل عصیان اگر میان شما مؤمنینی که مشتاق جلال من هستند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد نموده و در سحرها از خوف من استغفار و طلب آمرزش می کنند نبودند عذابم را بر شما فرو می فرستادم و باکی هم نداشتم.

مصدر: علل الشرایع ج ۲ ص ۵۲۲ / الأمالی (للصدوق) ج ۱ ص ۱۹۹ / دیگر منابع: مشکاة الأنوار ج ۱ ص ۱۲۴ / وسائل الشيعة ج ۱۶ ص ۹۲ / بحار الأنوار ج ۷ ص ۳۸۱

۴۳. **ارجاع پژوهشی:** أَبِي رَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ كَلْبِيبِ الصَّيْدَاوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَكْتُوبٌ فِي النَّوْزَةِ: أَنَّ بِيوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ فَطُوبَى لِمَنْ تَطَهَّرَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي وَ حَقَّ الْمَزُورُ أَنْ يَكْرِمَ الزَّائِرَ.

پدرم رحمة الله عليه از سعد بن عبد الله، از محمد بن الحسن، از صفوان بن يحيى، از كلبيب صيداوي، از حضرت ابی عبد الله علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمودند: در تورات نوشته: **خانه‌های من در زمین مساجد می باشند**، پس خوشا به حال کسی- که در خانه‌اش خود را مطهر و پاکیزه ساخته سپس من را در خانه‌ام زیارت کند و حق مزور آن است که زائر را اکرام نماید.

مصدر: علل الشرایع ج ۲ ص ۳۱۸ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۶ / من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۳۹ / دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۲۹۷ / وسائل الشيعة ج ۵ ص ۱۹۹ / عوالي اللئالي ج ۲ ص ۳۱ / بحار الأنوار ج ۸ ص ۶

برای مطالعه بیشتر در مورد فوائد و ماهیت مسجد به پیوست شماره یک مراجعه فرمایید.

۲/۱/۲. نادیده انگاشتن صدها آیه و روایت در مورد ویژگی‌های خانه سازی، نمونه‌ای دیگر از نقص روش استنباط کنونی بگذارید بنده یک مثال روشن برای شما بزنم ببینید: ما در مسئله ساختمان و دار و اسعه^{۴۴} وقتی به منابع رجوع کردیم، دیدیم بنده تاکید می‌کنم صدها آیه و روایت درباره ساختن در منابع ما وجود دارد در حالی که در این مورد بیش از چند مسئله مشخص در رساله‌های عملیه ما وارد نشده است: یکی **غصبی نبودن زمین**^{۴۵} و مصالح ساختمان که اینها را به مردم تذکر می‌دهیم، یکی جهت کاسه توالی^{۴۶} و چند مسئله دیگر آنهاهم از باب استحباب مانند **برگزاری مهمانی در خانه**^{۴۷} و امثالهم از این مسائل. خب چه

۴۴. ارجاع پژوهشی: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ لِلدَّارِ شَرْفًا وَ شَرَفُهَا أَلْسَاخَةُ أَلْوَا سِعَةُ وَ أَلْخُلَطَاءُ أَلْصَّالِحُونَ وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَةً وَ بَرَكَتُهَا جَوْدَةُ مَوْضِعِهَا وَ سَعَةُ سَاخَتِهَا وَ حُسْنُ جَوَارِ جِيرَانِهَا. علی علیه السلام: خانه شرفی دارد. شرف آن به صحن و حیاط بزرگ و همنشینان نیکوکار می‌باشد و برکتی دارد. برکت خانه به خوبی جا و محل آن و بزرگی حیاط آن و نیکویی همسایگان آن می‌باشد.

منبع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۲۵ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۲۵

عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الصَّلْتِ بْنِ أَبِي عَدِيٍّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ أَلْعَاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِنَّ رَاحَةٌ دَائِرٌ وَ أَسِعَةٌ نُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ سُوءٌ خَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ إِمْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ يُخْرِجُهَا مِنْ مَنَزِلِهِ بِمَوْتٍ أَوْ بِتَرْوِيجٍ .

امام ششم (علیه السلام) که فرمود: سه چیز برای مؤمن راحت دارند: خانه وسیعی که در آن عورت خود و بدی خود را از مردم بیوشاند، و همسری خوب که او را در امر دنیا و آخرتش کمک کند، و دختری یا خواهری که او را از خانه‌اش بمرگ یا ترویج بیرون کند.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۰ / الخصال ج ۱ ص ۱۵۹ / الکافی ج ۶ ص ۵۲۵
دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۸۹ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۲۹۹ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۴۸

برای مطالعه بیشتر در مورد جایگاه خانه و اهمیت آن در زندگی انسان به پیوست شماره هفت مراجعه فرمایید.

۴۵. ارجاع پرورشی: **غصب، استیلا، عدوانی بر چیزی است که مربوط به دیگری می‌باشد؛ چه (آن چیز) مال باشد یا حق. و تحقیقاً عقل و نقل. چه از جهت کتاب و چه سنت و چه اجماع. بر حرام بودن غصب، تطابق دارند. و غصب از فاحش‌ترین ظلم‌ها است که عقل مستقلاً آن را قبیح می‌داند. و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وسلم است: «کسی که یک وجب از زمین را غصب نماید خداوند در روز قیامت از هفت زمین، آن را طوق گردنش قرار می‌دهد». و در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله وسلم دیگر است: «کسی که در یک وجب زمین بر همسایه اش خیانت کند خداوند آن را از مرزهای زمین هفتم طوق گردنش قرار می‌دهد تا آن که روز قیامت با همان حالت خدا را ملاقات کند مگر آن که توبه کند و بازگردد». و در حدیث دیگر است: «کسی که زمینی را به ناحق بگیرد، مکلف می‌شود که خاک آن را به محشر حمل نماید». و از کلام امیر المؤمنین علیه السلام است: «سنگ غصبی در خانه، گرو خرابی آن می‌باشد.**

چیز غصب شده یا عینی است به همراه منفعت آن، از یک مالک یا چند مالک و یا عینی است بدون منفعت و یا تنها منفعت است و یا حتی مالی است که متعلق به عین است؛ پس اولی مانند غصب خانه از مالک آن و مانند غصب عین استیجاری از موجر و مستأجر آن. و دومی مانند عین استیجاری که مستأجر آن از مالک آن در مدت اجاره، غصب نماید. و سومی مانند عین استیجاری که موجر آن را بگیرد و از دست مستأجر در بیاورد و در مدت اجاره، بر منفعت آن مستولی شود. و چهارمی مانند استیلا یافتن بر زمین تحجیر شده یا عین مرهونه، نسبت به مرتهن که در آن دارای حق رهانت است.

ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی ره ج ۲ ص ۱۸۳

۴۶. ارجاع پرورشی: اگر متوجه شویم منزل اجاره‌ای مان دستشویی‌اش روبه‌قبله است چه وظیفه‌ای داریم؟ پاسخ: در منزل‌هایی که مستراح آن روبه‌قبله یا پشت به قبله ساخته شده (خواه از روی عمد باشد، یا اشتباه، یا ندانستن مسئله) باید طوری بنشینند که روبه‌قبله یا پشت به قبله نباشد و الا حرام است.

پایگاه اطلاع‌رسانی آیه الله مکارم شیرازی

<https://b2n.ir/m50855>

۴۷. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ أَخْبَرَنِي مَنْ سَمِعَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْخَيْرُ أَسْرَعُ إِلَى النَّبِيِّ الَّذِي يُطْعَمُ فِيهِ الطَّعَامُ مِنَ الشَّفْرَةِ فِي سَنَامِ الْبَعِيرِ .

اتفاقی افتاده است که انعکاس صد ها آیه و روایت در مورد مسکن و دار واسع، تنها در چند مسئله در رساله های عملیه خلاصه شده است؟ پاسخش همین قاعده اصولی است که ما در اجتهاد به آن می پردازیم. فقیه با خود می گوید: من از همه اینها فقط به معذرها و منجزها می پردازم، به اوامر و نواهی قطعیه می پردازم^{۴۸}. اشاره ای هم به دیگر آیات و روایات از باب استحباب می شود اما دیگر شرح تفصیلی پیدا نمی کند. مثلاً هیچ فقیهی نمی بینید که در مورد "سَمَكُ الْبَيْتِ"^{۴۹} وارد بحث شود. برای چه باید

خیر و برکت به خانه ای که در آن اطعام می شود زود تر می رسد از فرو رفتن کارد در کوهان شتر.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۳۹۰ / کافی ج ۴ ص ۲۹ / من لایحضره الفقیه ج ۲ ص ۵۶
دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۳۵ / وسائل الشیعه ج ۲۴ ص ۲۹۲ / الأشعثیات ج ۱ ص ۱۵۲ / الوافی ج ۱ ص ۴۵۳ / بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۴۶۱

^{۴۸} ارجاع پرورشی: بحث از امر و نهی از کهن ترین بخش های اصول فقه بوده، و از نخستین مراحل پای گیری این دانش، مورد توجه قرار داشته است. بخش مهمی از تشریح، چه در کتاب و چه در سنت، در قالب امر و نهی صورت پذیرفته، و از همین رو، دست یافتن به درک صحیحی از امر و نهی، لازمه استنباط احکام و تفسیر شریعت بوده است. درباره سنت، باید در نظر داشت که مصداق امر و نهی، در مواردی است که سنت از گونه قولی است؛ اما در سنت فعلی یا تقریری، با آنکه اتباع سنت همچنان ضرورت دارد، بحث امر و نهی مصداقی نمی یابد. از نظر تاریخی، مبحث امر و نهی همچون دیگر مباحث کهن الفاظ، در ارتباطی مستقیم با دلیل کتاب و کاربردهای آن شکل گرفته، و گسترش یافته است. در نگاهی به جایگاه امر و نهی در فرهنگ قرآنی، باید نخست رابطه انسان و خدا را به یاد آورد که در قالب رابطه «عبد» و «رب» تصویر شده است، حال باید توجه داشت که چهره ای از وجوه این رابطه عبودیت و ربوبیت، همین موضوع امر و نهی است. اینگونه است که میان مفاهیمی چون اطاعت و معصیت از امر و نهی، با ربوبیت و عبادت پیوستگی برقرار می گردد.

^{۴۹} ارجاع پرورشی: سَمَكُ از واژگان قرآن کریم به معنای سقف و ارتفاع است. این واژه فقط یکبار در آیه ۲۸ سوره نازعات آمده است. أَأَنْتُمْ أَشَدُّ خُلُقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا • رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا: آیا آفرینش شما بعد از مرگ مشکل تر است یا آفرینش آسمان که خداوند آن را بنا نهاد؟

ممکن است سمک در آیه مصدر باشد یعنی ارتفاعش را بالا برد. یا به معنی سقف باشد. معنی آیه در «سما» خواهد آمد. حضرت ولی ذوالجلال در نهج البلاغه خطبه ۷۱ فرموده: اللَّهُمَّ دَاجِيَ الْمُدْحُوَاتِ وَ دَاعِمِ الْمَسْمُوكَاتِ : خدا ای غلطاننده غلطانها و بالا برنده بالا رفتهها.

قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۳۲۷ / راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ط دارالقلم، ص ۴۲۶ / طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ت الحسینی، ج ۵، ص ۲۷۱ / مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه قرآن، ص ۵۸۴ / طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۱۹۰

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: فِي سَمَكِ الْبَيْتِ إِذَا رُفِعَ ثَمَانِيَةَ أُذْرُعٍ كَانَ مَسْكُوناً فَإِذَا زَادَ عَلَى ثَمَانِيَةَ فَلْيُكْتَبْ عَلَى رَأْسِ الثَّمَانِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ .

راوی گوید: امام صادق علیه السلام درباره سقف خانه فرمود:

هنگامی که تا هشت ذرع بالا رود، محل سکونت است. پس هنگامی که از هشت ذرع بیشتر شود، باید بر سر ذرع هشتم آیه الکرسی نوشته شود.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۰۹ / کافی ج ۶ ص ۵۲۹
دیگر منابع: کافی ج ۶ ص ۵۲۹ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۳۱۲ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۵۱

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَا مِنْ إِنْسَانٍ يَبْنِي فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أُذْرُعٍ إِلَّا وَ يَأْوِي الشَّيْطَانُ فِيمَا فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أُذْرُعٍ وَ أَلْوَجِبُ أَنْ يُكْتَبَ لَهُ فِيهِ آيَةُ الْكُرْسِيِّ حَتَّى لَا يَأْوِي فِيهِ الشَّيْطَانُ .

امام صادق علیه السلام: کسی نیست که خانه ای بلندتر از هشت ذراع (ذراع به حد فاصل آرنج تا سر انگشت میانی می گویند: حدود چهار متر) بسازد مگر اینکه شیطان در مقدار بلندتر از هشت ذراع، مسکن گزیند و لازم است که در آن آیه الکرسی بنویسد تا شیطان در آن مأوا نگیرد.

منبع: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۷

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنْ بَنَيْتَ سَبْعَةَ أُذْرُعٍ فَمَا كَانَ فَوْقَ ذَلِكَ سَكَنَهُ الشَّيَاطِينُ إِنْ الشَّيَاطِينُ لَيْسَتْ فِي السَّمَاءِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّمَا تَسْكُنُ الْهَوَاءَ .
محمد بن مسلم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

ارتفاع خانه هشت ذراع باشد؟ این را برای مخاطب شرح نمی دهد در حالی که در آیه و روایت شرح داده شده است ولی فقیه در همین حد که بگوید کراهت دارد اکتفاء می کند.

۲/۱/۳. نپرداختن به وجوه علل الشرائعی مفاهیم دینی، نقص دیگر روش استنباط کنونی یا در رساله های عملیه خوانده آید_ از باب شرح بیشتر عرض می کنم_ که همه آقایان می فرمایند لیسیدن و پاک کردن استخوان درون آبگوشت کراهت^{۵۰} دارد ولی شرحی در رساله برای این مسئله پیدا نمی کنید. در حالی که در آیه و روایت توضیح داده شده است. ما در آیه و روایت توضیح داشتیم که استخوان و چربی حول او غذای اجنه است و بنا به حکم نبی مکرم اسلام ﷺ شما نباید غذای اجنه را تناول کنید. اگر به غذایشان دست درازی کردید آنها هم برای زندگی شما چالش ایجاد می کنند. این است که بنده عرض می کنم اگر کسی به فقه معذر و منجز اکتفا کرد، بسیاری از گزاره های شارع را شرح نمی دهد. تا کیدش بر شرح گزاره های مرتبط با معذرت و منجزیت است و آن بخش را بیشتر شرح می دهد در حالی که شارع فقط آن بخش را نگفته است و ده ها بخش دیگر را هم توضیح داده است. یکی از عیب های فقاهت موجود این است که مثلاً روایات علل الشرائعی^{۵۱} را شرح کامل نمی دهد. می گویند از باب تعبد^{۵۲} حرف

خانهات را هفت ذراع بساز؛ آنچه که بیشتر از هفت ذراع باشد، شیطانها در آن سکونت می کنند. به راستی که شیطانها نه در آسمان هستند و نه در زمین؛ بلکه آنها در هوا سکونت دارند.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۲۹

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۱۲۶ / الوافی ج ۲۰ ص ۷۹۴ / وسائل الشیعة ج ۵ ص ۳۱۱ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۵۴

^{۵۰} ارجاع پژوهشی: وی عن علی بن اسباط عن ابيه قال صنع لنا أبو حمزة طعاماً ونحن جماعة فلما حضرُوا رأی أبو حمزة رجلاً ینهك عظاماً فصاح به [۴] وقال لا تفعل فإني سمعتُ علي بن الحسين ع يقول لا تنهكوا العظام فإن للجن فيها نصيباً فإن فعلتم ذهب من البیت ما هو خير لكم من ذلك.

علی بن اسباط گوید: که ابو حمزه طعامی تهیه کرد و ما را که جماعتی بودیم دعوت کرد، هنگام خوردن غذا ابو حمزه شخصی را دید که استخوانی را بگلی پاک نمود، او را آواز داد که این کار را نکن زیرا از علی بن الحسین علیهما السلام شنیدم که می فرمود: استخوان را از هر چه با او است برهنه نسازید زیرا جن را در آن سهم است و اگر چنین کنید چیزی را از خانه می رباید که برای شما بهتر است از اینکه به استخوان است.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۴۷۲ / الکافی ج ۶ ص ۳۲۲ / من لا یحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۵۰

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۴۸۷ / بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۷۲ / مستدرک الوسائل ج ۱۶ ص ۳۰۹

لأنَّ وقد أَلجَانَّ جَاءُوا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَّعْنَا فَأَعْطَاهُمْ الرُّوثَ وَالْعِظْمَ. جمعی از جن (بهر معنی و هر که باشند) خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و تقاضای کمک کردند، حضرت بآنها فرمود: شما می توانید از سرگینها و استخوانها استفاده کنید.

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۳۰

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۱ ص ۳۵۸ / الوافی ج ۶ ص ۱۳۰ / بحارالانوار ج ۶۰ ص ۷۲

^{۵۱} ارجاع پژوهشی: علل الشرائع، کتابی به زبان عربی، تألیف شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ ق) فقیه برجسته و راوی شیعی قرن چهارم هجری قمری است. علل الشرائع، مشتمل بر روایاتی از رسول خدا (ص) و ائمه اطهار (ع) است که موضوع آنها علت و فلسفه برخی از احکام شرعی و عقیدتی است، مانند علل وضع اسامی اشیا و اشخاص، عوامل حوادث و وقایع، علل گرایش به عقاید و اعمال و چگونگی خلق حیوانات. شیخ صدوق در این کتاب، به علت برخی از کارهای پیامبران، پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) نیز اشاره کرده است. این کتاب در ۶۴۷ باب تنظیم شده و در دو جلد منتشر شده است.

^{۵۲} ارجاع پژوهشی: احکام تعبدی، مقابل احکام توصلی می باشد و مراد از آن، احکامی است که قصد قربت در آنها معتبر و شرط صحت شمرده می شود، به گونه ای که اگر مکلف آن عمل را بدون قصد قربت انجام دهد از عهده وی ساقط نمی شود، مانند: نماز، روزه و ...

شارع را قبول کنید، درحالی که شارع وقتی دعوت به تعبد می‌کند، ادله تعبد را هم در روایات علل الشریعی توضیح می‌دهد. لذا بنده می‌خواهم عرض کنم که اگر فقیهی به مبانی آخوند صاحب کفایه^{۵۳} یا مبانی رسائل شیخ^{۵۴} ملتزم شد، روایتش از شریعت یک روایت حداقلی می‌شود و بسیاری از آیات و روایات را در

آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، ص ۷۲ / شعرانی، ابوالحسن، المدخل الی عذب المنهل، ص ۲۴۵ / فاضل لنکرانی، محمد، کفایة الاصول، ج ۲، ص ۳۷ / خمینی، روح الله، تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۱۴۶

چرا باید تعبدی بودن احکام را بپذیریم؟

پاسخ:

هر چند همه مسایل دینی تعبدی محض نیستند، ولی آن مسائل و احکامی که تعبدی محض هستند، عقل توان درک علت و حکمت و اسرار آنها را ندارد. بلکه عقل، آدمی را تنها تا در خانه شریعت همراهی می‌کند، ولی هیچ‌گاه خود به تنهایی نمی‌تواند از کلاها و گنجینه‌های درون خانه بهره‌گیرد. تنها چیزی که عقل در این زمینه درمی‌یابد مخالفت نداشتن این احکام با اصول کلی عقلانی است. در بسیاری از موارد ما نمی‌دانیم چه چیزهایی نیاز داریم و چه مشکلاتی از درون ما را تهدید می‌کند تا بفهمیم به چه علت خالق موجودات، این احکام را وضع کرده است. بدین‌رو، آنچه ما در احکام تعبدی محض می‌فهمیم، حداکثر جهت‌گیری‌های کلی و دستورات عام است، اما این که برای چه مصالحی و براساس چه ملاک و ویژگی‌هایی وضع شده، بر ما معلوم نیست. لذا تنها چاره این دسته از احکام، تسلیم شدن است و فقط روح تعبد و بندگی در این دسته از احکام می‌تواند پاسخگوی این سؤالات باشد. پس، اگر بنده خدا هستیم و به صدور حکمی از طرف پروردگار اطمینان یافتیم باید بدان تعبد داشته باشیم.

پرسش و پاسخ از پایگاه اسلام کوئست

<https://www.islamquest.net/fa/archive/fa29377>

^{۵۳} ارجاع پرورشی: آخوند خراسانی (۱۲۵۵-۱۳۲۹ق/۱۸۳۹-۱۹۱۱م) با نام مُلّا مُحَمَّد کَاظِم خراسانی و مشهور به صاحب کفایه، فقیه اصولی، مدرس نامدار حوزه نجف، مرجع تقلید شیعیان و از رهبران سیاسی جنبش مشروطه بود.

صاحب کفایه علوم دینی را در سبزوار، تهران و نجف از بزرگانی چون ملا هادی سبزواری، ملا حسین خوبی، میرزا ابوالحسن جلوه، شیخ مرتضی انصاری، میرزای شیرازی، سید علی شوشتری، شیخ راضی نجفی و سید مهدی قزوینی فرا گرفته و به درجه اجتهاد رسید، سپس به تدریس پرداخت و بعد از درگذشت میرزای شیرازی مرجعیت عامه شیعیان را عهده‌دار شد. ایشان در عین اشتغال به کارهای علمی و تربیت طلاب و اداره حوزه، رویدادهای سیاسی ایران را دنبال می‌کرد و از حامیان و رهبران جنبش مشروطه بود. حکم به خلع محمدعلی شاه قاجار، اعتراض به تهاجم و نفوذ روس و انگلیس به ایران در جنگ جهانی اول، برخی از اقدامات او بود. تالیفات متعددی از ایشان برجای مانده که مهم‌ترین آنها کفایة الاصول و از کتاب‌های درسی حوزه‌های علمیه است. سرانجام آخوند زمانی که به منظور کسب آگاهی و جلوگیری از کجروی‌ها، قصد سفر به ایران را داشت ۲۱ ذی حجه سال ۱۳۳۹ق در نجف درگذشت و در مقبره میرزای رشتی دفن شد. به عقیده برخی وفات او مشکوک بود و احتمال مسمومیت توسط عمال انگلیس را دانسته‌اند.

آقا بزرگ تهرانی، هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی، تهران، میقات، ۱۴۰۳ق، ص ۱۴۵ / امین عاملی، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالعارف، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۶۰۵ / بامداد، مهدی، تاریخ رجال ایران، تهران، زوار، ۱۳۵۳.۱۳۴۷ش، ج ۴، ص ۱ / کفای، عبدالحسین، مرگی در نور، زندگانی آخوند خراسانی، تهران، زوار، ۱۳۵۹ش، جم

^{۵۴} ارجاع پرورشی: فَرَايِدُ الْأُصُولِ یا رسائل کتابی در اصول فقه، اثر شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ق)، فقیه و اصولی مشهور شیعه. رسائل کتابی بسیار مهم در اصول فقه شیعه است که این دانش را متحول کرده و اصولیان بعدی شیعه بسیار متأثر از آن بوده‌اند

این کتاب از همان دوره نویسنده، مورد توجه عالمان شیعه قرار گرفته و تدریس و شرح شده است. شیخ انصاری در آن، هم ساختار جدیدی برای علم اصول مطرح کرده و هم دیدگاه‌هایی ابتکاری ارائه داده است که به جهت درستی و اهمیت‌شان مورد قبول عالمان شیعه واقع شده است. نظام‌بخشی به مباحث قطع و ظن، نظام‌بخشی به اصول عملیه، ذاتی خواندن حجیت قطع، تأثیر علم اجمالی در احتیاط، مصلحت سلوکیه و حجیت ظن از نوآوری‌های موجود در این کتاب است. فرائد الاصول جزو متون درسی سطوح عالی حوزه‌های علمیه است. شرح‌ها و حاشیه‌های بسیاری نیز بر آن نوشته شده است که شمارشان را حدود دویست کتاب بیان کرده‌اند. برخی از این شروح عبارت‌اند از: دُرُرُ الْفَوَائِدِ، نوشته آخوند خراسانی، بحرال فوائد، نوشته محمدحسن آشتیانی و أوثق الوسائل، نوشته میرزا موسی تبریزی.

امین، اعیان الشیعه، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۱۱۷ / آقابزرگ تهرانی، الذریعه، بیروت، ج ۶، ص ۱۵۲ / مغنیه، علم اصول الفقه فی ثوبه الجدید، ۱۹۷۵م، ص ۴۴۹

ذهن مردم تثبیت نمی‌کند. بنابراین ما در مسئله خانه، در مسئله تغذیه و یا در مورد مسجد که محل بحث ما است، باید با یک روایت حداکثری از شریعت ورود کنیم.

۲/۱/۴. تاسیسی دانستن زبان شارع: مهم‌ترین تفاوت قواعد اصولی فقه‌البیان با اصول فقه‌کنونی ما نیاز داریم به این که یک قواعد اصولی جدیدی را استخدام کنیم که ان شاء الله اگر خداوند متعال عمر و توفیقی دادند فردا خیلی مفصل درباره این قواعد بحث می‌کنم که تفاوت قواعد اصولی فقه‌البیان^{۵۵} با قواعد اصولی مرحوم صاحب کفایه و اصول موجود چیست؟ چون ما هم قائلیم که اجتهاد بی تردید نیازمند قواعد ممهده^{۵۶} است، اما ان قلت هایی داریم به اینکه قواعد ممهده را به شرحی که در کتاب‌های اصول فقه‌کنونی است، به اصول مرادیه^{۵۷} و بناهای عقلایی و احکام عقلی^{۵۸} تنزل بدهیم. همین جا هم

۵۵. ارجاع پرورشی: تعریف ساده از فقه‌البیان

فقه‌البیان شامل: ۹ دسته قاعده اصولی است؛ که روش و اسلوب استنباط و استنتاج از وحی را توضیح می‌دهد. به عبارت بهتر: استنتاج از وحی باید ۱- مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- مبتنی بر تأمل، ۳- مبتنی بر مقایسه، ۴- مبتنی بر مُکث، ۵- مبتنی بر رفق، ۶- مبتنی بر منزلت، ۷- مبتنی بر انفتاح، ۸- مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- مبتنی بر کمیت و عدد، تعریف شود. مهمترین باب از ابواب فقه‌البیان، مباحث باب پیشرفته بیان مبتنی بر تأمل است؛ زیرا آغاز و مفتاح علم، شرح صحیح پرسش و ایجاد "سؤال خوب" در ذهن مخاطب است. تبیین روش موضوع‌شناسی از مباحث این باب است.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی الگوی پیشرفت اسلامی در پیام‌رسان اینستا

<https://eitaa.com/olgou4>

برای مطالعه بیشتر در مورد "قواعد اصولی فقه‌البیان" به پیوست شماره دو مراجعه فرمایید.

۵۶. ارجاع پرورشی: عَرَفَ الْأُصُولِيُونَ هَذَا الْعِلْمَ بَأَنَّهُ : العلم بالقواعد الممهّدة لاستنباط الأحكام الشرعية الفرعية من أدلتها التفصيلية. علم به قواعدی که مهیا و آماده شده برای این که در مسیر استنباط به کمک فقیه باید تا وی بتواند از روی ادله تفصیلیه، احکام شرعی را استنباط کند.

کفایه الاصول آخوند خراسانی ج ۱ ص ۶

۵۷. ارجاع پرورشی: اعلم أنّ الشكّ في اللفظ على نحوين:

۱. الشكّ في وضعه لمعنى من المعاني.
۲. الشكّ في المراد منه بعد فرض العلم بالوضع، كأن يشكّ في أنّ المتكلم أراد بقوله: «رأيت أسدا» معناه الحقيقيّ أو معناه المجازيّ مع العلم بوضع لفظ الأسد للحيوان المفترس، وبأنّه غير موضوع للرجل الشجاع؟ شك در لفظ دو صورت دارد:

یک مرتبه در وضع لفظ شک دارید. علمای اصول برای این شک دوازده علامت قرار داده‌اند که شما به وسیله‌ی هر کدام از این علامت‌ها می‌توانی خودت را از شک خارج کنی. مانند تصریح اهل لغت یا تبادر و...

دوم: شک در مراد متکلم بعد از علم به وضع. این یعنی این که شما می‌دانی این لفظ برای این معنا وضع شده و برای معنای دیگر وضع نشده است. این لفظ از این متکلم صادر شد. نمی‌دانی مراد متکلم از این لفظ معنای حقیقی است یا معنای مجازی. این را می‌گویند شک در مراد متکلم بعد از علم به وضع. در ذهنتان باشد به این اصول (هنگام شک در اصل وضع) می‌گویند اصول وضعیه. به این اصول (هنگام شک در مراد متکلم) می‌گویند اصول مرادیه. اولین اصول مرادیه اصاله الحقیقه است. هر موقع شک دارید که مراد متکلم معنای حقیقی است یا مجازی بگو اصاله الحقیقه. یعنی قانون حقیقت است. دوم: اصاله العموم یعنی هر وقت شک داشتید که نراد متکلم تمام اعضای یک مجموعه است یا خیر باید اصل را بگذارید بر اینکه همه افراد را مد نظر دارد. سوم: اصاله الاطلاق: شک در تقیید مطلق. خداوند در قرآن می‌فرماید احل الله البيع. البیع مطلق است. شک می‌کنید مراد خدا از بیع، بیع به لغت عربی است؟ یعنی مقید است به لغت عربی؟ این می‌گویند الاصل الاطلاق. چهارمین مورد از اصول مرادیه هم اصاله الظهور است.

اصول الفقه، محمدرضا مظفر ص ۴۶

۵۸. ارجاع پرورشی: بنای عقلا، اصطلاحی در علم اصول فقه و فقه، به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است. به جای این اصطلاح تعبیری دیگر مانند سیره عقلا، ارتکاز عقلا، طریقه عقلا، عمل عقلا، سیره عقلایی، قانون عقلایی، اصل عقلایی، حکم عقلایی، عرف عقلا، آتفاق عقلا، عرف و عادت نیز به کار رفته است.

اشاره کنم که اختلاف ما با اصول فقه موجود از این سوال شروع می‌شود که ما زبان شارع را تأسیسی-می‌دانیم و جمله اصولیون زبان شارع را امضایی می‌دانند.^{۹۹} بنده فردا ادله ای اقامه خواهم کرد که ذهن ما را به این مسیر تقویت کند که ممکن است زبان شارع تأسیسی باشد. اگر زبان شارع را به نحو تأسیس مورد بازخوانی قرار ندهیم اجتهاد های ما هم بر اساس همین قاعده تنزل پیدا می‌کند. پس این سوال اول، اصطلاحاً اول باید متد اجتهاد بحث شود.

۲/۱/۵. تدریس مجزای فقه و اصول: یکی از مشکلات اجتهاد کنونی

این را هم عرض کنم که بنده هیچ وقت قائل به این نیستم که درس اصول باید بریده ی از فقه بحث شود. یکی از مشکلات اجتهاد ما این است که طلبه ما اصول را در یک کتاب می‌خواند و فقه را هم در کتاب دیگر آن وقت در تطبیق مشکل پیدا می‌کند. بنظر بنده شیوه قدمای ما در فقاہت مفید تر بود. بنا را باید بر درس فقه گذاشت و هر جا برای اجتهاد نیاز به یک قاعده تمهیدیه است، درس را دو یا سه روز متوقف، آن قاعده را تبیین و تطبیق بر آیات و روایات می‌کنیم تا همزمان، تطبیق قاعده هم در بحث مطرح شود.

محمدرضا مظفر، اصول الفقه، ج ۲، ص ۱۵۳، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳ عیسی ولایی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ج ۱، ص ۲۴۳، تهران ۱۳۷۴ ش / علیرضا فیض، مبادی فقه و اصول، ج ۱، ص ۲۰۳، تهران ۱۳۷۳ ش / محمد جعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۲، ص ۶۰، تهران ۱۳۷۵ ش

^{۹۹} ارجاع پرورشی: پیش از ظهور اسلام، برای تنظیم مناسبات حقوقی، معاملاتی، اقتصادی و نیز مراسم عبادی قواعد و مقرراتی میان مردم وجود داشت که برخی از شرایع پیشین و برخی دیگر از بنای عقلا نشأت می‌گرفت. آن دسته از قواعد و مقررات و مراسمی که پس از اسلام شارع آنها را- هرچند با سکوت و نهی نکردن، خواه به طور کامل یا با اصلاحات جزئی یا کلی- تأیید و امضا کرده است، احکام و ادله امضایی نامیده می‌شود و در مقابل آن، احکام و ادله تأسیسی- است. عقود (عقد)، ایقاعات (ایقاع) و برخی موارد دیگر، مانند وجوب ختنه، وجوب حداد زن پس از مرگ شوهر و وجوب وفا به نذر از احکام امضایی‌اند. همچنین حجیت بیشتر امارات (اماره)- مانند حجیت خبر ثقه- و نیز اصول لفظی (اصل لفظی) امضایی است.

مبسوط در ترمینولوژی حقوق ج ۱ ص ۱۸۷ / جامع الشتات ج ۱ ص ۱۷۶ / معتمد العروة ج ۱ ص ۱۴۷ / زبدة الاصول ج ۳ ص ۲۵۲ / دروس فی علم الاصول ج ۳ ص ۲۵۲

احکام تأسیسی یا ابتدایی، در مقابل احکام امضایی، آن دسته از احکامی است که برای نخستین بار و بدون آنکه سابقه‌ای پیش از اسلام داشته باشد در شریعت اسلامی جعل شده است. تأسیس از ریشه «اسس» به معنای بنیان نهادن است. درباره حکم تأسیسی- و حکم امضایی بحث روشنی در منابع فقهی وجود ندارد و این دو عنوان با بیان مصداق‌هایی شناخته می‌شوند. بسیاری از احکام پنج‌گانه تکلیفی همچون نماز، روزه و ارث و نیز احکام کیفری، همچون قطع انگشتان دست دزد از جمله احکام تأسیسی به حساب می‌آیند.

حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۸ ش، ج ۶، ص ۲۸۶ / جمعی از محققان، فرهنگ‌نامه اصول فقه، ۱۳۸۹ ش، ج ۱، ص ۱۰۴؛ محقق داماد یزدی، قواعد فقه، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۶ / ابن منظور، لسان العرب، دارالفکر، ج ۶، ص ۶ / مکارم شیرازی، دائرة المعارف فقه مقارن، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۵۶۱ / هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه فارسی، موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ج ۳، ص ۳۵۴

۳. پرسش دوم دوره: مفاهیم پایه مسجد کدامند؟

سوال دوم: مفاهیم پایه مسجد کدامند؟ باز اینجا آن نظام اصطلاحاتی که شما شبها احصا می کنید به کار می آید. ما در پرسش دوم می خواهیم مفاهیم پایه مسجد را بحث کنیم.

۳/۱. اولین اصطلاح روایی مفاهیم پایه مسجد: روایات حدود صلاه و ابواب صلاه

اصطلاحش در روایت حدود صلاه^{۱۰} است: لِلصَّلَاةِ اَرْبَعَةُ اَلْاَفِّ حَدٌّ. بر مبنای این روایت مفاهیم پایه را شرح می دهیم. مفاهیم پایه در مسجد چیست؟ اگر بخواهیم دقیق تر بحث کنیم باید بگوییم که حد صلاه چیست؟ یا ابواب صلاه چیست چون در بعضی از روایات دیگر امام فرموده است: لِلصَّلَاةِ اَرْبَعَةُ اَلْاَفِّ بَابٍ^{۱۱}. از کلمه ابواب صلاه یا حدود صلاه می شود محل بحث که ان شاء الله شرح می دهیم.

اینجا خیلی بحث مهمی داریم که یکی کبار حدود صلاه^{۱۲} را شرح خواهیم داد. این اصطلاح خود امام علیه السلام است یعنی حدود بزرگتر صلاه را، چون وقتی حضرت علیه السلام می فرمایند لِلصَّلَاةِ اَرْبَعَةُ اَلْاَفِّ بَابٍ، همه ی این حدود و ابواب از حیث وزن برابر نیستند، بنابراین خود امام علیه السلام یک اصطلاحی دارند تحت عنوان کبار حدود صلاه، یعنی آن حد ها و مفاهیم برتر و اصلی صلاه که ان شاء الله شرح می دهیم.

۱۰. ارجاع پژوهشی: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلصَّلَاةِ اَرْبَعَةُ اَلْاَفِّ حَدٌّ. حماد بن عیسی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: برای نماز چهار هزار حد و مرز است.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۹۵ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۴۲
دیگر منابع: الوافی ج ۸ ص ۸۲۷ / کنز الفوائد ج ۲ ص ۲۲۳ / مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۸۴ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۳

۱۱. ارجاع پژوهشی: وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: لِلصَّلَاةِ اَرْبَعَةُ اَلْاَفِّ بَابٍ.

و در روایت دیگری فرمود: نماز چهار هزار باب دارد.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۱۹۵ / الخصال ج ۲ ص ۶۳۸ / عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۵۵ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۴۲
دیگر منابع: الوافی ج ۸ ص ۸۲۷ / بحار الأنوار ج ۷۹ ص ۳۰۳

۱۲. ارجاع پژوهشی: حَمَّادٌ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفَرْضِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ الْوَقْتُ وَالظُّهُورُ وَالْاَقْبَلَةُ وَالنُّوْجَةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالِدُعَاءُ قُلْتُ مَا سِوَى ذَلِكَ قَالَ سُنَّةٌ فِي قَرِيْبَةٍ.

زراره گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد واجبات نماز پرسیدم. فرمود: وقت، طهارت، قبله، توجه، رکوع، سجود و دعا (یعنی قنوت). پرسیدم: اعمال دیگر چه؟ فرمود: آن اعمال، مستحباتی هستند که در ضمن واجب آمده اند.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۷۲ / تهذیب الأحکام ج ۲ ص ۲۴۱
دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۱ / وسائل الشیعة ج ۴ ص ۱۰۹ / بحار الأنوار ج ۸۰ ص ۱۶۰

عَنْ كِتَابِ الْعَلَلِ لِمَحْمَدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ كِبَارِ حُدُودِ الصَّلَاةِ فَقَالَ سَبْعَةٌ الْوُضُوءُ وَالْوَقْتُ وَالْاَقْبَلَةُ وَتَكْبِيْرَةُ الْاِفْتِيْحِ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ وَالِدُعَاءُ.

از امام باقر علیه السلام درباره ی حدود بزرگترین حدود نماز پرسیدم، حضرت فرمودند: وضو، وقت، قبله، تکبیره الافتتاح، رکوع، سجده و دعا.

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۹۸ / بحار الأنوار ج ۶۵ ص ۳۸۷

۳/۲. دومین اصطلاح روایی مفاهیم پایه مسجد: روایات لاتعاد

بحث دیگری داریم تحت عنوان شرح روایات "لاتعاد"^{۷۳} که حتما در فقه دیده اید. موارد اعاده نماز که در روایات توضیح داده شده است که پنج حد است: **عدم رعایت حد طهارت، عدم رعایت حد وقت، عدم رعایت حد قبله، عدم رعایت حد رکوع و عدم رعایت حد سجده**. اینها موضوع روایت "لاتعاد" هستند که این را هم بحث خواهیم کرد. آنجا هم در کبار حدود صلاة، حضرت ﷺ هفت حد اصلی را می شمارند که آنجا هم باید توضیح دهیم. به این مطالبی که بیان شد، موضوع **دعا و تکبیرة الافتتاح** را هم اضافه کنید. پس در روایات کبار حدود صلاة، هفت مفهوم بحث شده است و در روایات "لاتعاد" پنج مفهوم ولی این پنج تا با پنج تای آن هفت عدد، مشترک است. وقتی که مسجد را محل اقامه صلاة می دانیم، بنابر روایاتی که عرض کردم یعنی: **مسجد محل پرداختن به هفت موضوع اصلی است**. من می توانم تفاهم کنم سوالات جلسه را؟ چون مهم است ما با سوال جلسه ارتباط بگیریم. می پرسیم مفاهیم پایه مسجد چیست؟ مفاهیم پایه مسجد در روایات "لاتعاد" پنج مورد است و در روایات "کبار حدود صلاة" هفت تا است که این ها اشتراکاتی هم دارند. این ها را توضیح می دهیم اما از این منظر که نسبت طهارت و اداره جامعه چیست؟ نسبت وقت و اداره جامعه چیست؟ نسبت قبله و اداره جامعه چیست؟ در ذهن ما در طول دوره ای که "کتاب الصلاة" را می خواندیم، حیث های دیگری هم وجود داشت منتها جهت بحث ما در این دوره، اثر این حدود در اداره جامعه است. ما این ها را به فارسی ترجمه کرده ایم و گفته ایم مفاهیم پایه مسجد، که همان مفاهیم پایه صلاة هستند چرا؟ چون مسجد محل اقامه صلاة است. این هم سر فصل دوم بحث که شامل هفت پرسش سازنده است.

۴. سومین پرسش دوره: ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟

سومین بحث این است که ساختار خدمات مسجد برای تحقق مفاهیم پایه چیست؟ فرض کنید طبق روایات "لاتعاد" پنج عدد مفهوم پایه داریم، حال چگونه این ها را اجرایی کنیم؟ این می شود موضوع سوال سوم که شما چگونگی تحقق مفاهیم پایه _یا به تعبیر ما ساختار خدمات مسجد_ را بحث می کنید. هدف مسجد تحقق مفاهیم پایه است. به تعبیر امام ﷺ کارکرد مسجد اقامه صلاة است که چهار هزار حد دارد و از این حدود، هفت مورد آن اصلی و به تعبیر امام ﷺ کبار حدود صلاة است. گاهی می پرسند چگونه می خواهید کبار حدود صلاة یا به تعبیر فارسی، مفاهیم پایه مسجد را محقق کنید؟ بعضی اوقات

^{۷۳} ارجاع پژوهشی: وَ زَوَى زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةِ الظُّهُورِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرَّكُوعِ وَ السُّجُودِ» ثُمَّ قَالَ «الْقِرَاءَةُ سُنَّةٌ وَ التَّشَهُدُ سُنَّةٌ وَ لَا تَنْقُضُ السُّنَّةُ الْفَرِيضَةَ.

و زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: نماز جز در پنج مورد (چه عمدا چه سهوا اعاده نمیشود: و آن طهور است (یعنی وضو و غسل و تیمم که اگر کسی از یکی از اینها که تکلیفش آنست خالی بود نمازش باطل است و باید اعاده کند). دوّم وقت (که اگر شخص نمازی را پیش از وقت بخواند که هیچ جزء آن داخل وقت نباشد اگر چه سهوا باشد آن نماز باطل است و باید اگر در وقت است دوباره بخواند و اگر وقت گذشته است قضای آن را بجا آرد، و اما پس از وقت میتوان گفت اعاده نمیخواهد چون نماز بر او واجب بوده و به گمان بقای وقت بجا آورده، و چون در وقت بجا نیورده و قضا کرده پس قضای نماز بر او واجب بوده و آن را در وقت آن بجا آورده است). سوّم قبله (که اگر کسی عمدا به غیر قبله نماز گزارد آن را رو بقبله اعاده می کند و اگر سهوا باشد بطوری که رو بمشرق یا بمغرب یا پشت به قبله نماز کرده باشد آن را نیز اعاده می کند در وقت، و خارج از آن بقضا)، چهارم و پنجم: رکوع و دو سجده است (که به ترک هر یک از این دو چه عمدا چه سهوا نماز باطل است) سپس فرمود: قراءت سنّت است و تشهّد نیز سنّت، و سنّت اگر به سهو ترک شود فریضه را باطل نمیسازد.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۳۳۹/ الخصال ج ۱ ص ۲۸۴/ تهذيب الأحكام ج ۲ ص ۱۵۲

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۴/ وسائل الشیعة ج ۵ ص ۴۷۰/ بحار الأنوار ج ۸۵ ص ۱۳۶/ مستدرک الوسائل ج ۴ ص ۱۹۶

هم می‌گویند: ما کاری با تحقق این مفاهیم نداریم و فقط مفاد و محتوای روایات "لاتعاد" و روایات "حدود کبار صلاة" را می‌گوییم. الان بسیاری از فقهای ما اینگونه عمل می‌کنند و وظیفه خودشان را تنها ابلاغ می‌دانند در صورتی که این دو با هم متفاوت است. وقتی شما می‌گویید: وظیفه ما تحقق این مفاهیم است و نه صرفاً ابلاغ (شرایط فرق می‌کند). ابلاغ لزوماً برابر با تحقق نیست و ممکن است شما ابلاغ کنید ولی تحقق نداشته باشید.

۴/۱. ارائه خدمات نه گانه در مسجد به عنوان ساختار تحقق مفاهیم پایه

بنابراین در سوال سوم روش تحقق مفاهیم پایه را بحث می‌کنم و توضیح خواهم داد که اگر مجموعه‌ای از خدمات در مسجد ارائه شود مفاهیم پایه هم محقق خواهد شد. آن مجموعه عبارت است از نه نوع خدمت: خدمات مربوط به مدیریت و امامت^{۶۴}، خدمات مربوط به علم و آموزش^{۶۵}، خدمات مربوط به

^{۶۴} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۲۴: وَإِذِ ابْنِ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ.

و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود و وی آن همه را به انجام رسانید [خدا به او] فرمود من تو را پیشوای مردم قرار دادم [ابراهیم] پرسید از دودمانم [چطور] فرمود پیمان من به بیدادگران نمی‌رسد.

قرآن کریم سوره فرقان آیه ۷۴: وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا. آنها کسانی هستند که می‌گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما، مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را پیشوای پرهیزگاران بنما قرآن کریم سوره اسراء آیه ۷۱: يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظَلَمُونَ فَتِيلًا [یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم پس هر کس کارنامه اش را به دست راستش دهند آنان کارنامه خود را می‌خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی‌شود.

^{۶۵} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره زمر آیه ۹: أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ.

[آیا چنین کسی- بهتر است] یا آن کسی- که او در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می‌کند [و] از آخرت می‌ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند تنها خردمندانند که پندپذیرند.

قرآن کریم سوره روم آیات ۸ تا ۱۶: وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ أُولَئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ.

وعده خداست خدا وعده اش را خلاف نمی‌کند ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند. آیا در خودشان به تفکر نپرداخته اند خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و تا هنگامی معین نیافریده است و [با این همه] بسیاری از مردم لقای پروردگارش را سخت منکرند.

مکاسب و معیشت^{۶۶}، خدمات مربوط به خدمات تزکیه و طهارت^{۶۷}، خدمات مربوط به عبرت و میراث فرهنگی^{۶۸}، خدمات مربوط به ارزیابی و فرقان^{۶۹}، خدمات مربوط به نظم و قانون^{۷۰}، خدمات مربوط به

^{۶۶}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۷۹: فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ.

و اگر (چنین) نکرديد، بدانيد به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته ايد؛ و اگر توبه کنيد، سرمايه های شما از خودتان است. نه ستم می کنيد و نه ستم می بينيد.

قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۴۵: مَنْ ذَا الَّذِي يُضِرُّ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ .
کيست آن کس که به [بندگان] خدا وام نيكوي دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بيفزايد و خداست که [در معيشت بندگان] تنگی و گشایش پديد می آورد و به سوی او بازگردانده می شوي.

قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۶۱: مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْتَّ سَبْعَ سِتَائِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

مثل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند دانه ای است که هفت خوشه بروياند که در هر خوشه ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد (آن را) چند برابر می کند، و خداوند گشایشگر داناست.

قرآن کریم سوره حشر- آیه ۷: مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَإِنَّ السَّبِيلَ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ .
آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینویان و درراه ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نگردد و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگيريد و از آنچه شما را باز داشت بازایستيد و از خدا پروا بداريد که خدا سخت کيفر است.

قرآن کریم سوره انفال آیه ۱: يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

[ای پیامبر] از تو در باره غنایم جنگی می پرسند بگو غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد پس از خدا پروا داريد و با یکديگر سازش نماييد و اگر ايمان داريد از خدا و پیامبرش اطاعت کنيد.

^{۶۷}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره آل عمران آیه ۱۶۴: لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

به يقين خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

قرآن کریم سوره جمعه آیه ۲: هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.

اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

^{۶۸}. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره حشر آیه ۲: هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنْهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ.

اوست کسی که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد گمان نمی کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود و [لی] خدا از آنجایی که تصور نمی کردند بر آنان درآمد و در دلهایشان بیم افکند [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه های خود را خراب می کردند پس ای دیده وران عبرت گیرید.

قرآن کریم سوره نمل آیه ۶۹: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ.
بگو در زمین بگردید و بنگرید فرجام گنه پیشگان چگونه بوده است.

بیان و شعر^{۷۱} و خدمات مربوط به نفی سبیل و امنیت^{۷۲}. مثلاً اگر شما گفتید: من به عنوان امام جماعت با امنیت جامعه کاری ندارم، دشمن بر شما مسلط می‌شود و نمی‌توانید آن مفاهیم را تحقق بدهید. اگر

قرآن کریم سوره روم آیه ۴۲: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ. بگو در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده [و] بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.

قرآن کریم سوره یوسف آیه ۱۱۱: لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لَأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهَدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. هر راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است.

۶۹. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره انفال آیه ۲۹: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ. ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر از خدا پروا دارید برای شما [نبروی] تشخیص [حق از باطل] فرار می‌دهد و گناهانتان را از شما می‌زداید و شما را می‌آمرزد و خدا دارای بخشش بزرگ است.

قرآن کریم سوره فرقان آیه ۱: تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا. بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [= کتاب جدا سازنده حق از باطل] را نازل فرمود تا برای جهانیان هشداردهنده ای باشد.

۷۰. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره بقره آیه ۲۵۶: لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ. در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست.

قرآن کریم سوره انسان آیه ۳: إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا. ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس.

قرآن کریم سوره غاشیه آیه ۲۲: لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ. بر آنان تسلطی نداری.

قرآن کریم سوره نحل آیه ۹۳: وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَنَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. و اگر خدا می‌خواست قطعاً شما را امتی واحد قرار می‌داد ولی هر که را بخواهد بیراه و هر که را بخواهد هدایت می‌کند و از آنچه انجام می‌دادید حتماً سؤال خواهید شد.

۷۱. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره اسراء آیه ۶۰: وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا. و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی و آن را به تدریج نازل کردیم.

قرآن کریم سوره طه آیه ۴۴: فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى. و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد.

قرآن کریم سوره مریم آیه ۹۷: فَإِنَّمَا يَسْتَرْزَاهُ بِلِسَانِكَ لِئَلَّا يُبَدِّلَ بِهِ الْقَائِلِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا. در حقیقت ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید و مردم ستیزه جو را بدان بیم دهی.

۷۲. ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره نساء آیه ۱۴۱: الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.

کسی- می خواهد تحقق مفاهیم پایه صلاة را عملیاتی کند، باید برنامه امنیتی هم داشته باشد. در حال حاضر انقلاب اسلامی با تشکیل بسیج^{۷۳}، یک برنامه امنیتی برای حفاظت از شیعه در سراسر دنیا تشکیل داده است. می گوید این چه ارتباطی با صلاة دارد؟ پاسخ این است که ترویج مفاهیم صلاة نیاز به امنیت دارد؛ بنابراین تحقق صلاة غیر از ابلاغ صلاة است. حتما شما باید برنامه امنیتی نفی سبیلی داشته باشید تا مفاهیم صلاة محقق شود. یا اینکه روایت می فرماید: **الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تَسَعُهُ أَجْزَاءٌ فِي ظَلَبِ الْخَلَالِ**^{۷۴}.
 نه جزء از ده جزء عبادت مکاسب است. شما اگر برای مکاسب و طلب حلال برنامه ریزی نکنید، شارع عبادت را از شما قبول نمی کند. بنابراین مکاسب هم جزء زیر ساخت های عبادت است. در روایت پیامبر ﷺ اینگونه است که حضرت دعا را به یک کلید تشبیه می کنند و می گویند دعا کلید است یعنی دعا قفل باز می کند. حضرت چقدر بیان رسایی دارند می فرمایند: **دعا مفتاح**^{۷۵} است بعد می فرمایند: طلب

همنان که مترصد شمايند پس اگر از جانب خدا به شما فتحي برسد می گویند مگر ما با شما نبودیم و اگر برای کافران نصیبی باشد می گویند مگر ما بر شما تسلط نداشتیم و شما را از [ورود در جمع] مؤمنان باز نمی داشتیم پس خداوند روز قیامت میان شما داوری می کند و خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است.

قرآن کریم سوره آل عمران آیات ۱۸ تا ۱۲۰: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُؤًا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ. هَا أَنْتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُؤْمِنُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ.

ای کسانی که ایمان آورده اید از غیر خودتان [دوست و] همراز مگیرید [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی ورزند آرزو دارند که در رنج بیفتید دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه سینه هایشان پنهان می دارد بزرگتر است در حقیقت ما نشانه های دشمنی آنان را برای شما بیان کردیم اگر تعقل کنید. هان شما کسانی هستید که آنان را دوست دارید و [حال آنکه] آنان شما را دوست ندارند و شما به همه کتابها [ای خدا] ایمان دارید و چون با شما برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون [با هم] خلوت کنند از شدت خشم بر شما سر انگشتان خود را می گزند بگو به خشم خود بمیرید که خداوند به راز درون سینه ها داناست. اگر به شما خوشی رسد آنان را بدحال می کند و اگر به شما گزندی رسد بدان شاد می شوند و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید نبرنگشان هیچ زبانی به شما نمی رساند یقینا خداوند به آنچه می کنند احاطه دارد.

برای مطالعه بیشتر در مورد شرح کامل زیرساختهای خدماتی نه گانه به پیوست شماره هشت مراجعه فرمایید.

^{۷۳} ارجاع پرورشی: برای مطالعه بیشتر در مورد بسیج در اندیشه امام خمینی ره به پیوست شماره نه مراجعه فرمایید.

^{۷۴} ارجاع پژوهشی: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءٌ تَسَعُهُ أَجْزَاءٌ فِي ظَلَبِ الْخَلَالِ. عبادت ده بخش دارد که نه بخش آن در کسب حلال است.

منبع: بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۲

برای مطالعه بیشتر در مورد اهمیت کسب حلال به پیوست شماره ده مراجعه فرمایید.

^{۷۵} ارجاع پژوهشی: وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: التَّعَلُّلُ زَكَاةُ الْبَدَنِ وَالْمَعْرُوفُ زَكَاةُ النَّعْمِ وَكُلُّ نِعْمَةٍ أُزِيلَ مِنْهَا الْمَعْرُوفُ فَمَا مَوْنَةُ السَّلْبِ مُخَصَّنَةٌ مِنَ الْغَيْرِ وَقَالَ وَ اللَّهُ مَا نَزَعَ اللَّهُ مِنْ قَوْمٍ نِعْمَاءَ إِلَّا يَدْنُوبُوا إِجْتِرَحُوهَا فَأَزِيطُوهَا بِالشُّكْرِ وَ قَبِدُوهَا بِالطَّاعَةِ وَ الدَّعَاءِ مِفْتَاحُ الرِّحْمَةِ وَ سِرَاجُ الرَّاهِدِينَ وَ شَوْقُ الْعَابِدِينَ وَ أَقْرَبُ النَّاسِ إِلَى الْجَنَّةِ وَ الرَّحْمَةُ الطَّائِعِ الْمُضْطَرُّ الَّذِي لَا بُدَّ لَهُ مِمَّا سَأَلَهُ وَ خُصُوصاً عِنْدَ نَفْوِذِ الصَّبْرِ.

و نیز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: که مریضی- زکاة بدن است، احسان زکاة نعمتهاست و هر نعمت که از آنان بدیگران احسان شود از نابود شدن در امانست و نگهداری از تغییر می شود و نیز فرمود که بخدا سوگند خدا نعمتی را از مردم نمیگیرد مگر بواسطه گناهی که کسب کرده اند پس ببندید نعمتها را به سپاسگزاری و نگاه داری به طاعت خدا و نیز فرمود **دعا کلید رحمت**، چراغ پارسایان، وسیله عشق عابدان است نزدیکترین مردم به اجابت دعا و رحمت پروردگار بیچاره ایست که ناچار است از دعا کردن بویزه آنگاه که شکیبائی را از دست داده.

حلال، دندان‌کلید است که کار اصلی را همان دندان‌انجام می‌دهد. یعنی اگر کسب حلال نباشد، دعا هم موضوعیت ندارد. همان طور که عرض شد، آخرین حد از کبار حدود هفتگانه صلاه که امام صادق علیه السلام برای ما شرح داده اند حد دعا است که وابسته به مسئله مکاسب است. همه ی این‌ها موردی که گفته شد، زیر ساخت تحقق صلاه است. شما نمی‌توانید این زیر ساخت‌ها را حذف کنید و بگویید که صلاه دارد اقامه می‌شود. پس در سوال دوم صلاه را تبیین می‌کنیم اما در سوال سوم زمینه تحقق صلاه و حدودش را بحث می‌کنیم.

۵. چهارمین پرسش دوره: ابزارهای امام جماعت برای پیاده سازی مفاهیم پایه چیست؟

حال ابزارهای یک امام جماعت برای پیاده سازی این مفاهیم در مسجد چیست؟ سوال سوم زیر ساخت‌های پیاده سازی بود اما در پرسش چهارم ابزارهای پیاده سازی را بحث می‌کنیم. این جا هم عرض خواهیم کرد که ابزارهای پیاده سازی چهار مورد هستند: تولید خبر، مباحثه و تضارب، تولید کتاب و چهارم نمونه سازی. ما به اینها چرخه چهار بخشی- تحریک فکر می‌گوییم^{۷۱}. این هم یک سر فصل است. چون بعضی‌ها برای تحقق صلاه به تصویب قانون فکر می‌کنند که ما در این سوال می‌گوییم نیازی به تولید قانون نیست. به جای تصویب قانون خبر تولید کنید. وقتی در یک جامعه درباره ی موضوعی خبر وجود داشته باشد، انسان‌ها به آن موضوع فکر می‌کنند و افکارشان تحت تاثیر اخبار قرار می‌گیرد. وقتی روایات مربوط به خبر را خواندم، می‌بینید که اگر در جامعه ای خبر وجود داشته باشد کارکرد قانون را دارد بلکه قوی تر از آن. بنابراین در این سوال شکل اجرا را بحث می‌کنیم؛ امام جماعت به جای تلاش برای ارائه لایحه و طرح قانونی، می‌گوید بخش خبر خودم را تقویت می‌کنم.

منبع: ارشاد القلوب ج ۱ ص ۱۵۰ / مستدرک الوسائل ج ۵ ص ۱۶۷ / بحار الأنوار ج ۹ ص ۳۰۰

۷۱. ارجاع پرورشی: چرخه تحریک فکر چیست؟

از یک حیث مهم‌ترین نظریه بخشی- فقه هدایت؛ چرخه چهار بخشی- تحریک فکر است. این نظریه بخشی- به سوال چگونگی تصمیم سازی (چگونگی مشورت) پاسخ می‌دهد! مرز باریکی میان تصمیم سازی و تحمیل تصمیم در یک جامعه وجود دارد و اگر "تحریک وعاء فکر مخاطب"، حذف و یا تضعیف شود؛ مدیران سطوح مختلف به سمت تحمیل به مخاطب، تمایل یافته اند! در چرخه چهار بخشی- تحریک فکر، مراحل تحریک فکر را در ۴ مرحله ۱- مدیریت خبر، ۲- مدیریت تضارب، ۳- مدیریت کتابت و ۴- مدیریت نمونه سازی مباحثه می‌کنیم. بهترین نظریات فقهی اگر در فضای چرخه چهار بخشی تحریک فکر مطرح نشوند؛ در فرایند تحقق آنها اختلال ایجاد می‌شود!

حجت الاسلام علی کشوری - ۹ ذوالحجه ۱۴۴۰ هجری قمری (روز عرفه) - قم مبارک

منبع: پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/1785>

برای مطالعه بیشتر در مورد "چرخه چهار بخشی تحریک فکر" به پیوست شماره یازده مراجعه فرمایید.

در بنیاد هدایت^{۷۷} شما باید برای بخش خبرتان خیلی برنامه ریزی کنید. بخش خبر یعنی چه؟ ابزار اصلی اینکه مردم بفهمند شما چه مفاهیمی دارید تولید خبر است که البته با کار رسانه ای متفاوت است. کسی تصور نکند که کار رسانه ای برابر با کار خبری مدنظر ماست. ان شاءالله روایاتش را می خوانم و تفاوت هایش را بحث می کنم؛ پس این هم یک سر فصل بحث است.

۶. پنجمین پرسش دوره: مجموعه اقدامات کاربردی یک مسجد کدامند؟

موضوع دیگر تصمیمات کاربردی یا اقدامات کاربردی یک مسجد است که این هم یک سر فصل مجزاست. حال که ابزارهای کار معلوم است، می پرسید به صورت عملی چه باید کرد؟

۶/۱. فروشگاه طبیات، معطر کردن مسجد و فراهم کردن امکان بازی کودکان در مسجد: چند نمونه از چهل اقدام عملی

بعد مثلا ما می گوئیم که مسجد شما باید فروشگاه طبیات^{۷۸} داشته باشد، باید عطر فراوانی در محیط مسجدتان منتشر شود^{۷۹}، حال چه از طریق درختان مثمر و معطر، چه از طریق عطرهای دست ساز. اصلا مسجد محل عطر است. می پرسید امام جماعت چه کار کند؟ می گوئیم امام جماعت باید بازی با

^{۷۷} ارجاع پرورشی: بنیاد هدایت موسسه ای خصوصی، چند منظوره و فرهنگی است. رییس سازمان تبلیغات کشور، رییس هیات امناء این مجموعه است که حمایت از فعالیتهای آن را در راستای اهداف سازمان می دانند. بنیاد هدایت تمام امکانات خود را بر ارتقاء و رشد تعداد مشخصی- از امامان مساجد سطح کشور متمرکز کرده است. این امامان منتخب در روستا (۳۵۰۰ نفر)، محله شهری (۱۰۰۰ نفر) و پایگاه فرهنگی و اجتماعی (۳۵۰ نفر) مشغول فعالیت هستند. بنیاد هدایت قصد دارد به لطف خدا این امامان را به اندازه ای رشد دهد که بتوانند به کمک مردم، مسائل محله خود را با استفاده از امکانات در دسترسشان حل کنند و در واقع از امام مسجد به امام محله تبدیل شوند. مهمترین ابزار بنیاد هدایت برای ارتقاء این عزیزان، شبکه راهیاری تبلیغی است (۴۳۵ نفر) که در کل کشور گسترده است. راهیار تبلیغی کسی- است که دغدغه اش تربیت و ارتقاء مبلغین در صحنه است و برای این کار از همه ابزار در دسترس خود به ویژه انواع مشاوره و ایجاد ارتباط بین امام و مجموعه های خدمت رسان بهره می برد.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی بنیاد هدایت (محل برگزاری جلسات)
<https://bonyadehedayat.com>

^{۷۸} ارجاع پژوهشی: قرآن کریم سوره مومنون آیه ۵۱: يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می دهید دانایم.

برای مطالعه بیشتر در مورد "طبیات" و نقش محوری آن در زندگی به پیوست شماره دوازده مراجعه فرمایید.

^{۷۹} ارجاع پژوهشی: مُحَمَّدٌ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى- عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعِطْرُ وَ أَخْذُ الشَّعْرِ وَ كَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ .

معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: سه چیز از سنت های پیامبران مرسل است: عطر زدن، کوتاه کردن مو و بسیاری همبستر شدن با زنان.

مصدر: الكافي ج ۵ ص ۳۲۰ / من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۳۸۲ / الخصال ج ۱ ص ۹۲ / تحف العقول ج ۱ ص ۴۴۲ / تهذيب الأحكام ج ۷ ص ۴۰۳ / دیگر منابع: وسائل الشيعة ج ۲ ص ۱۰۳ / عوالي اللئالي ج ۳ ص ۲۸۲ / الوافي ج ۲۱ ص ۲۸ / وسائل الشيعة ج ۲ ص ۲۴۱ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۴۱

عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ يُعْرِفُ مَوْضِعَ جَعْفَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمَسْجِدِ بِطَيْبِ رِيحِهِ وَ مَوْضِعَ سُجُودِهِ .

از حضرت رضا (علیه السلام): جای حضرت صادق در مسجد از بوی عطر و اثر سجده حضرت شناخته می شد.

منبع: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۴۲

برای مطالعه بیشتر در مورد عطر و اهمیت آن به پیوست شماره سیزده مراجعه فرمایید.

کودکان^{۸۰} را خودش مدیریت کند. در این سرفصل چهار اقدام کاربردی را بحث می کنیم. در این دوره بنده نمی رسم که این ها را شرح دهم و فقط فهرست اقدامات را می گویم.

امام جماعتی که مفاهیم پایه را می داند (حدود کبار)، به زیر ساخت های نه گانه هم توجه دارد، ابزار های اجرایی چهار بخشی- را هم مسلط است، از این به بعد باید وارد اقدامات عینی شود. مثلاً امام جماعت باید **تابلوی اعلانات** مسجد را خودش مدیریت کند. تابلوی اعلانات مسجد یعنی اخبار مسجد. یا به تعبیر امروزی ها خودش ادمین کانال مسجد باشد. خبر خیلی مسئله ی مهمی است و امام جماعت باید مدیریت خبر داشته باشد. پس طراحی تابلوی اعلانات برای مسجد یکی از اقدامات می شود. یکی از اقدامات دیگر **تامین مسئله اسباب بازی** برای مسجد است. دیده ام بعضی- از امام جماعت ها اسباب بازی های مدرن را خریداری می کنند در حالی که درباره اسباب بازی هم روایت داریم و باید همان ها را برای مساجد تهیه کنید. پس این هم می شود چهار اقدام اجرایی به عنوان پنجم.

۷. پرسش ششم دوره: نحوه تامین مالی مسجد چگونه باید باشد؟

سرفصل ششم نحوه تامین مالی مساجد است. بدیهی است که برای انجام این اقدامات نیاز به پول داریم. حال پرسش این است که چطور تامین مالی در مساجد اتفاق بیفتد؟

۷/۱. ارائه هشت راه حل فقهی تامین مالی از جمله وقف

اینجا بحث مهمی در اقتصاد داریم. بنده تقریباً هفت الی هشت روش تامین مالی فقهی را بحث خواهم کرد که مهم ترین آنها بحث **موقوفات** است^{۸۱}. بعد ان شاء الله اگر فرصتی بود گزارش موقوفات دوره **صفویه و قاجار** را ارائه می کنم تا عقب افتادگی علمای دوره فعلی به لحاظ تامین مالی، نسبت به علمای دوره صفویه قدری واضح شود. آنها از وقف چه درکی داشتند و چه استفاده ای می کردند و ما چه درکی داریم و چه استفاده ای می کنیم. پس این هم سرفصل نحوه تامین مالی مساجد.

^{۸۰} ارجاع پژوهشی: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّيْمَةُ نَفْسِكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أفلَحَ وَإِلَّا فإِنَّهُ مَمَّنٌ لَا حَيرَ فِيهِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: کودک خود را تا هفت سال ببازی رها کن، و هفت سال دیگر او را تحت تربیت و آموزش قرار ده، و هفت سال با خود همدم و همراز ساز پس اگر در صراط حق بود و از باطل گریزان و سعادت خود را دریافت که بسیار خوب و اگر نه چنین شد امید خیری در وجودش نخواهد بود.

مصدر: من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۴۹۲ / کافی ج ۶ ص ۴۶ / تهذيب الاحكام ج ۸ ص ۱۱۱
دیگر منابع: وافی ج ۲۳ ص ۱۳۷۹ / وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۴۷۴ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۲۲۲

^{۸۱} ارجاع پژوهشی: شرع اسلام سنت وقف را پذیرفته و برای تشویق مردم به آن روایات و حدیث های متعددی داریم و ثواب های فراوانی برای کسانی که به انجام آن همت بگذارند وعده داده شده است. در قرآن کریم کلمه ی وقف نیامده است، ولی عناوینی مترادف همچون صدقه، خیر، بر، انفاق، احسان در مواردی از قرآن آمده است، و هر یک از این عناوین بر وقف صدق می کند، زیرا وقف، هم صدقه است و هم بر است.

۸. کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد چگونه باشد؟

سر فصل آخر هم معرفی کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مساجد است^{۸۲}. برای پشتیبانی مفهومی از مسجدی که می خواهد ساختار اداره کننده جامعه باشد نیازمند کتابخانه هستیم. یعنی باید کتابخانه تخصصی- که فقط درباره ی مسجد بحث کرده باشد، برای ائمه جمعه و جماعت تشکیل بشود. همین طور تشکیل حوزه علمیه ای که امامان جمعه و جماعات و امامان بازار آینده را تربیت کند؛ این هم هفتمین سر فصل است.

۸/۱. ارتقای درک از جایگاه مسجد در نتیجه پرداختن به این هفت پرسش

با این عناوین هفت گانه درک از مسجد را در ذهن ها ارتقا می دهیم. یعنی مسجدی که به نظر بنده متوجه این هفت محور باشد، به بخشی- از الگوی اداره جامعه تبدیل شده و ایفای نقش می کند. برای همین هم امام جماعتی که دائما مسائل را حل و چالش ذهنی دارد، باید یک کتابخانه تخصصی- در دسترس داشته باشد. چگونگی کتابخانه، نحوه تشکیل و ویژگی هایش را هم توضیح خواهم داد.. پس ببینید بنده ساختار اصلی بحث را محضر- شما مطرح کردم. در طول این ده جلسه ای که محضر- شما هستیم_ که ممکن است یکی دو جلسه هم اضافه شود_ یک سوال مادر را جواب می دهیم که عبارت است از چگونگی ارتباط مسجد و اداره جامعه. بعد برای تبدیل مسجد به ساختار اداره کننده جامعه، هفت پرسش سازنده را بحث می کنیم. آن محورهای اصلی عبارتند از: روش استنباط، مفاهیم پایه صلاة، ساختار خدمات مسجد (که همان زیرساخت های نه گانه می شود)، ساختار خدمات کاربردی مسجد یا همان اقدامات چهل گانه، ابزار های امام جماعت برای مدیریت (که عرض کردیم امام جماعت چهار ابزار دارد)، شیوه تأمین مالی مسجد، کتابخانه و حوزه علمیه پشتیبان مسجد. از نظر ما مسجدی که امام و متولیانش به

^{۸۲} ارجاع پرورشی: نمایشگاه تخصصی مسجد و اداره جامعه به زودی افتتاح می شود! در حال راه اندازی یک نمایشگاه مفهومی برای "تبیین ارتباط مسجد و اداره جامعه" هستیم. هدف این نمایشگاه ارتقای درک مسئولین و نخبگان از کارکردهای بی بدیل مسجد است.

در نمایشگاه مفهومی "مسجد و اداره جامعه" به ۷ پرسش اساسی زیر درباره مسجد پاسخ داده می شود:

- ۱- قواعد اصولی استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد و صلات کدام است؟
- ۲- مفاهیم پایه اداره مسجد چیست؟
- ۳- ساختار خدمات قابل ارائه در مسجد کدام است؟
- ۴- برنامه های اجرایی مساجد تمدن ساز کدام است؟
- ۵- ابزارهای ارتباطی و اجرایی یک مسجد کدام هستند؟
- ۶- روش های تأمین مالی برای یک مسجد تمدن ساز کدام است؟
- ۷- کارکرد کتابخانه تخصصی پشتیبان مسجد و مدرسه علمیه یک مسجد کدام است؟

مهمترین بخش نمایشگاه تخصصی مسجد و اداره جامعه، کتابخانه تخصصی مسجد است؛ که در آن ۹ دسته کتاب در اختیار امام جماعت و مسئولین مسجد قرار می گیرد. کتابخانه تخصصی- مسجد و اداره جامعه، کتاب های مرتبط با ۱- مفهوم امامت، ۲- مفهوم علم، ۳- مفهوم تزکیه، ۴- مفهوم مکاسب، ۵- مفهوم عبرت، ۶- مفهوم نظم، ۷- مفهوم فرقان، ۸- مفهوم بیان و ۹- مفهوم نفی سبیل را عرضه و منتشر می کند!

در یک فرآیند تکاملی و تدریجی برای پشتیبانی از مساجد اعظم و مساجد بازار و مساجد محلات یک شهر، یک مدرسه علمیه چابک در محل مسجد اعظم طراحی و تأسیس می شود.

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

این هفت پرسش توجه دارند، دیگر مسجد را یک ساختار فرعی در کنار ساختارهای دیگر اداره کننده جامعه نمی دانند. مسجد در نگاه آنها به ساختار اصلی اداره تبدیل شده است. پس این ها را ان شاء الله در جلسات آینده شرح خواهم داد.

والحمد لله رب العالمین.

پیوست‌ها

پیوست شماره یک: مسجد

بخش اول: آیات

۱. يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.
ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بپوشید و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد. سوره اعراف آیه ۳۱

۲. قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ.

بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید. سوره اعراف آیه ۲۹

۳. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى. الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ.

منزه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی- که پیرامون آن را برکت داده ایم سیر داد تا از نشانه های خود به او بنمایانیم که او همان شنوای بیناست. سوره اسراء آیه ۱

۴. لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ.

هرگز در آن جا مایست چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی [و] در آن مردانی اند که دوست دارند خود را پاک سازند و خدا کسانی را که خواهان پاکی اند دوست می‌دارد. سوره توبه آیه ۱۰۸

۵. وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ.

و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلا با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعا دروغگو هستند. سوره توبه آیه ۱۰۷

۶. وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجْتُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ.

و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید و همان گونه که شما را بیرون راندند آنان را بیرون برانید [چرا که] فتنه [=شرك] از قتل بدتر است [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند پس اگر با شما جنگیدند آنان را بکشید که کیفر کافران چنین است. سوره بقره آیه ۱۹۱

۷. وَمِنْ حَيْثُ حَزَبْتَ قَوْلًا وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلِأْتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ.

و از هر کجا بیرون آمدی [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجد الحرام بگردان و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید تا برای مردم غیر از ستمگانشان بر شما حجتی نباشد پس از آنان نترسید و از من بترسید تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم و باشد که هدایت شوید. سوره بقره آیه ۱۵۰

۸. وَكَذَلِكَ أَعِزَّنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ مِنْهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا. و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع میکردند پس [عده ای] گفتند بر روی آنها ساختمانی بنا کنید پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند حتما بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد. سوره کهف آیه ۲۱

۹. أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.

آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند [نه این دو] نزد خدا یکسان نیستند و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. سوره توبه آیه ۱۹

۱۰. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَزِدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا وَمَنْ يَزِدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

از تو در باره ماهی که کارزار در آن حرام است می پرسند بگو کارزار در آن گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و باز داشتن از مسجد الحرام [=حج] و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناهی] بزرگتر و فتنه [=شرك] از کشتار بزرگتر است و آنان پیوسته با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند

آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباہ می شود و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.
سوره بقره آیه ۲۱۷

بخش دوم: روایات

۱. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: أَلَا إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَرْوَرِ كَرَامَةَ الرَّائِرِ أَلَا بَشِّرِ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ .

عبد الله بن جعفر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند متعال به بندگان خود فرموده است که: مساجد، خانه‌های من در روی زمین هستند، که در نظر اهل آسمان می‌درخشند بسان درخشش ستارگان برای ساکنان زمین، خوشا به حال آن بنده من که مساجد (خانه‌های من) خانه‌های او باشند، خوشا بر آن بنده‌ای که در خانه خود وضو بسازد و مرا در خانه خودم (مسجد) زیارت کند که گرامی داشتن میهمان بر صاحب خانه لازم و واجب است؛ به آنان که در تاریکی شب به طرف خانه‌های من (مساجد) قدم بر می‌دارند بشارت باد که در روز قیامت با نوری درخشان در صف محشر - حضور خواهند یافت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۴۷ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۲۸

دیگر منابع: عوالمی اللئالی ج ۱ ص ۳۵۱ / وسائل الشیعة ج ۱ ص ۳۸۱ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۱۴

۲. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ وَ حُرُزُ مِنَ الشَّيْطَانِ.

مساجد مجالس پیامبران اند و حفاظت گاه از شیطان

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۶۳

۳. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لَأَكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ فَقَالَ لَا تَكْرَهُهُ فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيِّ قُتِلَ فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَّةٌ مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا فَأَدَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَ النَّوَافِلَ وَ أَقْضَى فِيهَا مَا فَاتَكَ.

راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من نماز خواندن در مساجد آنان (اهل سنت) را دوست ندارم.

فرمود: چنین مباش؛ زیرا هیچ مسجدی نیست مگر آن که بر قبر پیامبر، یا وصی پیامبری ساخته شده است که او در آنجا شهید شده و از خون او بر آن بقعه پاشیده شده است. خداوند دوست دارد که در آنجا یاد شود، پس نمازهای فریضه و نافله خود را در آنجا به جای آور و آنچه از تو قضا شده در آنجا بخوان.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۳۷۰ / تهذیب الاحکام ج ۳ ص ۲۵۸
دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۴۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۲۵ / الفصول المهمه ج ۲ ص ۸۲ / بحارالانوار ج ۱۴ ص ۴۶۳

۴. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جَاءَ أَعْرَابِيٌّ مِنْ بَنِي عَامِرٍ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ عَنْ شَرِّ بَقَاعِ الْأَرْضِ وَ خَيْرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «شَرُّ بَقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَاقُ وَ هِيَ مَيْدَانُ إِبْلِيسَ يَغْدُو بِرَأْيَتِهِ وَ يَضَعُ كُرْسِيَّهٖ وَ يَبْتُ ذُرِّيَّتَهُ فَبَيْنَ مُطْفَفٍ فِي قَفِيْزٍ أَوْ طَائِشٍ فِي مِيزَانٍ أَوْ سَارِقٍ فِي ذُرْعٍ أَوْ كَاذِبٍ فِي سِلْعَةٍ فَيَقُولُ عَلَيْكُمْ بِرَجُلٍ مَاتَ أَبُوهُ وَ أَبُوكُمْ حَيٌّ فَلَا يَزَالُ مَعَ ذَلِكَ أَوْلَى دَاخِلٍ وَ آخِرَ خَارِجٍ» ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «وَ خَيْرُ الْبَقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْلَاهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا».

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: مردی بیابان نشین از بنی عامر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از آن حضرت پرسید: بدترین مکانهای زمین کجاست و بهترین جایهای آن کجا؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین مکانهای زمین محل های خرید و فروش اجناس و اُمتعه است، و آنجا میدان مسابقه ابلیس است؛ هر بامداد با پرچم خویش حرکت کرده تخت فرمانروائی خود را در سوق استوار می کند و ذراری خویش را به هر سو گسیل می دارد و آنان از این چند قسم خارج نیستند، یا مأمور کاستن پیمانانه هستند، یا مأمور کم فروشی در میزان و سنجش، یا دزدی در ذرع پارچه و دروغزنی در وصف کالا و متاع و غیره و فرزندانش را سفارش می کند و می گوید: بر شما باد به آنکه پدرش مرده و شما پدرتان زنده است (یعنی بنی آدم که پدرشان مرده و شما که پدرتان من هستم و اکنون زنده ام) پس او را بفریبید. و هر روزه همین کار اوست، اولین کسی که وارد بازار می شود و آخرین کسی است که از بازار خارج می گردد، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و بهترین مکانهای زمین مساجد است، و محبوبترین مردم نزد خداوند عزیز آن کس است که زودتر از همه داخل می شود و از همه دیرتر بیرون می رود. شرح: «سوق و بازار هر کجا که محلّ خرید و فروش است می باشد و اختصاص به بازار معروف نزد ما ندارد و همه مغازه داران بازاری هستند و همه کسبه خیابانها جزء اهل سوق محسوبند.

مصدر: من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۹۹ / معانی الاخبار ج ۱ ص ۱۶۸
دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹۳ / بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۹۷

۵. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا نَزَلَتْ الْعَاهَاتُ وَالْأَقَاتُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ.

زمانی که بلاها و مصیبتها نازل می شوند اهالی مساجد در امانند.

منبع: مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۳۵۶ / الاشعثیات ج ۱ ص ۳۹

۶. أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْ لَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَمَسَاجِدِي الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لِأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي.

پدرم رحمة الله عليه، از عبد الله بن جعفر، از هارون بن مسلم، از سعده بن صدقه، از حضرت جعفر بن محمد عليه السلام، حضرت فرمود: پدرم عليه السلام فرمود: امیر المؤمنین عليه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند جل جلاله هنگامی که ببیند اهل قریه‌ای در معاصی اسراف و زیاده روی می‌کنند و حال آنکه در بین ایشان سه نفر از اهل ایمان می‌باشند آنان را خوانده و می‌فرماید: ای اهل عصیان اگر میان شما مؤمنینی که مشتاق جلال من هستند و با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد نموده و در سحرها از خوف من استغفار و طلب آمرزش می‌کنند نبودند عذابم را بر شما فرو می‌فرستادم و باکی هم نداشتم.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۲۴۶ / الامالی للصدوق ج ۱ ص ۱۹۶

دیگر منابع: روضه الواعظین ج ۲ ص ۲۹۲ / وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۹۲ / بحار الانوار ج ۷۰ ص ۳۸۱

۷. أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ ، عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) ، عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : أَوَّلُ عُنْوَانِ صَحِيفَةِ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدَ مَوْتِهِ مَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ، إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرٌ، وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ، وَ أَوَّلُ نُحْفَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يُغْفَرَ لَهُ وَ لِمَنْ تَبِعَ جَنَازَتَهُ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدَهَا، وَ مِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبَهَا. يَا فَضْلُ ، إِنَّهُ لَا يَزِجُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ ، وَ إِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيُصْرَفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءٌ الدُّنْيَا، وَ إِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). قَالَ: ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَايِدَةً بَعْدَ فَايِدَةِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ). ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، لَا تَزْهَدُوا فِي فَقْرَاءِ شِيعَتِنَا ، فَإِنَّ الْفَقِيرَ مِنْهُمْ لَيَسْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي مِثْلِ رِبْعَةٍ وَ مُصْرَةٍ. ثُمَّ قَالَ: يَا فَضْلُ ، إِنَّمَا سُمِّيَ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا لِأَنَّهُ يُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ فَيَجِيزُ اللَّهُ أَمَانَهُ. ثُمَّ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ (تَعَالَى) يَقُولُ فِي أَعْدَائِكُمْ إِذَا رَأَوْا سَفَاعَةَ الرَّجُلِ مِنْكُمْ لِصِدْقِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ».

فضل بن عبد الملك می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: ابتدای عنوان نامه اعمال انسان مؤمن پس از مرگش سخنانی است که مردم درباره او می‌گویند، اگر نیکی ذکر شود پس [سرنوشت او] به نیکی است و اگر بدی ذکر شود پس [سرنوشت او] به بدی است. نخستین

هدیه انسان مؤمن این است که خود و هر آن کس که جنازه‌اش را تشییع می‌کنند آمرزیده شوند. سپس فرمود: ای فضل! از هر قبیله‌ای جز پشیزان آن و از هر خانواده‌ای جز انسان‌های نجیب به مسجد نمی‌آیند. ای فضل، به مسجدروندگان با کمتر از سه خصوصیت از مسجد باز نمی‌گردند؛ یا به دعایی که با آن خدا را می‌خوانند و خدا به خاطر آن ایشان را در بهشت داخل می‌سازد و یا دعایی که با آن خدا را می‌خوانند تا خدا به وسیله آن آفات دنیا را از ایشان دور نماید و یا برادری که در راه [رضایت و قرب] خداوند از او بهره می‌برند؛ سپس فرمود: انسان مسلمان پس از بهره‌آساز اسلام از هیچ چیز، چون برادری که در راه خدا از او بهره می‌برد استفاده نکرده است. سپس فرمود: ای فضل! شیعیان فقیر ما را کوچک شمارید. همانا شیعیان فقیر ما در روز قیامت در همچون ربیعه و مضر شفاعت می‌کنند.

سپس فرمود: ای فضل! همانا مؤمن به این نام نامیده شد چون خدا را امان خود قرار می‌دهد و خداوند امان او را می‌پذیرد؛ سپس فرمود: آیا نشنیده‌ای که خداوند بلندمرتبه درباره دشمنان شما هنگامی که شفاعت یکی از شما برای دوستش را در روز قیامت می‌بینند، می‌گوید: «پس برای ما شفاعت‌کننده و دوستی نزدیک وجود ندارد.» [شعراء: آیه ۱۰۰-۱۰۱]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۴۶

دیگر منابع: بشارة المصطفی (ص) ج ۱ ص ۷۲ / تفسیر البرهان ج ۴ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۷۵ ص ۱۹۵

پیوست شماره دو: فقه البیان

مطلب اول:

قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ / تعبد مبتنی بر تفکر خواسته قطعی شارع است!

قواعد اصولی فقه البیان زمینه ساز برای استنباط جنبه های تحریک کننده فکر شارع است. بخشی- از جنبه های تحریک کننده فکر در ادبیات شارع، جنبه های توصیفی شارع و جنبه های علل الشرائعی شارع است. همچنین شکل بیان شارع مهمترین جنبه تحریک کننده فکر در بیان شارع محسوب می شود. قواعد اصولی فقه البیان به سه دسته قاعده کلی تقسیم می شود:

بخش اول قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد بیان مبتنی بر ظرفیت و گروه قواعد بیان مبتنی بر تأمل) به تشریح مفهوم سؤال و تأمل در بیان شارع می پردازد. شارع محترم، سوال حسن و نیکو را نصف علم و مفتاح علم و آغاز کننده تفکر می داند. فقاقت از فهم پرسش های شارع شروع می شود.

بخش دوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی مُکث) به تحلیل مسئله پاسخ و راه حل از منظر شارع می پردازد. تبیین مفهوم تنزیل در کنار مفهوم تأویل، تشریح مفهوم ظاهر در کنار مفهوم باطن بخشی- از مباحث بیان مبتنی بر مُکث است. همچنین تحلیل ابعاد تنزیل، تأویل و تحلیل ابعاد باطن و ظاهر بخش دیگری از مباحث این بخش است. مهمترین بخش بیان مبتنی بر مُکث، تحلیل ابعاد ظاهر و نص از منظر شارع است. بیان شارع در بخش ظاهر، حداقل دارای سه بُعد ثابت (تصویر)، تحلیل (تعریف) و پردازش (تصمیم) است.

بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان (گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر مقایسه، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر رفق، گروه قواعد اصولی بیان مبتنی بر منزلت، گروه قواعد اصولی مبتنی بر انفتاح، گروه قواعد اصولی مبتنی بر سیاق و گروه قواعد اصولی مبتنی بر کمیت) به تعمیق ۶ بعدی بیان شارع حکیم می پردازد. بخش سوم قواعد اصولی فقه البیان به سفرهای فکری شارع معروف است و در واقع ۶ جنبه تحریک کننده فکر، در بیان شارع را توصیف می کند.

رساله های عملیه و علمیه را در موضوعات مختلف، مبتنی بر این ساختار، استنباط و بیان می کنیم و معتقد هستیم؛ اینگونه از بیان، تحریک فکر و درایه بیشتری را برای مردم عزیز تأمین می کند. اساساً ارتقای امثال مکلف، وابسته به میزان تدبر و میزان درایه مکلف در بیان و تقدیر شارع است. در استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد از قواعد فقه البیان بهره برده ایم.

حجت الاسلام علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) - تبیین روش استنباط از آیات و روایات مرتبط با مسجد - سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۴۰۲ - قم

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب دوم:

تعریف ساده از فقه البیان

فقه البیان شامل: ۹ دسته قاعده اصولی است؛ که روش و اسلوب استنباط و استنطاق از وحی را توضیح می دهد. به عبارت بهتر: استنطاق از وحی باید ۱- مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- مبتنی بر تأمل، ۳- مبتنی بر مقایسه، ۴- مبتنی بر مُکث، ۵- مبتنی بر رفق، ۶- مبتنی بر منزلت، ۷- مبتنی بر انفتاح، ۸- مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- مبتنی بر کمیت و عدد، تعریف شود.

مهمترین باب از ابواب فقه البیان، مباحث باب پیشرفته بیان مبتنی بر تأمل است؛ زیرا آغاز و مفتاح علم، شرح صحیح پرسش و ایجاد "سؤال خوب" در ذهن مخاطب است. تبیین روش موضوع شناسی از مباحث این باب است.

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4>

مطلب سوم:

درباره منابع فقه البیان

بعد از تتبع جدی در آیات و روایات، ۱۳ دسته آیه و روایت با موضوع روش مطالعه و تدبر و تفقه در ادبیات وحی را جمع آوری کرده ایم. این مجموعه را با نام آیات و روایات روشی نام گذاری کرده ایم و آن را منبع کشف روش و قواعد اصولی تفقه قرار داده ایم!

وجود این ۱۳ دسته از آیات و روایات نشان می دهد؛ که زبان شارع تأسیسی است و نباید تصور نمود که قواعد زبانی شارع عرفی، عقلی و عقلایی تحلیل می شوند. البته تأکید داریم: قواعد تأسیسی شارع در حوزه بیان و زبان، بیان شارع را برای همه عرف ها و همه سطوح عقل قابل درک کرده است.

ویژگی اصلی زبان شارع، "تحریک فکر مخاطب" است و در پنج سطح ۱- مدیریت تاملات، ۲- مدیریت تعقل، ۳- مدیریت تدبر، ۴- مدیریت تجرب و ۴- مدیریت تفقه، به تحریک فکر افراد می پردازد. شارع محترم با تحریک فکری پنج بعدی (استنباط مدرسه هدایت) به ایجاد پدیده مترقی نظم اختیاری در جامعه کمک می کند! بیان فقه، حقوقی و دستوری محض نیست و خصلت بارزش تفکرآفرینی آن است.

چهار محور از آیات و روایات روشی به تبیین ویژگی های بیان شارع از جمله ویژگی "جوامع الکلام" و ویژگی عدم تناقض در کلمات شارع و روش آماده سازی قلوب برای فهم این کلمات می پردازد! محورهای دیگر این آیات و روایات روشی به تبیین ویژگی های بیان شارع در ۹ بخش ۱- ابتناء بیان شارع بر ظرفیت، ۲- ابتناء بیان شارع بر تأمل، ۳- ابتناء بیان شارع بر مُکث، ۴- ابتناء بیان شارع بر مقایسه، ۵- ابتناء بیان شارع بر رفق، ۶- ابتناء بیان شارع بر منزلت، ۷- ابتناء بیان شارع بر انفتاح، ۸- ابتناء بیان شارع بر سیاق و پیش فرض و ۹- ابتناء بیان شارع بر کمیت و عدد می پردازد.

حجت الاسلام علی کشوری، گفتگو با جمعی از طلاب مدرسه هدایت درباره منابع استنباطی فقه البیان - سه شنبه ۹ اسفند قم

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5098>

مطلب چهارم:

قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟

وقتی در حال استنباط احکام و فرائض هستیم و یا وقتی در حال استنباط و "کشف جمع دلالتی شارع" درباره هر موضوع دیگری هستیم؛ باید جنبه های تحریک کننده فکر و مستدل شارع درباره آن موضوع را هم استنباط نمائیم. به عبارت دیگر: بیان مولای شارع با بیان مولای عرفی از زمین تا آسمان تفاوت دارد و یکی از تفاوت های آن تبیین جنبه های فکری و استدلالی در زبان مولای شارع است. با بررسی دقیق آیات و روایات به این نتیجه می رسیم: که خروجی استنباط فقیه نباید بیانی صرفاً حقوقی داشته باشد!

علم اصول فقه باید قواعدی را در اختیار فقیه قرار بدهد؛ که استنباط مبتنی بر تحریک فکر را تمهید نماید و به صورت تفصیلی ویژگی های تحریک کننده زبان شارع در استدلال و تحریک فکر را تشریح کند. اساس زبان شارع را زبان تحریک فکر می دانیم و معتقدیم مهره اول علم اصول باید تئوریزه کردن مسئله تفکر در آیات و روایات را متکفل شود. (پنج نوع تفکر را از روایات و آیات استنباط کرده ایم)

فهم تفصیلی مسئله تفکر و خطاهای متصور در حوزه فکر (مانند خطای بزرگ عدم مکث در بیان) بر وقوع خارجی قطع، ظن و شک تاثیر گذار است و در واقع تعریف جدیدی از مناسک و روش های پیدایش حالات ثلاثه برای مکلف فقیه و مکلف غیر فقیه تصویر می شود!

در بسته اصولی فقه البیان: علاوه بر تئوریزه کردن ابتدای اصول فقه بر مسئله تحریک فکر، به تبیین هسته اصلی تفکر از منظر وحی و اثر آن بر قطع و ظن و تبیین ساختار توسعه فکر (سفرهای فکری فقیه) پرداخته ایم! (توسعه فقه و قواعد ممهده آن شیعه را از همه دستگاه های عقلانی بی نیاز می کند!)

حجت الاسلام علی کشوری- قواعد اصولی فقه البیان چه می گوید؟ - یکشنبه ۲ بهمن ۱۴۰۱ - قم

منبع: کانال اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا

<https://eitaa.com/olgou4/5009>

پیوست شماره سه: صلاة

بخش اول: آیات

۱. فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا.

و چون نماز را به جای آوردید خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده یاد کنید پس چون آسوده خاطر شدید نماز را [به طور کامل] به پا دارید زیرا نماز بر مؤمنان در اوقات معین مقرر شده است. سوره نساء آیه ۱۰۳

۲. اِنَّ مَا اَوْحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَاَقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ اَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ.

آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می داند چه می کنید. سوره عنکبوت آیه ۴۵

۳. اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكٰوةَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ.

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. سوره بقره آیه ۲۷۷

۴. لَيْسَ الْبِرُّ اَنْ تُوْلُوْا وُجُوْهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّنَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ وَاَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكٰوةَ وَالْمُوفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْا وَالصّٰبِرِيْنَ فِي الْبَآْسَاءِ وَالصَّرِيْءِ وَحِيْنَ الْبَآْسِ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ.

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی- به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفاداراند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند. سوره بقره آیه ۱۷۷

۵. وَالَّذِيْنَ يُمَسِّكُوْنَ بِالْكِتَابِ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ اِنَّا لَا نُضَيِّعُ اَجْرَ الْمُصْلِحِيْنَ.

و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ درمی زنند و نماز برپا داشته اند [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباہ نخواهیم کرد. سوره اعراف آیه ۱۷۰

۶. إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا.

منافقان با خدا نیرنگ می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند. سوره نساء آیه ۱۴۲

۷. وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ.

و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید آنگاه جز اندکی از شما [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید. سوره بقره آیه ۸۳

۸. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. سوره توبه آیه ۷۱

۹. الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. سوره حج آیه ۴۱

۱۰. رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ.

مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دلها و دیده‌ها در آن زیور می‌شود می‌هراسند. سوره نور آیه ۳۷

بخش دوم: روایات

۱. الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مِزْدَاسٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَىٰ وَ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عَمَّارِ السَّابَاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّمَا أَفْضَلُ الْعِبَادَةُ فِي السِّرِّ- مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الْمُسْتَتِرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ أَوِ الْعِبَادَةُ فِي ظُهُورِ

الْحَقِّ وَ دَوْلَتِهِ مَعَ الْإِمَامِ مِنْكُمْ الظَّاهِرِ فَقَالَ يَا عَمَّارُ الصَّدَقَةُ فِي السِّرِّ - وَاللَّهِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ وَ كَذَلِكَ وَ اللَّهُ عِبَادَتُكُمْ فِي السِّرِّ - مَعَ إِمَامِكُمْ الْمُسْتَتِرِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ تَحَوُّفُكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ وَ حَالِ الْهُدْنَةِ أَفْضَلُ مِمَّنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ذِكْرُهُ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ مَعَ إِمَامِ الْحَقِّ الظَّاهِرِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ مَعَ الْخَوْفِ فِي دَوْلَةِ الْبَاطِلِ مِثْلَ الْعِبَادَةِ وَ الْأَمْنِ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ اعْلَمُوا أَنَّ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ الْيَوْمَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ مُسْتَتِرٍ بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَفْتِهَا فَاتَمَّتْهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْسِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً فِي جَمَاعَةٍ وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً فَرِيضَةً وَ حُدَّه مُسْتَتِرًا بِهَا مِنْ عَدُوِّهِ فِي وَفْتِهَا فَاتَمَّتْهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا لَهُ خَمْسًا وَ عَشْرِينَ صَلَاةً فَرِيضَةً وَ حُدَّانِيَّةً وَ مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ صَلَاةً نَافِلَةً لَوْفَتْهَا فَاتَمَّتْهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عَشْرَ صَلَوَاتٍ نَوَافِلَ وَ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ حَسَنَةً كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِهَا عَشْرِينَ حَسَنَةً وَ يُضَاعَفُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَسَنَاتِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا أَحْسَنَ أَعْمَالَهُ وَ دَانَ بِالتَّقِيَّةِ عَلَى دِينِهِ وَ إِمَامِهِ وَ نَفْسِهِ وَ أَمْسَكَ مِنْ لِسَانِهِ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَرِيمٌ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ وَ اللَّهُ رَغَبْتِي فِي الْعَمَلِ وَ حَثَّتْنِي عَلَيْهِ وَ لَكِنْ أُحِبُّ أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ صِرْنَا نَحْنُ الْيَوْمَ أَفْضَلَ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الظَّاهِرِ مِنْكُمْ فِي دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ نَحْنُ عَلَى دِينٍ وَاحِدٍ فَقَالَ إِنَّكُمْ سَبَقْتُمُوهُمْ إِلَى الدُّخُولِ فِي دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِلَى الصَّلَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ وَ فِئِهِ وَ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ سِرًّا مِنْ عَدُوِّكُمْ مَعَ إِمَامِكُمْ الْمُسْتَتِرِ مُطِيعِينَ لَهُ صَابِرِينَ مَعَهُ مُنْتَظِرِينَ لِدَوْلَةِ الْحَقِّ خَائِفِينَ عَلَى إِمَامِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ مِنَ الْمُلُوكِ الظَّلْمَةِ تَنْتَظِرُونَ إِلَى حَقِّ إِمَامِكُمْ وَ حُقُوقِكُمْ فِي أَيْدِي الظَّلْمَةِ قَدْ مَنَعُوكُمْ ذَلِكَ وَ اضْطَرُّوكُمْ إِلَى حَرْثِ الدُّنْيَا وَ طَلَبِ الْمَعَاشِ مَعَ الصَّبْرِ عَلَى دِينِكُمْ وَ عِبَادَتِكُمْ وَ طَاعَةِ إِمَامِكُمْ وَ الْخَوْفِ مَعَ عَدُوِّكُمْ فَبِذَلِكَ ضَاعَفَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَكُمْ الْأَعْمَالَ فَهَنِيئًا لَكُمْ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا تَرَى إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ وَ يَظْهَرُ الْحَقُّ وَ نَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَ طَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ وَ الْعَدْلِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَقُّ وَ الْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْضِهِ وَ نُقَامَ حُدُودَهُ فِي خَلْقِهِ وَ يَرِدَ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيَظْهَرُ حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ أَمَا وَ اللَّهُ يَا عَمَّارُ لَا يَمُوتُ مِنْكُمْ مَيِّتٌ عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا كَانَ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ كَثِيرٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ فَأَبْشِرُوا .

-عمار سبابطی گوید: به امام صادق(علیه السلام) گفتم: کدام بهتر است، عبادت پنهانی با امام بر حق از شماها در دولت باطل یا عبادت عیانی در ظهور حق و دولت حق با امام آشکارا از شماها؟ در جواب فرمود: ای عمار! صدقه نهانی به خدا بهتر است از صدقه عیانی و همچنین- به خدا- عبادت نهانی شما با امام در پرده خودتان در حال دولت باطل و ترس شما از دشمن خود در زمان تسلط باطل و در حال هدنه بهتر است از کسی که خدا عز و جل را در ظهور حق با امام حق آشکار و در دولت حق عبادت می کند، عبادت با ترس در دولت باطل مانند عبادت در حال آسایش و در دولت حق نیست. بدانید هر کدام شماها امروز يك نماز جماعت بخواند در پنهانی از دشمن خود و آن نماز در وقت باشد و کامل ادا شود خدا ثواب پنجاه نماز واجب که به جماعت خوانده شود برای او بنویسد و هر کدام شماها يك نماز واجب را پنهان از دشمن خود بخواند و آن را کامل ادا کند، خدا ثواب بیست و پنج نماز واجب که به فردای خوانده شود برایش بنویسد و هر کدام از شماها نماز نافله ای را در وقتش بخواند و کامل ادا

کند خدا ثواب ده نماز نافله را به او عطا کند و هر کدام از شماها حسنه‌ای انجام دهد خدا عز و جل به او ثواب بیست حسنه بدهد و خدا باز هم دو چندان کند حسنات مؤمن از شماها را وقتی کارهای خود را خوب بکند و طبق تقیه و حفظ دینش و امامش و خودش انجام دهد و زیانش را نگهدارد بلکه به اضعاف مضاعف اجر دهد، به راستی خدای عز و جل کریم است. گفتم: قربانت به خدا مرا به عمل تشویق کردی و بر آنواداشتی ولی دوست دارم که بدانم چطور ما امروز کردارمان بهتر است از کردار اصحاب و یاران امام ظاهر و آشکارا از شما در زمان دولت حق با این که ما یک مذهب و یک دین داریم؟ فرمود: برای این که شما بدانها پیشی- گرفتید در دخول به دین خدا عز و جل و به ادای نماز و روزه و حج و نسبت به هر کار خوبی و هر فهم مسأله‌ای و به عبادت خدا عز و جل در پنهانی از دشمن خود با امام مستتر، در حالی که مطیع او هستید و با او شکیبائی کنید و در انتظار دولت حق به سر برید و در حالی که بترسید بر امام خود و بر خویشتن از ملوک ستم کار، شما به چشم خود نگاه کنید که حق امام شما و حق خود شما در دست ستمکاران است، آنها جلو شما را گرفته‌اند و دارائی شما را برده‌اند و شما را ناچار کرده‌اند به کشت و کار و تلاش برای گذران و خرج دنیا و طلب معاش زندگی و صبر بر دین داری خودتان و عبادت مخصوص به خودتان و اطاعت از امام خودتان با بیم از دشمن برای این است که خدا عز و جل اعمال شما را چندین برابر کند، گوارا باد بر شما. من گفتم: قربانت چه می‌فرمائید که ما از یاران امام قائم (علیه السلام) باشیم و دولت حق به رهبری او ظاهر شود، با این که امروزه در سرپرستی امامت شما هستیم و در اطاعت شما، و اعمال ما از یاران دولت حق و عدالت برتر است. فرمود: سبحان الله شما دوست ندارید که خدا تبارک و تعالی حق و عدل را در همه بلاد ظاهر کند و کلمه همه مردم را یککند و دل‌های مختلفه را با هم در آمیزد و مهربان سازد و مردم خدا عز و جل را نافرمانی نکنند در زمین او و حدود و مقرراتش بر همه خلقش مجری شود و خدا حق را به اهلش برگرداند و آشکار شود تا آن که هیچ حقی از ترس خلقی زیر پرده نهان نماند، به خدا ای عمار هیچ کس از شما شیعه در این وضع حاضر که شما در آن به سر می‌برید نمیرد جز آن که نزد خدا برتر است از بسیاری شهیدان جبهه بدر و اُحد، مرده باد شما را.

مصدر: الکافی ج ۱ ص ۳۳۳/ کمال الدین و تمام النعمه ج ۲ ص ۶۴۵

دیگر منابع: الوافی ج ۲ ص ۴۳۸/ وسائل الشیعه ج ۱ ص ۷۷/ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۷

۲. عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ لَيْسَ مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُسْكَرًا لَا يَرُدُّ عَلَيَّ الْحَوْضَ لَا وَاللَّهِ .

زراره گوید: امام باقر علیه السلام فرمود:

نماز خود را سبک مشمار، چرا که رسول خدا صلی الله علیه و اله به هنگام وفات خویش فرمود: هر کس نماز خود را سبک شمارد، از من نیست و هر کس نوشابه مست کننده‌ای بنوشد، از من نیست و در کنار حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد. هرگز! به خدا سوگند!

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۶۹

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۴ ص ۲۳ / الوافی ج ۷ ص ۵۰

۳. وَ عَنْهُ ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ صَدَقَةَ ، عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، عَنْ أَبِيهِ ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ، عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) : لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تَحَابُّوا ، وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ، وَ آتَوْا الزَّكَاةَ ، وَ قَرَأُوا الصَّبِيْفَ ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا أُبْتُلُوا بِالسَّنِينِ وَ الْجَدْبِ . وَ قَالَ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ لَا نَمْسُحُ عَلَى أَحْقَافِنَا .

امام حسین علیه السلام از پدرش امیر المؤمنین نقل کرد که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: پیروانم تا وقتی که به یکدیگر مهر بورزند و نماز را بپا دارند و زکات بپردازند و از مهمان پذیرایی کنند همواره در خوشی و سعادت هستند و اگر چنین نکنند به سالخوردگی و خشکسالی گرفتار آیند، و فرمود: ما خاندانی هستیم که پیروان اندک خودمان را محروم نمی کنیم.

مصدر: الأمالی للطوسی ج ۱ ص ۴۶۶ / عیون الاخبار ج ۲ ص ۲۹

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۲۴ ص ۳۱۸ / بحارالانوار ج ۶۶ ص ۴۰۵ / عده الداعی ج ۱ ص ۱۹۱

۴. أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ عَبْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ : «مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا تَبَّتْ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُطْنَابُ وَ الْأُوتَادُ وَ الْأَغْشَاءُ وَ إِذَا انْكَسَرَتْ لَمْ يَنْفَعِ طُنْبٌ وَ لَا وَتَدٌ وَ لَا غِشَاءٌ» .

جدم رسول خدا (ص) گفت: نماز، نسبت به سایر طاعات

همچون دیرک سرپرده است که اگر دیرک برقرار باشد، طنابها و میخها و پردهها مفید واقع می شوند و اگر دیرک بشکند، از وجود طنابها و میخها و پردهها سودی عاید نمی شود.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۲۶۶ / من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۱۱ / تهذیب الاحکام ج ۲ ص ۲۳۸

دیگر منابع: الوافی ج ۷ ص ۲۷ / وسائل الشیعه ج ۴ ص ۳۳ / بحارالانوار ج ۷۹ ص ۲۱۸

۵. الصَّدُوقُ فِي الْخِصَالِ ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى - أَلَيْقُطَيْبِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَوْ يَعْلَمُ الْمُصَلِّي مَا يَعْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ مَا سَرَّهُ أَنْ يَرْفَعَ رَأْسَهُ مِنْ سُجُودِهِ .

اگر نمازگزار می دانست تا چه حد مشمول رحمت الهی است، هرگز سر خود را از سجده بر نمی داشت.

مصدر: الخصال للصدوق ج ۲ ص ۶۱۰

دیگر منابع: بحارالانوار ج ۱۰ ص ۸۹ / مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۸۰

۶. الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا اِزْتَفَعَتْ فِي وَفْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ بَيْضَاءٌ مُشْرِقَةٌ تَقُولُ حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ

وَإِذَا ارْتَفَعَتْ فِي غَيْرِ وَفَيْتَهَا بِغَيْرِ حُدُودِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءٌ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ صَبَّغْتَنِي صَبَّغَكَ اللَّهُ.

شنیدم ابو جعفر باقر (ع) می‌گفت: حسابرسی اعمال بندگان، از نماز آنان شروع می‌شود. اگر نماز کسی پذیرفته باشد، سایر اعمال او پذیرفته خواهد بود. اگر نماز کسی در اول وقت شرعی به درگاه خدا بالا برود، درخشان و تابان به سوی صاحبش بازمی‌گردد و می‌گوید: حقوق مرا نگاهبان شدی خدایت نگاهبان باد. و اگر نماز کسی در خارج از وقت شرعی به درگاه خدا بالا برود و از حدود و مقررات آن عاری باشد، سیاه و تاریک به سوی صاحبش بازمی‌گردد و می‌گوید: حقوق مرا پامال کردی، خدایت پامال کناد.

مصدر: اصول سته عشر ج ۱ ص ۲ / الکافی ج ۳ ص ۲۶۸ / تهذیب الاحکام ج ۲ ص ۲۳۹ / من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۲۰۸

دیگر منابع: عوالی الثالی ج ۱ ص ۳۱۸ / الوافی ج ۷ ص ۲۹ / وسائل الشیعه ج ۴ ص ۳۴ / بحار الانوار ج ۷۹ ص ۲۳۶

۷. وَ رَوَى أَصْحَابُنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَعْلَمَ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ أَمْ لَمْ تُقْبَلْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ مَنَعَتْهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ فَبِقَدْرِ مَا مَنَعَتْهُ قُبِلَتْ صَلَاتُهُ.

کسی که دوست دارد بداند نمازش قبول شده یا نه؟ باید ببیند آیا نمازش او را از زشتی‌ها و ناپاکی‌ها دور کرده است یا خیر؟ به همان اندازه که دور کرده، قبول شده است.

منبع: تفسیر البرهان ج ۴ ص ۳۲۲ / بحار الأنوار ج ۱۶ ص ۲۰۴ / تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۱۶۲

۸. حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ عَلِيٍّ الْبَصْرِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ خَارِجِ الْأَصَمِّ الْبُسَيْطِيُّ بِهَا فِي مَسْجِدِ طَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْجَنْدِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ عَمْرُو بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ زَاهِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا حَرِيْرٌ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ وَصَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ.

ابو الحسن محمد بن عمرو بن علی بصری می‌گوید: ابو احمد محمد بن ابراهیم بن خاریج اصم، از ابو الحسن محمد بن عبد الله بن جنید، از ابو بکر عمرو بن سعید، از علی بن زاهر، از حریر، از اعمش، از عطیه عوفی، از جابر بن عبد الله انصاری، وی می‌گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمودند: خداوند متعال جناب ابراهیم علیه السلام را خلیل خود نکرد مگر به خاطر اطعام نمودنش و نیز به واسطه نماز شب خواندنش در هنگامی که مردم خواب بودند.

مصدر: علل الشرایع ج ۱ ص ۳۵

دیگر منابع: تفسیر الصافی ج ۱ ص ۵۰۵ / وسائل الشیعه ج ۸ ص ۱۵۶ / تفسیر البرهان ج ۲ ص ۱۷۸ / بحار الأنوار ج ۱۲ ص ۴

پیوست شماره چهار: زکات

بخش اول: آیات

۱. وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبِّا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَزُبُوَ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ.

و آنچه [به قصد] ربا می دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد نزد خدا فزونی نمی گیرد و [لی] آنچه را از زکات در حالی که خشنودی خدا را خواستارید دادید پس آنان همان فزونی یافتگانند [و مضاعف می شود]. سوره روم آیه ۳۹

۲. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند. سوره بقره آیه ۲۷۷

۳. لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ.

نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندند به عهد خود وفاداراند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند. سوره بقره آیه ۱۷۷

۴. لَكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا.

لیکن راسخان آنان در دانش و مؤمنان به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند و خوشا بر نمازگزاران و زکات دهندگان و ایمان آورندگان به خدا و روز بازپسین که به زودی به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد. سوره نساء آیه ۱۶۲

۵. وَكَتُبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَاكُنْ بِهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ.

و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز] زیرا که ما به سوی تو بازگشته ایم فرمود عذاب خود را به هر کس بخواهم می‌رسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند مقرر می‌دارم. سوره اعراف آیه ۱۵۶

۶. وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ.

و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلا شما را مسلمان نامید و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید او مولای شماست چه نیکو مولایی و چه نیکو یاوری. سوره حج آیه ۷۸

۷. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.

و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد که خدا توانا و حکیم است. سوره توبه آیه ۷۱

۸. الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست. سوره حج آیه ۴۱

۹. وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ.

در حقیقت خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم و خدا فرمود من با شما هستم اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید قطعاً گناهانتان را از شما می‌زدایم و

شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می آورم پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد در حقیقت از راه راست گمراه شده است. سوره مائده آیه ۱۲

۱۰. وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا.

و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته و تا زنده ام به نماز و زکات سفارش کرده است. سوره مریم آیه ۳۱

بخش دوم: روایات

۱. قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَ الْحَجِّ وَالصَّوْمِ وَالْوَلَايَةِ.

امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج اصل بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

مصدر: المحاسن ج ۱ ص ۲۸۶ / من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۷۴ / الكافي ج ۴ ص ۶۲ / تفسير العياشي ج ۱ ص ۱۹۱

دیگر منابع: الوافی ج ۲۶ ص ۱۸۶ / وسائل الشیعه ج ۱۰ ص ۳۹۵

۲. وَ بِإِسْنَادِهِ، قَالَ: سَمِعْتُ عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: لَا تَتْرُكُوا حَجَّ بَيْتِ رَبِّكُمْ، لَا يَخُلُ مِنْكُمْ مَا بَقِيْتُمْ، فَإِنَّكُمْ إِنْ تَرَكْتُمُوهُ لَمْ تُنْظَرُوا، وَإِنَّ أَدْنَى مَا يَرْجِعُ بِهِ مَنْ أَتَاهُ أَنْ يُعْفَرَ لَهُ مَا سَلَفَ، وَأَوْصِيَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَحِفْظِهَا فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ وَهِيَ عَمُودُ دِينِكُمْ، وَبِالزَّكَاةِ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) يَقُولُ: الزَّكَاةُ قَنْطَرَةُ الْإِسْلَامِ فَمَنْ آدَاهَا جَارَ الْقَنْطَرَةَ وَ مَنْ مَنَعَهَا اخْتَبَسَ دُونَهَا، وَهِيَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ عَلَيْنَا بِصِيَامِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ صِيَامَهُ جُنَّةٌ حَصِينَةٌ مِنَ النَّارِ، وَفُقَرَاءَ الْمُسْلِمِينَ أَشْرَكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ، وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ رَجُلَانِ إِمَامٌ هَدَى أَوْ مُطِيعٌ لَهُ مُقْتَدٍ بِهِدَاةً، وَ ذُرِّيَّةُ نَبِيِّكُمْ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لَا يُظْلَمُونَ بَيْنَ أَظْهُرِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَقْدِرُونَ عَلَى الدَّفْعِ عَنْهُمْ. وَ أَوْصِيَكُمْ بِأَصْحَابِ نَبِيِّكُمْ، لَا تَسُبُّوهُمْ، وَ هُمُ الَّذِينَ لَمْ يُخْدِثُوا بَعْدَهُ حَدَثًا، وَ لَمْ يَأْتُوا مُحَدِّثًا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَوْصَى بِهِمْ، وَ أَوْصِيَكُمْ بِنِسَائِكُمْ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، وَ لَا يَأْخُذَنَّكُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، يَكْفِكُمْ اللَّهُ مِنْ أَرَادِكُمْ وَ بَعَى عَلَيْكُمْ، وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ (عَزَّ وَجَلَّ)، وَ لَا تَتْرُكُوا الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُؤَيِّبَ اللَّهُ أُمُورَكُمْ شِرَارَكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ، وَ عَلَيْنَا بِالتَّوَاضُّعِ وَ التَّبَاذُلِ، وَ إِيَّاكُمْ وَ التَّقَاطُعِ وَ التَّدَابُرِ وَ التَّفَرُّقِ، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى، وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ، وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ.

با همان سند راوی گفته که از علی علیه السلام شنیدم فرمودند: حج خانه پروردگارتان را ترك نکنید که تا وقتی زنده هستید از شما تهی نباشد؛ زیرا اگر حج را ترك کنید نباید

امیدوار باشید. و همانا کم‌ترین چیزی که به حج گزار می‌رسد آمرزش گناهانی است که او مرتکب شده است. و شما را به نماز و مراقبت از آن سفارش می‌کنم که آن بهترین عمل و ستون دینتان است. و به زکات سفارش می‌کنم که از رسول خدا شنیدیم: زکات، پل اسلام است. هرکس زکات بدهد از پل گذشته و هرکس زکات ندهد از آن باز مانده است و زکات خشم پروردگار را فرو می‌نشانند. و بر شما باد روزه ماه رمضان که روزه ماه رمضان سپری نفوذناپذیر در برابر آتش دوزخ است. و بر شما باد به نیازمندان از مسلمانان آنان را در زندگی‌تان شریک کنید. و شما را به جهاد در راه خدا با اموالتان و جان‌هاتان سفارش می‌کنم؛ زیرا دو کس در راه خدا جهاد می‌کنند: پیشوایی هدایتگر یا فرمانبر او که از هدایتش پیروی می‌کند. و بر شما باد به فرزندان پیامبران که در برابر دیدگانتان ستم نکشند در حالی که می‌توانید از آنان دفاع کنید. و شما را به اصحاب پیامبران سفارش می‌کنم. آنان را دشنام نگویند؛ زیرا رسول خدا درباره ایشان سفارش بدعتی پدید نیاوردند از بدعتی پیروی نکردند؛ زیرا رسول خدا درباره ایشان سفارش فرموده‌اند. و شما را به زنان و کنیزانتان سفارش می‌کنم. در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری شما را نریاید

که خداوند در برابر کسی- که آهنگ شما کرده و بر شما ستم روا داشته، برایتان کافی است. «و با مردم سخن نیک بگویید.» [بقره: آیه ۸۳] چنان که خداوند به شما فرمان داده است. و امر به معروف و نهی از منکر را رها نکنید که خداوند بدانتان را بر کارهاتان می‌گمارد و هرگاه دعا کنید برایتان به اجابت نمی‌رسد. و بر شما باد فروتنی و بخشندگی در میان خودتان. و از پیوند گسستن و ناسازگاری و پراکندگی بپرهیزید. «بر نیکی و پرهیزگاری همدیگر را یاری کنید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید. و از خدا پروا کنید، بی‌گمان خداوند سخت کیفر است.» [مائده: آیه ۲]

مصدر: الامالی للطوسی ج ۱ ص ۵۲۲

دیگر منابع: شهاب الأخبار ج ۱ ص ۸۷ / بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۳ / مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۲۴

۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى - عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ الْعَزْرَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ: أَتَانِيُ الْإِسْلَامُ ثَلَاثَةٌ الصَّلَاةُ وَالزَّكَاةُ وَالْوَلَايَةُ لَا تَصِحُّ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ إِلَّا بِصَاحِبَتَيْهَا .

امام صادق علیه السلام فرمود: پایه‌های اجاق اسلام سه چیز است: نماز و زکاة و ولایت، هیچ یک از آنها جز بهمراه دو تای دیگر درست نباشد (پیدا است که نماز و زکاة بدون ولایت مقبول نباشد).

مصدر: الکافی ج ۲ ص ۱۸

دیگر منابع: الوافی ج ۴ ص ۹۷ / وسائل الشیعه ج ۱ ص ۱۶ / بحار الأنوار ج ۶ ص ۳۳۰

۴. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الدَّلْهَاتِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ بِثَلَاثَةٍ مَّفْرُوعٍ بِهَا ثَلَاثَةٌ أُخْرَى أَمَرَ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَمَنْ صَلَّى
وَلَمْ يُزَكِّ لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَأَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ
يَشْكُرِ اللَّهَ وَأَمَرَ بِاتِّقَاءِ اللَّهِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ فَمَنْ لَمْ يَصِلْ رَحِمَهُ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ.

حارث بن دلهات از پدرش از امام رضا علیه السلام نقل نموده است که حضرت فرمودند: خداوند به سه چیز دستور داده است که همراه با سه چیز دیگرند، به نماز و زکات امر فرمود، که هر کس نماز بخواند و زکات ندهد نمازش قبول نخواهد شد، و به سپاسگزاری از خویش و والدین امر فرموده که هر کس از پدر و مادرش تشکر و سپاسگزاری نکند خداوند را شکر نکرده است و امر به تقوی و صلۀ رحم نموده است و هر کس صلۀ رحم نکند در واقع تقوی نداشته است.

مصدر: الخصال ج ۱ ص ۱۵۶ / عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۵۸

دیگر منابع: کشف الغمة ج ۲ ص ۲۹۳ / وسائل الشیعة ج ۹ ص ۲۵ / بحار الأنوار ج ۷۱ ص ۶۸

۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ
عُثْمَانَ عَنْ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا فَرَضَ اللَّهُ عَلَى
هَذِهِ الْأُمَّةِ شَيْئًا أَشَدَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الزَّكَاةِ وَفِيهَا تَهْلِكُ عَامَّتُهُمْ.

رفاعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند بر این امت فریضه ای را سخت تر از زکات واجب نکرده است، و به خاطر همین حکم عموم آن ها هلاک خواهند شد.

مصدر: الکافی ج ۳ ص ۴۹۷ / دعائم الإسلام ج ۱ ص ۲۴۷

دیگر منابع: الوافی ج ۱۰ ص ۳۳ / وسائل الشیعة ج ۹ ص ۲۸ / بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۲

پیوست شماره پنج: امر به معروف و نهی از منکر
بخش اول: آیات

۱. قَوْلُ مَعْرُوفٍ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعَهَا أَدَىٰ وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ.
گفتاری پسندیده (در برابر نیازمندان) و گذشت (از اصرار و تندی آنان) بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی‌نیاز بردبار است. سوره بقره آیه ۲۶۳
۲. لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا.
در بسیاری از رازگوییهای ایشان خیری نیست مگر کسی - که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم فرمان دهد و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم داد. سوره نساء آیه ۱۱۴
۳. يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِفْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يُفْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْنَهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.
ای پیامبر چون زنان باایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک نسازند و دزدی نکنند و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند و بچه‌های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نیندند و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه زیرا خداوند آمرزنده مهربان است. سوره ممتحنه آیه ۱۲
۴. الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.
مردان و زنان دو چهره [همانند] یکدیگرند به کار ناپسند واهی دارند و از کار پسندیده باز می‌دارند و دستهای خود را [از انفاق] فرو می‌بندند خدا را فراموش کردند پس [خدا هم] فراموششان کرد در حقیقت این منافقانند که فاسقند. سوره توبه آیه ۶۷
۵. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.
آنچه که پیروان رسول نبی امی هستند که می‌بینند او را در کتابی که نزد آنهاست در تورا و انجیل، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و برای آنها طایبات را مجاز می‌داند و خبایث را حرام می‌کند و بارها را از آنها برمی‌دارد و بارهای سنگینی که بر آنهاست را برمی‌دارد و آنهایی که با او ایمان آوردند و او را یاری دادند و از او پیروی کردند و نور را که نازل شد بر او، آنهایی که از او پیروی کردند، آنهایی که نجات‌یافته‌اند.

همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند. سوره اعراف آیه ۱۵۷

۶. التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.
[آن مؤمنان] همان توبه کنندگان پرستندگان سپاسگزاران روزه داران رکوع کنندگان سجده کنندگان وادارندگان به کارهای پسندیده بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند و مؤمنان را بشارت ده. سوره توبه آیه ۱۱۲

۷. كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.
شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده اید به کار پسندیده فرمان می دهید و از کار ناپسند بازمی دارید و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعا برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند. سوره آل عمران آیه ۱۱۰

۸. وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.
و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند. سوره آل عمران آیه ۱۰۴

۹. لَوْلَا يَنْهَاهُمْ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.
چرا الهیون و دانشمندان آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرامخواری شان باز نمی دارند راستی چه بد است آنچه انجام می دادند. سوره مائده آیه ۶۳

۱۰. لَعْنَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.
از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان

خدا [تجاوز میکردند. [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند یکدیگر را باز نمی داشتند راستی چه بد بود آنچه میکردند. سوره مائده آیات ۷۸ و ۷۹

بخش دوم: روایات

۱. هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ ، عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ ، عَنْ جَعْفَرٍ ، عَنْ أَبِيهِ : أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: « كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَ نَسَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شَبَابُكُمْ، وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؟! » فَقِيلَ لَهُ: وَ يَكُونُ ذَلِكَ، يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: « نَعَمْ، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ » قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ، وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟! قَالَ: « نَعَمْ، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ، كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمْ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟! »

مسعدة بن صدقه گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود: چه حالی خواهید داشت، وقتی که زنان تان فاسد شوند و جوان‌هایتان فاسق و بدکار شوند و امر به معروف و نهی از منکر نکنید؟!

عرض کردند: ای رسول خدا! آیا واقعا چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

فرمود: آری، و بدتر آن نیز خواهد شد. چه حالی خواهید داشت هنگامی که دستور به کار منکر و زشت بدهید و از کار معروف و نیک بازدارید؟

به آن حضرت عرض شد: ای رسول خدا! آیا چنین اتفاقی خواهد افتاد؟

فرمود: آری، بدتر از این هم خواهد شد. چه حالی دارید آن‌گاه که معروف و نیک به نظر شما بد و منکر شود، و منکر به نظر شما نیک باشد؟!

مصدر: قرب الاسناد ج ۱ ص ۵۴ / الکافی ج ۵ ص ۵۹ / تحف العقول ج ۱ ص ۴۹ / تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۷۷

دیگر منابع: روضة الواعظین ج ۲ ص ۳۶۵ / مجموعة ورام ج ۲ ص ۱۲۴ / الوافی ج ۱۵ ص ۱۷۶ / وسائل الشیعة ج ۱۶ ص ۱۲۲ / بحار الأنوار ج ۵۲ ص ۱۸۱

۲. وَ فِي كَلَامٍ آخَرَ لَهُ يَجْرِي هَذَا الْمَجْرَى: فَمِنْهُمْ الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ فَذَلِكَ مُتَمَسِّكٌ بِخِصَلَتَيْنِ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَ مُضَيِّعٌ خِصْلَةً وَ مِنْهُمْ الْمُنْكَرُ بَقَلْبِهِ وَ التَّارِكُ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَذَلِكَ الَّذِي ضَيَّعَ أَشْرَفَ الْخِصَلَتَيْنِ مِنَ الثَّلَاثِ وَ تَمَسَّكَ بِوَاحِدَةٍ وَ مِنْهُمْ تَارِكٌ لِإِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ يَدِهِ فَذَلِكَ مَيِّتٌ الْأَحْيَاءِ وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَثَةً فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ . وَ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقَرَّبَانِ مِنْ أَجَلٍ وَ لَا يُنْقِصَانِ مِنْ رِزْقٍ وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةٌ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ.

تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور. امر به معروف و نهی از منکر اجل کسی را پیش نمی اندازد و رزق و روزی کسی را کم نمی کند

مصدر: نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۴۲

دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۱۶ ص ۱۳۴ / بحار الأنوار ج ۹۷ ص ۸۹

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ بَشْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عِصْمَةَ قَاضِي مَرْوَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يُتَّبِعُ فِيهِمْ قَوْمٌ مُرَاءُونَ يَتَّقَرُّونَ وَيَتَنَسَّكُونَ حُدُثَاءَ سُفَهَاءٍ لَا يُوجِبُونَ أَمْرًا بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيًا عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا إِذَا أَمِنُوا الصَّرِيرَ يَطْلُبُونَ لِأَنْفُسِهِمُ الرُّحْصَ وَالْمَعَادِيرَ يَتَّبِعُونَ زَلَّاتِ الْعُلَمَاءِ وَفَسَادَ عَمَلِهِمْ يُقْبَلُونَ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ وَمَا لَا يَكْلِمُهُمْ فِي نَفْسٍ وَلَا مَالٍ وَلَا أَصْرَتِ الصَّلَاةِ بِسَائِرِ مَا يَعْمَلُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَبْدَانِهِمْ لَرَفْضِهَا كَمَا رَفَضُوا أَسْمَى الْفَرَايِضِ وَأَشْرَفَهَا إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَايِضُ هُنَالِكَ يَتِمُّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ فَيَعْمَهُمْ بِعِقَابِهِ فَيُهْلِكُ الْأَبْرَارَ فِي دَارِ الْفَجَارِ وَالصَّغَارَ فِي دَارِ الْكِبَارِ إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَمِنْهَاجُ الصُّلَحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَايِضُ وَتَأْمَنُ الْمَدَاهِبُ وَتَجْلُ الْمَكَاسِبُ وَتُرْدُ الْمَظَالِمُ وَتُعْمَرُ الْأَرْضُ وَيُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَيَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ فَأَنْكُرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَالْفُطُوعَ بِاللِّسَانِ وَصُكُّوا بِهَا جَبَاهَهُمْ وَلَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَأَيْمٍ فَإِنْ ائْتَعَطُوا وَإِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَأَبْغُضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ ظَالِمِينَ سُلْطَانًا وَلَا بَاغِينَ مَالًا وَلَا مُرِيدِينَ بَطْلِيمٍ ظَفَرًا حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَيَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ قَالَ وَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَيُّ مُعَذِّبٍ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةٌ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ دَاهِنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَلَمْ يَعْضَبُوا لِعَضْبِي .

در آخر الزمان گروهی به وجود می آیند که در بین خود از فرقه ای پیروی می کنند که ریاکار، قاری قرآن، اهل انجام عبادات، دارای حالتی زهدگونه، تازه به دوران رسیده و سفیه و نادان اند. امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند مگر در صورتی که از ضرری در امان باشند، برای خودشان رخصت و بهانه می جویند، و از لغزش های علما و بد عملی آن ها پیروی می کنند. به نماز و روزه و چیزهایی که به جاه و مال شان لطمه ای نزنند روی می آورند، و اگر نماز و دیگر کارهایی را که انجام می دهند نیز به مال و جان شان ضرری برساند، آن را هم همانند فریضه ها و واجبات بزرگ دیگری که ترك کردند، رها می کنند.

در واقع امر به معروف و نهی از منکر فریضه و واجب عظیم و بزرگی است که فرایض و واجبات، تنها با آنها برپا می‌شود.

این جاست که غضب الهی بر این افراد تمام و کامل می‌شود و همه را به کیفر خود گرفتار می‌کند و نیکان را نیز در سرزمین بدکاران، و کوچک‌ها را در سرزمین بزرگان هلاک و نابود می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت راه انبیا، روش روشن صالحان، و فریضه‌ای است بزرگ که فرایض با آن زنده و پابرجا می‌شود و مسلك‌های دین با آنها (از بدعت‌ها) در امان می‌ماند، تجارت‌ها حلال می‌شود، آنچه به ستم گرفته شده باز می‌گردد و زمین آباد می‌شود و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود و امور (دین و دنیا) به راه راست کشیده می‌شود.

پس، با دل‌هایتان منکر و کار بد را انکار کنید و زشت بدانید، و با زبان‌های خود این مطلب را بگویید، و به شدت بر روی آن‌ها بزنید، و در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای مترسید. پس اگر پند گرفتند و به حق بازگشتند دیگر اجازه آزار آنها را ندارید (و راهی نیست) بلکه: «اجازه تنها در مورد کسانی است که به مردم ستم می‌کنند، و در زمین به ناحق طلب و درخواست می‌کنند؛ عذابی دردناک برای اینان خواهد بود.

در چنین موردی با بدنهایتان به جهاد با آنها بپردازید، و با دل‌هایتان بر آنان خشم بگیرید، بدون این که در پی حکومت‌یابی باشید، و یا مالی را به ستم بگیرید یا بخواهید با ستمگری (و بدون عدالت) بر آنان پیروز شوید؛ این کار را بکنید تا به دستور الهی بازگردند و مشغول اطاعت و فرمانبرداری از او شوند. خدای عزّ و جلّ به شعیب پیامبر علیه السلام وحی کرد: «من یکصد هزار نفر از قوم تو را عذاب می‌کنم، چهل هزار نفر از بدهایشان و شصت هزار نفر از بهترین‌هایشان را.

شعیب علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من! اینان اشرارند، ولی نیکان به چه سبب؟

خداوند عزّ و جلّ به او وحی فرمود: با معصیت کاران کنار آمدند و به خاطر خشم و غضب من، خشمگین نشدند.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۵۵ / تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۱۸۰

دیگر منابع: مجموعه وژام ج ۲ ص ۱۲۵ / الوافی ج ۱۵ ص ۱۶۹ / تفسیر الصافی ج ۱ ص ۳۶۷

پیوست شماره شش: مراحل انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب

مطلب اول:

ما دو عید در پیش داریم؛ یک عید انقلاب که روز بیست و دوم بهمن است و سه روز دیگر است؛ یک عید انتخاب؛ انتخابات هم در واقع عید است. این دو عید را باید گرامی بداریم. این دو عید دو عید پرمعنا و پرمضمون است برای ما. در مورد عید اول که عید انقلاب است - روز بیست و دوم بهمن - حقیقتاً ملت ما در طول این ۳۷ سال، این روز را به معنای یک عید واقعی گرامی داشته است. عید یعنی آن مناسبتی که هر سال تکرار میشود؛ ریشه‌ی «عید» از «عود» است؛ یعنی هر سال یک روزی را به یک مناسبتی تکرار میکنیم، تکرار شادمانه؛ این تکرار شادمانه نسبت به روز بیست و دوم بهمن که روز پیروزی انقلاب تعیین شده، هر سال با قوت و قدرت ادامه داشته. این در ایران و در همه‌ی جهان بی‌نظیر است؛ یعنی کشورهایی داشته‌ایم که انقلاب کرده‌اند [اما] سالگرد انقلاب با حضور مردم و با این حجم عظیم در سرتاسر کشور در هیچ جای دنیا نیست. این چیزی که عرض میکنم، یک واقعیتی است، این یک اطلاع است؛ حدس و تحلیل نیست؛ واقعیت این است. در کشورهای انقلابی، سالگرد انقلاب را گرامی میدارند؛ یک عده‌ای آنجا روی آن ایوان می‌ایستند، یک عده هم می‌آیند جلویشان رژه می‌روند؛ این میشود سالگرد انقلاب؛ مردم هم مشغول کار خودشان هستند. در اینجا سالگرد انقلاب به وسیله‌ی مردم اساساً بزرگداشت میشود و نگاهداشت میشود، گرامی داشته میشود. مردم هستند که می‌آیند در هوای سرد، مشکلات، یخبندان، باران، برف، همه‌جور وارد این میدان میشوند و خودشان را نشان میدهند؛ حضور مردمی. این سلسله تمام‌نشدنی است. شاید نیمی از کسانی که امسال در بیست و دوم بهمن شرکت میکنند، کسانی هستند که بیست و دوم بهمن [۵۷] را اصلاً ندیده‌اند و سنّ آنها اقتضا نمیکند؛ مال بعد از بیست و دوم بهمن [۵۷] هستند اما شرکت میکنند. در واقع این بازآفرینی انقلاب است؛ چون انقلاب ما با تیر و تفنگ و این چیزها نبود، با حضور تن مردم در خیابانها بود؛ مردم نه فقط با میلشان، نه [فقط] با اراده‌شان، نه [فقط] با احساس و عاطفه‌شان، بلکه با جسمشان در عرصه و در صحنه آمدند. سخت هم بود؛ در مقابلش تیراندازی بود، در مقابلش کشتن بود، در مقابلش خطرهای گوناگون بود؛ این خطرها را تحمل کردند و به خیابان آمدند. استمرار این اراده‌ی مستحکم و پولادین، نظام بی‌پایه و رژیم پوسیده و وابسته‌ی پهلوی را ریشه‌کن کرد؛ یعنی حضور

جسمی مردم، همراه با اراده و عزم و محبت و پشتیبانی، در خیابانها و در صحنه؛ [اینها] نشانه‌ی حضور است. این حضور را مردم در این ۳۷ سال حفظ کرده‌اند، امسال هم خواهید دید که به توفیق و فضل الهی حضور مردم در خیابانها حضور چشمگیر و دشمن‌شکنی خواهد بود.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش.

۱۹/۱۱/۱۳۹۴

مطلب دوم:

برای اینکه تفکر انبیاء در جامعه پیاده شود، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم بود. این انقلاب با این هدف به وجود آمد. جامعه‌ی اسلامی، کشور اسلامی، نه فقط دولت اسلامی، نه فقط تشکیل یک نظام اسلامی، بلکه تشکیل یک واقعیت و یک مجموعه مردمی که بر اساس تعالیم اسلام - که لب لباب تعالیم انبیاء است - زندگی میکنند و آثارش را احساس میکنند. این هدف ماست. خوب، ما به این هدف هنوز نرسیدیم، توقع هم نبود که در ظرف سی سال برسیم. این هدف، هدف خیلی طولانی مدتی است. باید تلاش کرد، باید کار کرد تا به این هدف رسید؛ شما مسئولیتان این است. مأموریت این نسل این است؛ کشور و ملتتان را به آن جایگاهی که معنایش این باشد که یک جامعه‌ی اسلامی به معنای واقعی تشکیل شده، برسانید. این را الگو کنید. این میشود بزرگترین وسیله برای گسترش این فکر و گسترش این تجربه در عالم؛ این مأموریت این نسل است که در تصور و در جنبه‌ی نظری، چیز مشکلی نیست. البته کار، کار بسیار دشواری است. همان تحرک جوانی، همان انگیزه‌ی جوانی را لازم دارد؛ با تلاش فراوان جهادی که حالا گفته‌ایم و عرض میکنیم. هدف این است: ما کشور اسلامی میخواهیم. کشور اسلامی وقتی تشکیل شد، معنایش این است که دنیای مردم آباد خواهد شد، نه به معنای آبادی‌ای که در نظامهای مادی وجود دارد.

بیانات در دیدار دانشجویان

۰۷/۰۷/۱۳۸۷

مطلب سوم:

ما امروز در محاسباتمان نباید دچار اشتباه بشویم؛ نگذارید دشمن در دستگاه محاسباتی شما اثر بگذارد؛ نگذارید اغوا کند؛ نگذارید تطمیع او یا

تهدید او اثر بگذارد. امروز نبرد جمهوری اسلامی با استکبار - که با انقلاب آغاز شد و همچنان با قوت ادامه دارد - همان نبرد پیغمبران با طواغیت زمان، با شیاطین انس و جن است. ما دنبال آرمانهای بلند هستیم؛ دنبال تشکیل جامعه‌ی اسلامی، نظام اسلامی، کشور اسلامی، امت اسلامی و تحقق بخشیدن به آرزوهای بزرگ پیامبران و صدیقان و شهیدان [هستیم]؛ و دستگاه‌های شیطانی زمان یک جبهه‌اند و طبعاً با یک‌چنین حرکتی مخالفند. [بنابراین] کارشکنی میکنند، اذیت میکنند، تهدید میکنند؛ در عین حال با همه‌ی زرق و برقی که آن جبهه‌ی مقابل دارد و جلال ظاهری و توانایی‌های مادی‌ای که دارد، این حرکت الهی و حرکت پیامبرانه راه خودش را دارد ادامه میدهد و پیش میرود، اثر میگذارد، روزبه‌روز توسعه پیدا میکند، روزبه‌روز عمق پیدا میکند.

بیانات در دیدار مسئولان نظام

۱۶/۰۴/۱۳۹۳

مطلب چهارم:

یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ پیش‌ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است. منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و الا به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل میشود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون میکند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده میکند. حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب میکنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزشهای اسلامی همراه است. ما از این حلقه هم عبور کردیم. منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیادهای اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از

دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور. بخش بعد از آن، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمانهای اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر-ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم. البته این جامعه تحقق پیدا نکرده، ولی ما دنبال این هستیم که این جامعه تحقق پیدا کند. پس این شد هدف اصلی و مهم میانه‌ی ما.

چرا میگوئیم میانه؟ به خاطر اینکه این جامعه وقتی تشکیل شد، مهمترین مسئولیت این جامعه این است که انسانها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضائی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند؛ که: «ما خلقت الجنّ و الانس الاّ ليعبدون»؛ انسانها به عبودیت برسند. «ليعبدون» را معنا کردند به «ليعرفون». این معنایش این نیست که «عَبَدَ» به معنای «عَرَفَ» است - عبادت به معنای معرفت است - نه؛ بلکه به معنای این است که عبادت بدون معرفت معنی ندارد، امکان ندارد، عبادت نیست. بنابراین جامعه‌ای که به عبودیت خدا میرسد، یعنی به معرفت کامل خدا میرسد، تخلق به اخلاق‌الله پیدا میکند؛ این، آن نهایت کمال انسانی است. بنابراین هدف نهائی، آن است؛ و هدف قبل از آن، ایجاد جامعه‌ی اسلامی است، که هدف بسیار بزرگ و بسیار والائی است. خوب، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد؛ که حالا آن مقوله‌ی دیگری و بحث دیگری است. این چیزی که به عنوان هدف ذکر شد، یک امر بسیار والاست.

پیوست شماره هفت: خانه و اهمیت آن در زندگی انسان

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنَ السَّعَادَةِ سَعَةُ الْمَنْزِلِ .

هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: خانه وسیع مایه سعادت زندگی است.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۲۵ / المحاسن ج ۲ ص ۶۱۱ / مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۵
دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۸۹ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹۹ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۵۹

۲. عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُئِلَ عَنْ فَضْلِ عَيْشِ الدُّنْيَا قَالَ سَعَةُ الْمَنْزِلِ وَ كَثْرَةُ الْمُجِيبِينَ .

از امام کاظم علیه السلام درباره خوبی زندگی دنیایی سؤال شد. فرمود: وسیع بودن منزل و زیاد بودن دوستان است.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۲۶
دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۵۹۰

۳. عَنْهُ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ حَدَّثَنِي سَعِيدُ بْنُ جَنَاحٍ عَنْ نَصْرِ الْكُوسِجِ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ رَاحَةٌ فِي سَعَةِ الْمَنْزِلِ .

برای مومن در وسیع بودن خانه مایه راحتی است.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۱ / مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۵
دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۵ ص ۳۰۲ / بحار الانوار ج ۷۳ ص ۱۵۲

۴. عَنْهُ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفِ مَوْلَى مَعْنٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِيهِ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِي عَوْرَتَهُ وَ تَسْتُرُ حَالَهُ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ صَالِحَةٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ ابْنَةٌ أَوْ أُخْتُ أَخْرَجَهَا مِنْ مَنْزِلِهِ إِمَّا بِمَوْتٍ أَوْ بِتَرْوِيجٍ .

مطر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

سه چیز مایه راحتی مومن است: خانه بزرگ و وسیعی که عیب او را بپوشاند و تنگدستی اش را از دید مردم پنهان دارد؛ زن شایسته‌ای که او را در امور دنیا و آخرتش یاری دهد و دختری که او را - یا با مرگش، و یا با شوهر دادنش - از خانه بیرون کند.

مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۰ / الکافی ج ۵ ص ۳۲۷ / الخصال ج ۱ ص ۱۵۹

دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۸۹ / وسائل الشیعه ج ۲۰ ص ۴۱ / بحارالانوار ج ۷۳ ص ۱۴۸

۵. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُعْبِرَةِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ. از امام باقر [۱]: از بدبختی‌های زندگی تنگی و کوچکی منزل است. مصدر: المحاسن ج ۲ ص ۶۱۱ / الکافی ج ۶ ص ۵۳۶
دیگر منابع: الوافی ج ۲۰ ص ۷۹۰ / وسائل الشیعه ج ۵ ص ۳۰۲

۶. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ حُسْنُ مَجْلِسِهِ وَ سَعَةُ فِتَائِهِ وَ نِظَافَةُ مُتَوَضَّأِهِ. امام صادق علیه السلام: از نشانه‌های خوشبختی مرد، خوش مجلسی- و بزرگی حیاط منزل و پاکیزگی دستشویی او می‌باشد. منبع: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۶

۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَأَلْزَبِعُ الَّتِي مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَيْهِيُّ وَ الْأَرْبَعُ الَّتِي مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السَّوُّءُ وَ الْمَرْأَةُ السَّوُّءُ وَ الْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَ الْمَرْكَبُ السَّوُّءُ. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم: چهار چیز از نشانه‌های خوشبختی و چهار چیز از نشانه‌های بدبختی است. اما چهار چیز که از نشانه‌های خوشبختی‌اند عبارتند از: زن (همسر) خوب و خانه بزرگ و همسایه خوب و مرکب زیبا و چهار چیزی که از نشانه‌های بدبختی‌اند عبارتند از: همسایه بد و زن (همسر) بد و خانه کوچک و مرکب بد. منبع: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۲۶ / بحارالانوار ج ۷۳ ص ۱۵۴

پیوست شماره هشت: شرح کامل زیرساخت های خدماتی نه گانه

در مدرسه فقهی هدایت یک طبقه بندی جدید از علم استنباط و استنباط شده است و طلاب مدرسه هدایت، حول این محتوای بسیار تفصیلی، چرخه چهاربخشی- تحریک فکر را عملیاتی می کنند. شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی بر اساس ۱۲ نظریه از این طبقه بندی پیشرفته، مشغول تصمیم سازی در میان مسئولین کشور است. در متن زیر سرفصل های این طبقه بندی و تبویب جدید فقهی را بخوانید:

۱- علوم مرتبط با فقه الامام:

(۱- بررسی نظریه امامت اجمالی، ۲- بررسی نظریه فقهی امان، ۲- بررسی مفهوم محرومیت زدایی (نظریه تعریف) ۳- روش جامعه سازی امام، ۴- نظریه امنیتی سلم، ۵- نظریه هسته های توازن (برنامه و بودجه در دولت اسلامی)، ۶- الگوی جدید زیارت، ۷- الگوی فقهی مواجهه با آسیب های اجتماعی، ۸- نظریه خدمات تنظیم کننده روابط انسانی و ۹- نظریه مدیریت شهری محله محور)

۲- علوم مرتبط با فقه التزکیه:

(۱- آداب تخلیه و دستشویی، ۲- آداب استحمام، ۳- پاکسازی و تزکیه قلب و سایر اعضا + آداب گرفتن ناخن و پیرایش مو، ۴- مقررات فقهی ساختمان، ۵- عطر و درختان معطر و مثمر، ۶- معرفی غذاهای اماته کننده شهوت حرام، ۷- آداب پنج گانه انعقاد نطفه، ۸- جعبه فقهی شخصیت و ۹- نظریه فقهی طهارت)

۳- علوم مرتبط با فقه المکاسب:

(۱- تبیین طبقه بندی مشاغل، ۲- تبیین ویژگی های الگوی تولید، ۳- تبیین ویژگی های بازار، ۴- تبیین ویژگی های تبادل و معامله بین بایع و مشتری، ۵- تبیین مفهوم عدم تقویت کافر در تجارت بین الملل و ۶- تبیین الگوی تأمین مالی در اسلام و ۷- تبیین عوامل غیر اقتصادی موثر بر اقتصاد

۴- علوم مرتبط با فقه البیان:

(۱- قاعده بیان مبتنی بر قدر مخاطب و ظرفیت، ۲- قاعده بیان مبتنی بر تأمل، ۳- قاعده بیان مبتنی بر مقایسه، ۴- قاعده بیان مبتنی بر مکث، ۵- قاعده بیان مبتنی بر رفق، ۶- قاعده بیان مبتنی بر منزلت، ۷- قاعده بیان مبتنی بر انفتاح، ۸- قاعده بیان مبتنی بر سیاق و کشف پیشفرض و ۹- قاعده بیان مبتنی بر کمیت و عدد)

۵- علوم مرتبط با فقه العلم:

(الف: علوم مرتبط با فقه النظام (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تنظیم روابط انسانی، فقه نظام در ۹ محور ۱- فقه الامام، ۲- فقه العلم، ۳- فقه التزکیه، ۴- فقه المکاسب، ۵- فقه العبرة، ۶- فقه النظم، ۷- فقه الفرقان، ۸- فقه البیان و ۹- فقه نفی سبیل، پایه گذاری شده است.) ب- علوم مرتبط با فقه الخلق (برای تبیین معادلات وحی در مسئله تسخیر طبیعت، فقه الخلق در ۱۰ محور ۱- جدول فقهی خصلت، ۲- جدول فقهی بنیاد، ۳- جدول فقهی زمان، ۴- جدول فقهی عماد، ۵- جدول فقهی زینت، ۶- جدول فقهی سببیت (جدول تسخیر)، ۷- جدول فقهی تغییر، ۸- جدول فقهی طبقه بندی اشیاء، ۹- جدول فقهی حیات و ۱۰ - و جدول فقهی نفی تشبیه، پایه گذاری شده است.) ج: علوم مرتبط با فقه علوم غریبه (برای تبیین معادلات وحی در مسئله اسباب باطنی عالم، فقه علوم غریبه در محورهای مانند: ۱- معرفی جن و اقسام آن و تبیین مناسک مرتبط با عدم اختلاط در زندگی انسان و جن، ۲- معرفی ملائکه و مدبرات اربعه و تبیین چگونگی تاثیرگذاری ملائکه بر زندگی انسان، ۳- تبیین چگونگی ارتباط با عالم اموات و ارواح بر اساس بازخوانی عمیق مفهوم زیارت، ۴- تبیین اجمالی مفهوم تنزل امر در آسمانهای هفت گانه و تبیین اتفاقات امری در هر آسمان، ۵- تبیین مفهوم حجاب و سرادق، ۶- تبیین مکانیزم مدیریت بت خانه ها در اقوام اولین (بررسی تجربه های اقوام اولین در ارتباط میان انسان و جن)، ۷- بررسی تأثیرات آسمان رفیع بر زمین (بررسی تاثیر کواکب، نجوم، مصابیح و قمر و شمس بر زندگی)، ۸- معرفی اجمالی علومی مانند علم اعداد و جداول اوفاق، علم حروف و اسماء، علم جفر، علم منایا، علم بلایا و... تبیین شده است.) د: علوم مرتبط با فقه التسبیح: (برای معرفی مقام ربوبیت، فقه التسبیح در محورهای مانند ۱- تبیین تفصیلی معنای سبحان الله، ۲- تبیین تفصیلی معنای الحمدلله، ۳- تبیین تفصیلی معنای لا اله الا الله و ۴- تبیین تفصیلی معنای الله اکبر، تبیین تفصیلی معنای صلوات، ۵- تبیین تفصیلی ۹۹ اسم الهی با تأکید بر شرح تفصیلی اسم حسیب (به دلیل مواجهه با مفهوم تنزل یافته سود در تمدن مدرنیته)، شرح تفصیلی اسم ذو انتقام (به دلیل مواجهه با تسامح حداکثری انسان مدرن در مسئله حق الناس) و اسم مُسبب (به دلیل مواجهه با مفهوم ناقص علیت در منطق صوری و مفهوم ناقص متغیر در منطق سیستمی) پایه گذاری شده است.

۶- علوم مرتبط با فقه النظم:

(۱- تفاوت معنای نظام سازی و سیستم سازی، ۲- نظریه نظم اختیاری، ۴- نظریه فقهی خود تنظیمی در روابط انسانی ۱۳ گانه، ۴- الگوی تقنین؛ مبتنی بر تعریف جدید از حکم و قانون)

۷- علوم مرتبط با فقه الفرقان (۱- تبیین معیارهای اصلی ارزیابی (شامل: ارزیابی خیر و شر، ارزیابی ظلم و عدل، ارزیابی نفع و ضرر، ارزیابی علم و حق و باطل و ظن)، ۲- تبیین حوزه های اصلی ارزیابی (ارزیابی زیرساخت های ۹گانه روابط انسانی)، ۳- تبیین بسته اقدامات جبران بعد از ارزیابی (مفهوم شفاعت، انابه و توبه و تأویب) و ۴- الگوی ارزیابی دستگاه های اجرائی

۸- علوم مرتبط با فقه العبرة (۱- الگوی فقهی روایت میراث فرهنگی، ۲- تبیین آداب احترام به پدر بزرگ و مادر بزرگ به عنوان مخزن تجربه افزایی و عبرت آفرینی در خانواده، ۳- تبیین آداب زیارت قبور + جانمایی صحیح قبرستان در محلات و خانه)، ۴- تبیین مفهوم اقوام اولین و آخرین، ۵- تبیین مفهوم منازل الاخره + تبیین تفصیلی احوالات عالم قبر ۶- تبیین مفهوم قیامت، حساب و بهشت و جهنم و ۷- بررسی گزارش های مرتبط با معراج پیامبر.

۹- علوم مرتبط با فقه نفی سبیل:

۱- نظریه سیاست خارجی قبل از ظهور، ۲- نظریه الگوی جدید نگهبانی از نظام (روش مواجهه با هجوم اسناد بین المللی)، ۳- معرفی غذاهای شجاعت آفرین و قوت آفرین، ۴- راه اندازی مسابقات سبق و رمایه. علی کشوری (مدیر مدرسه فقهی هدایت و دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی)- شنبه ۶ خرداد ۱۴۰۲ - حوزه علمیه قم

<https://m-hedayat.blog.ir/post/964>

پیوست شماره نه: بسیج در اندیشه امام خمینی ره

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد.

در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب خصوصاً جنگ، بودند نهادها و گروههای فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت طلبی، کشور و انقلاب اسلامی را بیمه کردند. ولی حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود! بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پرثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش برگدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده اند.

من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام. من مجدداً به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولین عرض می کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم جهانخواران خصوصاً امریکا و شوروی از ما و اسلام عزیز دست برداشته اند؛ لحظه ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت امریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی — صلی الله علیه و آله و سلم. موج می زند. باید برای شکستن امواج طوفانها و فتنه ها و جلوگیری از سیل آفتها به سلاح پولادین صبر و ایمان مسلح شویم. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی — صلی الله علیه و آله — و مخالف با استکبار و پول پرستی و تجرگری و مقدس نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.

خلاصه کلام، اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروریترین تشکلهای، بسیج دانشجوی و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمیه و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاریهای شماست و مسئولین تنها با پشتوانه شماست که می توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت اثبات کنند که بدون امریکا و شوروی می شود به زندگی مسالمت آمیز توأم با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه ها موجب می شود که ریشه ضد انقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد.

من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می بوسم و می دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تأکید می کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی را به دنبال خواهد داشت. من از تمامی بسیجیان خصوصاً از فرماندهان عزیز آن تشکر می کنم و از دعای خیر برای این فرزندان با وفای اسلام غفلت نخواهم نمود. خداوند شهادت عزیز و گمنام بسیج را به نعمت همجواری اهل بیت — علیهم السلام — متنعم و جانبازان عزیز را شفا و اسرا و مفقودین عزیز را سالمأ به اوطانشان بازگرداند و هر روز بر عظمت و شوکت این نهاد مقدس و مردمی که پیروان اسلام عزیز و حضرت بقية الله الاعظم — ارواحنا لمقدمه الفداء — هستند بیفزاید. والسلام علیکم ورحمة الله .

روح الله الموسوی الخمینی

پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته بسیج. ۲ آذر ۱۳۶۷

پیوست شماره ده: اهمیت کسب و کار حلال

۱. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

از نبی مکرم اسلام ﷺ: عبادت کردن ده جزء دارد که نه بخش آن در طلب حلال است.

منبع: جامع الاخبار ج ۱ ص ۱۳۹ / بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۹ / مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۱۲

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ الْكُوفِيِّ رَفَعَهُ إِلَى [إِلَى خ ل] أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ.

ابو خالد کوفی در حدیث مرفوعه‌ای گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود: عبادت هفتاد جزو است که با فضیلت‌ترین آن‌ها طلب روزی حلال است.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۷۸ / ثواب الاعمال ج ۱ ص ۸۰ / معانی الاخبار ج ۱ ص ۳۶۶ / تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۳۲۴

دیگر منابع: تحف العقول ج ۱ ص ۳۷ / الوافی ج ۱۷ ص ۲۱ / وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۱ / بحارالانوار ج ۷۴ ص ۱۴۰

۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْخَارِثِ بْنِ بَهْرَامٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جَمْعٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ حَلَالٍ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحْمَهُ.

مرو بن جمیع گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

در کسی- که گردآوری مال و ثروت حلال را دوست ندارد تا آبروی خود را با آن حفظ کند، قرضش را بدهد و با خویشاوندانش صله رحم کند خیری نیست.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۷۲ / تهذیب الاحکام ج ۷ ص ۴

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۳۹ / وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۳۳

۴. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْمُفِيدُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ سَالِمِ بْنِ الْبَرَاءِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْجَعَابِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ الْهَمْدَانِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ عُقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَكْرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ الدَّهْلِيُّ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَيْفِ الْأَزْدِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَدْعُ طَلَبَ الرِّزْقِ مِنْ حِلِّهِ فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ.

عمرو بن سیف ازدی گوید: امام صادق (علیه السلام) بمن فرمود: طلب روزی را از راه حلال آن از دست مده که کمک توست بر دینت.

مصدر: الامالی للمفید ج ۱ ص ۱۷۲ / الامالی للطوسی ج ۱ ص ۱۹۳

دیگر منابع: وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۳۴ / بحار الانوار ج ۱۰۰ ص ۵

۵. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ كَسَلَ عَنْ ظُهُورِهِ وَصَلَاتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ آخِرَتِهِ وَ مَنْ كَسَلَ عَمَّا يُصْلِحُ بِهِ أَمْرٌ مَعِيشَتِهِ فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ دُنْيَاهُ.

زراره گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس از طهارت و نماز تنبلی کند خیری برای آخرت او نیست و هرکس در کاری که موجب اصلاح امور زندگانی او می شود تنبلی کند، خیری در آن برای دنیای او نخواهد بود.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۸۵

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۷۳ / وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۵۹

۶. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَرَأَيْتَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ بَيْتَهُ وَأَغْلَقَ بَابَهُ أَكَانَ يَسْقُطُ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ السَّمَاءِ.

عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به نظر تو اگر مردی به خانه اش برود و در خانه را به روی خود ببندد، از آسمان بر او چیزی فرود خواهد آمد؟!

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۷۷

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۲۲ / وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۲۴ / الفصول المهمه ج ۱ ص ۲۷۴

۷. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنِّي لَأُبْغِضُ الرَّجُلَ أَوْ أُبْغِضُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا [كَسَلَانَ] عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ مَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلٌ.

محمد بن مسلم گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: من با مردی که برای کار دنیای خود تنبل و کسل باشد دشمن هستم و هرکس درباره دنیایش تنبلی کند در مورد آخرتش تنبل تر است.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۸۵

دیگر منابع: دعائم الاسلام ج ۲ ص ۱۴ / الوافی ج ۱۷ ص ۷۳ / وسائل الشیعه ج ۱۷ ص ۵۸

۸. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: مَنْ اتَّجَرَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِزْتَطَمَ فِي الرَّبَا ثُمَّ اِزْتَطَمَ قَالَ وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَا يَتَّعَدَنَّ فِي السُّوقِ إِلَّا مَنْ يَعْقِلُ الشَّرَاءَ وَالْبَيْعَ.

طلحه بن زید گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: هرکس بدون آگاهی (از احکام) دست به تجارت بزند پی در پی در باتلاق ربا فرومی‌رود. حضرتش فرمود: امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمود: هیچ‌کس در بازار (برای کاسبی) ننشیند جز آن‌که (در مورد مسائل و احکام) خرید و فروش به دقت تعامل کرده باشد.

مصدر: الکافی ج ۵ ص ۱۵۳ / تهذیب الاحکام ج ۷ ص ۵ / نهج البلاغه ج ۱ ص ۵۵۵

دیگر منابع: الوافی ج ۱۷ ص ۴۳۶ / بحارالانوار ج ۱۰۰ ص ۱۰۰

پیوست شماره یازده: چرخه چهار بخشی تحریک فکر

۱. مطلب اول:

مدارس علمیه آینده چه ویژگی‌هایی دارد؟ - قسمت اول
در "نظریه مدرسه هدایت" برای حضور اجتماعی یک طلبه ساختاری ۷ بخشی - مبتنی بر چرخه چهار بخشی. تحریک فکر - تعریف کرده ایم؛ که فهم غیر سطحی و عمیق از آن قدرت تحریک فکر و هدایتگری را در طلبه ارتقاء می‌دهد!

بخش اول این ساختار بدیع، فهم و تمرین مسئله مدیریت خبر است. مدیریت خبر، دارای دو بخش مدیریت خبر در رسانه‌های مدرن و مدیریت خبر در قالب پیشرفته "خانه عالم" است. در مجموع مدیریت خبر نقطه آغازین تحریک فکر مخاطب است!

بخش دوم این ساختار، مرور و بررسی نظری و عملی مفهوم تضارب آراء است. تشکیل خانواده روایت برای مفهوم تضارب و سپس تمرین عملی برای مدیریت جلسات تضاربی؛ دومین هدیه مهم مدرسه هدایت به طلاب خود است! تضارب از مهمترین ابزارهای تحریک فکر در یک جامعه محسوب می‌شود!

بخش سوم از ساختار تحریک فکر، مسئله مدیریت مکتوبات است. طلبه‌ای که کتابت نداشته باشد، به زنبوری بی‌عسل تشبیه می‌شود! مهمترین مکتوبات شامل: ۱- تدوین دوره‌های مباحثاتی، ۲- تدوین پیاده‌های فوری و ۳- تدوین نمودارهای پژوهشی - است؛ که هرکدام دارای پیچیدگی‌های فنی خاصی است!

بخش چهارم این ساختار مدیریتی، تلاش برای مسلط نمودن طلبه‌ها بر نحوه نوشتن گزارش‌های راهبردی (روش تدبُّر) است. بدون گزارش راهبردی نمی‌توانیم تصمیمات غلط اجتماعی در حوزه‌های مختلف را تغییر دهیم. در مدرسه هدایت تدوین گزارش راهبردی (روش تدبُّر) را نظری و عملیاتی آموزش می‌دهیم!

بخش پنجم این ساختار ۷ بخشی، بر ارتقاء قدرت طلبه‌ها در جهانی سازی اندیشه‌های پیامبران تمرکز دارد. به دلیل محوریت منطقه غرب آسیا در فرآیند جهانی جبهه حق و البته به دلیل نزول اندیشه کاربردی وحی به زبان عربی، آموزش زبان عربی فصیح نقش مهمی در جهانی سازی اندیشه پیامبران ایفاء می‌کند!

بخش ششم ساختار تحریک فکر مدرسه هدایت، فهم و اجرای فرآیند نمونه سازی است. نمونه سازی متکی به ۲۵ بخش پیچیده است؛ که در نهایت خود قدرت هدایت بخشی - و تحریک فکر را در جامعه ارتقاء می‌دهد. اگر طلبه قدرت نمونه سازی نداشته باشد، عامه و خواص مردم او را آرمان‌گرائی، غافل از واقعیت‌ها می‌پندارند!

در نهایت، مهمترین بخش ساختار تحریک فکر را قدرت تشکیل و معرفی نمایشگاه می‌دانیم. طلبه‌های که قدرت تشکیل نمایشگاه برای نظریات فقهی خود را دارند، آسانتر ۶ بخش فوق‌الذکر را مدیریت می‌کنند.

البته نمایشگاه علاوه بر کارکرد گفته شده، ابزاری برای خود ارزیابی طلبه ها در مسیر تفقه و نظام سازی محسوب می شود!

طلبه آینده را مسلط به این ساختار ۷ بخشی- می دانیم و معتقدیم بدون این نوع از تحریک فکر، نظام سازی و جامعه سازی فقهی خوابی شیرین محسوب می شود!

حجت الاسلام علی کشوری- شنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۹۸- قم مبارک
پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا
<https://eitaa.com/olgou4/2119>

۲. مطلب دوم:

چرخه تحریک فکر چیست؟!

از یک حیث مهمترین نظریه بخشی- فقه هدایت؛ چرخه چهار بخشی- تحریک فکر است. این نظریه بخشی به سوال چگونگی تصمیم سازی (چگونگی مشورت) پاسخ می دهد!
مرز باریکی میان تصمیم سازی و تحمیل تصمیم در یک جامعه وجود دارد و اگر "تحریک وعاء فکر مخاطب"، حذف و یا تضعیف شود؛ مدیران سطوح مختلف به سمت تحمیل به مخاطب، تمایل یافته اند!
در چرخه چهار بخشی- تحریک فکر، مراحل تحریک فکر را در ۴ مرحله ۱- مدیریت خبر، ۲- مدیریت تضارب، ۳- مدیریت کتابت و ۴- مدیریت نمونه سازی مباحثه می کنیم.
بهترین نظریات فقهی اگر در فضای چرخه چهار بخشی- تحریک فکر مطرح نشوند؛ در فرایند تحقق آنها اختلال ایجاد می شود!

حجت الاسلام علی کشوری - ۹ ذوالحجه ۱۴۴۰ هجری قمری (روز عرفه) - قم مبارک
پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایتا
<https://eitaa.com/olgou4/1785>

۳. مطلب سوم:

چگونه به تحقق الگوی پیشرفت اسلامی کمک کنیم؟! / برخی برای الگوی پیشرفت جلسه تبلیغاتی تشکیل می دهند.
از همه عزیزان فعال در زمینه گفتگوهای ملی الگوی پیشرفت اسلامی استدعا می کنم؛ که برنامه های خود در زمینه الگوی پیشرفت اسلامی را بر اساس مراحل چهارگانه چرخه تحریک فکر تنظیم کنند.

مراحل چهارگانه تحریک فکر شامل چهار امر ۱- مدیریت خبر ۲- مدیریت تضارب ۳- مدیریت مکتوبات ۴- مدیریت نمونه سازی است. التزام به این چرخه چهار بخشی، زمینه اقامه الگوی اسلامی در کشور را فراهم می آورد.

به عبارت روشن تر باید درباره محتوای مباحثات الگوی پیشرفت، هم مدیریت خبر داشته باشیم و هم تضاربی گسترده طراحی کنیم و هم مکتوبات متنوع تولید کنیم و هم بر اساس محتوای مد نظر خود نمونه سازی کنیم. بزرگترین آفت برای دور جدید گفتگوهای ملی الگوی پیشرفت اسلامی برگزاری جلسات تبلیغاتی و شعاری است.

حجت الاسلام علی کشوری- مسجد جمکران قم - گفتگو با کارشناسان- ۲۱ آبان ۱۳۹۷
پایگاه اطلاع رسانی شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی در پیامرسان ایستا

<https://eitaa.com/olgou4>

پیوست شماره دوازده: جایگاه طیبات خوری در هدایت انسان

بخش اول: آیات

۱. أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ. سوره بقره آیه ۲۶۷

ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهای پاکیزه ای که به دست آورده اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاک آن نروید که (از آن) انفاق نمایید، در حالی که آن را (اگر به خودتان می دادند) جز با چشم پوشی (و بی میلی) نسبت به آن، نمی گرفتید، و بدانید که خداوند، بی نیاز ستوده (صفات) است.

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ. سوره بقره آیه ۱۷۲

ای کسانی که ایمان آورده اید از نعمتهای پاکیزه ای که روزی شما کرده ایم بخورید و اگر تنها او را می پرستید خدا را شکر کنید.

۳. وَقَطَعْنَا لَهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلًّا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. سوره اعراف آیه ۱۶۰

و آنان را به دوازده عشیره که هر يك امتی بودند تقسیم کردیم و به موسی وقتی قومش از او آب خواستند وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته سنگ بزن پس از آن دوازده چشمه جوشید هر گروهی آبشخور خود را بشناخت و ابر را بر فراز آنان سایبان کردیم و گزانگبین و بلدرچین بر ایشان فرو فرستادیم از چیزهای پاکیزه ای که روزیتان کرده ایم بخورید و بر ما ستم نکردند لیکن بر خودشان ستم میکردند.

۴. كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ. سوره طه آیه ۸۱

از خوراکیهای پاکیزه ای که روزی شما کردیم بخورید و [لی] در آن زیاده روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید قطعا در [ورطه] هلاکت افتاده است.

۵. وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلًّا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. سوره بقره آیه ۵۷

و بر شما ابر را سایه گستر کردیم و بر شما گزانگبین و بلدرچین فرو فرستادیم [و گفتیم] از خوراکیهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و [لی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشتن ستم روا می داشتند.

۶. الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا أُولَئِكَ إِنَّكُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَمَعْرُوفُونَ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. سوره اعراف آیه ۱۵۷

همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند.

۷. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَقَصَّصْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْصِيلاً. سوره اسراء آیه ۷۰

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.

۸. يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ. سوره مومنون آیه ۵۱

ای پیامبران از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید که من به آنچه انجام می دهید دانایم. ترجمه فولادوند

۹. وَاسْتَفْزِرْ مِنْ اسْتَطْعَتٍ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا. سوره اسراء آیه ۶۴

و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی دهد.

بخش دوم: روایات

۱. وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : إِذَا وَقَعَتِ اللَّقْمَةُ مِنْ حَرَامٍ فِي جَوْفِ الْعَبْدِ لَعَنَهُ كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ وَ مَا دَامَتِ اللَّقْمَةُ فِي جَوْفِهِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ أَكَلَ اللَّقْمَةَ مِنَ الْحَرَامِ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ تَابَ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِنْ مَاتَ فَالْنَّارُ أَوْلَى بِهِ.

و نیز فرمود: چون لقمه‌ای حرام به شکم بنده داخل شود، همه فرشتگان آسمان و زمین او را لعنت کنند، و تا وقتی که آن لقمه در شکم اوست خداوند به او نظر ننماید، و هر کس لقمه‌ای حرام بخورد خشم خدا را برانگیخته است، و اگر توبه کند خدا توبه‌اش را می‌پذیرد. و اگر بمیرد (بی‌توبه) آتش دوزخ به وی نزدیک خواهد بود.

منبع: مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۱۵۰ / بحارالانوار ج ۶۳ ص ۳۱۴ / روضه الواعظین ج ۲ ص ۴۵۷

۲. وَ عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ : الْعِبَادَةُ مَعَ أَكْلِ الْحَرَامِ كَالْبِنَاءِ عَلَى الرَّمْلِ وَ قِيلَ عَلَى الْمَاءِ .
 عبادت کردن با وجود حرام خواری مانند ساختن بنایی است بر روی شن. و به قولی: بر روی آب
 منبع: بحارالانوار ج ۸۱ ص ۲۵۸ / عده الداعی ج ۱ ص ۳۰۲

پیوست شماره سیزده: جایگاه عطر و خوشبویی در اسلام

۱. وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَزْبَعُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ التَّعْطُرُ وَالسَّوَاكُ وَالنِّسَاءُ وَالْحِنَاءُ»
 امام صادق علیه السلام فرمود: چهار چیز جزء سنت و روشهای پیامبران است: بوی خوش بکار بردن، مسواک زدن، میل بنکاح زنان و حنا بستن.
 مصدر: من لایحضره الفقیه ج ۱ ص ۵۲
 دیگر منابع: الوافی ج ۶ ص ۶۷۷ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۰ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۳۵

۲. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیْسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ یَقُولُ: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعِطْرُ وَ أَخْذُ الشَّعْرِ وَ كَثْرَةُ الطَّرُوقَةِ .
 معمر بن خلاد گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:
 سه چیز از سنتهای پیامبران مرسل است: عطر زدن، کوتاه کردن مو و بسیاری همبستر شدن با زنان.
 مصدر: الکافی ج ۵ ص ۳۲۰ / من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۳۸۲ / الخصال ج ۱ ص ۹۲ / تحف العقول ج ۱ ص ۴۴۲ / تهذیب الأحکام ج ۷ ص ۴۰۳
 دیگر منابع: وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۰۳ / عوالی اللثالی ج ۳ ص ۲۸۲ / الوافی ج ۲۱ ص ۲۸ / وسائل الشیعة ج ۲۰ ص ۲۴۱ / بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۱۴۱

۳. مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ الطَّوِيلِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يُنْفِقُ فِي الطَّيِّبِ أَكْثَرَ مِمَّا يُنْفِقُ فِي الطَّعَامِ .
 اسحاق طویل عطار گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
 پیامبر خدا صلی الله علیه و اله همواره برای خرید عطر بیشتر از خرید غذا هزینه می کرد.
 مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۱۲
 دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۳۴ / الوافی ج ۶ ص ۶۹۷ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۶ / بحار الأنوار ج ۱۶ ص ۲۴۸

۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: طَيْبُ النِّسَاءِ مَا ظَهَرَ لَوْنُهُ وَ خَفِيَ رِيحُهُ وَ طَيْبُ الرِّجَالِ مَا ظَهَرَ رِيحُهُ وَ خَفِيَ لَوْنُهُ .
 سکونی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمود:
 عطری که زنان استعمال می کنند رنگش آشکار و بویش پنهان است و عطر برای مردان بوی آشکار و رنگ پنهانی دارد.
 مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۱۲
 دیگر منابع: دعائم الإسلام ج ۲ ص ۱۶۶ / الأشعثیات ج ۱ ص ۳۱ / شهاب الأخبار ج ۱ ص ۸۹ / مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۴۴ / الوافی ج ۶ ص ۶۹۷ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۷

۵. وَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : مَنْ تَطَيَّبَ مِنَ النَّسَاءِ فَلَا تَخْرُجَ وَلَا تَشْهَدِ الصَّلَاةَ فِي الْمَسْجِدِ .
هر زنی خود را معطر کرد نباید از خانه خارج شود و نباید به مسجد برود.
منبع: دعائم الإسلام ج ۲ ص ۱۶۶ / مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۴۲۳
۶. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ لَمْ يُصِبْ طِيبًا دَعَا بِثَوْبٍ مَصْبُوغٍ بِرَعْفَرَانٍ فَرَشَّ عَلَيْهِ الْمَاءَ ثُمَّ مَسَحَ بِيَدِهِ ثُمَّ مَسَحَ بِهِ وَجْهَهُ .
و رسول خدا صلی الله علیه و آله هر گاه روز جمعه فرا میرسید و آن حضرت به بوی خوش دسترسی نداشت جامه‌ای را که زعفرانی بود (یعنی آن را با زعفران رنگین ساخته بودند) می‌طلبید و به آن آب می‌پاشید، آنگاه دست خویش را بدان جامه می‌کشید و بصورت خود می‌مالید.
مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص ۴۲۵
دیگر منابع: الوافی ج ۶ ص ۶۹۵ / وسائل الشیعة ج ۷ ص ۳۶۵
۷. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى - عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لِيَتَزَيَّنَ أَحَدُكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يَغْتَسِلُ وَ يَتَطَيَّبُ وَ يُسْرِّحُ لِحْيَتَهُ وَ يَلْبَسُ أَنْظَلَفَ ثِيَابِهِ وَ لِيَتَهَيَّأَ لِلْجُمُعَةِ وَ لِيَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ السَّكِينَةُ وَ الْوَقَارُ وَ لِيُحْسِنَ عِبَادَةَ رَبِّهِ وَ لِيَفْعَلَ الْخَيْرَ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ اللَّهَ يَطَّلِعُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لِيُضَاعِفَ الْحَسَنَاتِ .
هشام بن حکم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:
هر کدام از شما بایستی در روز جمعه خود را بیاراید، غسل جمعه کند، بوی خوش استعمال نماید و محاسن را شانه زند، پاکیزه‌ترین لباس‌های خود را بر تن نماید و با چنین آراستگی خود را برای برگزاری نماز جمعه آماده سازد. باید در آن روز آرامش و متانت بر حرکات او، و اطمینان خاطر سکون بر اندیشه و روانش حکم فرما باشد و عبادت پروردگارش را نیکو به جای آورد و تا آن جا که در توان دارد، اعمال خیر انجام دهد، چرا که خداوند نظر (لطف) خویش را بر زمینیان می‌افکند تا حسنات را دوجندان سازد.
مصدر: الکافی ج ۳ ص ۴۱۷ / تهذیب الأحکام ج ۳ ص ۱۰
دیگر منابع: جمال الأسبوع ج ۱ ص ۳۶۶ / الوافی ج ۸ ص ۱۰۹۵ / وسائل الشیعة ج ۷ ص ۳۹۵ / بحار الأنوار ج ۸۶ ص ۳۵۲
۸. حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: رَكَعَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا مُتَعَطِّرٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيَهُمَا غَيْرُ مُتَعَطِّرٍ .
مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: دو رکعت نماز کسی - که (به هنگام نماز) خود را معطر می‌کند از هفتاد رکعت نماز کسی که عطر نمی‌زند، برتر است.
مصدر: ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۴۰ / الخصال ج ۱ ص ۱۶۶
دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۴۲ / مفتاح الفلاح ج ۱ ص ۳۰۲ / وسائل الشیعة ج ۴ ص ۴۳۵ / بحار الأنوار ج ۸۱ ص ۳۳۰

۹. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الطَّيْبُ نُشْرَةٌ وَالْعَسَلُ نُشْرَةٌ وَالرُّكُوبُ نُشْرَةٌ وَالنَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ نُشْرَةٌ.

عطر زدن موجب شادمای است، همین طور خوردن عسل، سوارکاری و نگاه کردن به جاهای سبز.

مصدر: عیون الأخبار ج ۲ ص ۴۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۶۳ ص ۲۹۱

۱۰. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى- عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَرُدُّ الطَّيْبَ قَالَ لَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَرُدَّ الْكِرَامَةَ .

سماعة بن مهران گوید: از امام صادق علیه السلام درباره رد هدیه عطر پرسیدم. فرمود: شایسته نیست انسان کرامت را رد کند.

مصدر: الکافی ج ۶ ص ۵۱۲ / معانی الأخبار ج ۱ ص ۲۶۸

دیگر منابع: مکارم الأخلاق ج ۱ ص ۴۲ / الوافی ج ۶ ص ۶۹۸ / وسائل الشیعة ج ۲ ص ۱۴۷ / بحار الأنوار ج ۷۲ ص ۱۴۱

۱۱. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ تَطَيَّبَ بِطَيْبٍ أَوَّلَ النَّهَارِ وَهُوَ صَائِمٌ لَمْ يَفْقِدْ عَقْلَهُ» .

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در حال روزه داشتن در اول روز خود را با عطری خوشبو سازد، عقل خود را از دست نمی‌دهد.

مصدر: من لا یحضره الفقیه ج ۲ ص ۸۶ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ج ۱ ص ۵۳

دیگر منابع: الوافی ج ۱۱ ص ۲۰۶ / وسائل الشیعة ج ۱۰ ص ۹۵ / بحار الأنوار ج ۹۳ ص ۲۹۰

۱۲. وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِقْبَلُوا الْكِرَامَةَ وَافْضَلُ الْكِرَامَةِ الطَّيْبُ أَحْفُهُ مَحْمِلًا وَأَطْيَبُهُ رِيحًا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : احترام را بپذیرید و بهترین احترام، عطر است. هم سبکبار است و هم بسیار خوش بو.

مصدر: تحف العقول ج ۱ ص ۶۰

دیگر منابع: بحار الأنوار ج ۷۴ ص ۱۶۴ / مستدرک الوسائل ج ۸ ص ۳۹۸

طبقه بندی جدید علوم



اولویت‌های تمدنی ۱۲ گانه در مقایسه با محورهای ۱۷ گانه سند ۲۰۳۰



شما حتی در امثال دانشگاه امام صادق علیه السلام یا سایر دانشگاه هایی که بیشتر نیروهای انقلابی در آن درس می خوانند، کتابی را پیدا نمی کنید که نقش مسجد در اداره جامعه را به صورت تفصیلی شرح داده باشد. بنابراین با اینکه اختیارات کشور را به دست نیروهای انقلاب داده ایم ولی این مسأله مهم برای ما تامین نیست. یعنی آن مدیری که در دوره تحصیلش یک کتاب در مورد نقش مسجد و اداره جامعه نخوانده باشد، هیچ گاه در زمان مسئولیت و برای اصلاح امور مردم، به محوریت مسجد برنامه ریزی نمی کند. می دانید چرا ۴۴ سال است که اختیارات اجتماعی داریم ولی هنوز دولت اسلامی نداریم؟ هنوز نیروهای انقلابی ما با فراغ بال، با اشتباهی بالا از الگوهای غربی استفاده می کنند. یکی از دلایلیش آن است که نیروهای انقلابی به جایگاه مسجد معرفت ندارند. می دانید چرا؟ چون مسجد در ذهنشان صرفاً مکانی برای به جا آوردن نماز است...